

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه : موسوی، سید روح الله، ۱۳۴۰ -
 عنوان و نام پدیدآور : حقوق حیوانات در آیات و روایات/ مولف سیدروح الله موسوی؛ زیر نظر
 سیدمهدی طباطبایی؛ [به سفارش] موسسه فرهنگی تحقیقاتی علامه بحرالعلوم.
 مشخصات نشر : قم: فقه، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۳۹ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 فروست : فقه محیط زیست: ۱.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۹-۲۳۸-۱
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۳۲] - ۲۳۰.
 موضوع : حیوان ها (فقه)
 موضوع : حقوق حیوان ها -- جنبه های قرآنی
 موضوع : حقوق حیوان ها -- احادیث
 موضوع : حقوق حیوان ها -- جنبه های مذهبی -- اسلام
 شناسه افزوده : طباطبایی، سید مهدی، ۱۳۵۲ -
 شناسه افزوده : موسسه فرهنگی تحقیقاتی علامه بحرالعلوم
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ م ۹۸۱ ج/۶ BP۱۹۸/۶
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۷۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۱۲۹۶۳

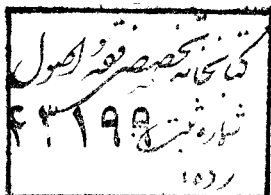


انتشارات فقه

ناشر: انتشارات فقه
 قم خیابان سمیه نبش کوچه ۴۳ پلاک ۱۸۹
 تلفن ۳۷۸۳۱۵۱۵ (۰۲۵) - ۹۱۹۲۵۲۹۴۸۴
 نام کتاب: حقوق حیوانات در آیات و روایات
 مؤلف: سیدروح الله موسوی (مرندی)
 نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۴ هـ. ش
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۷۰ ۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۹۹ - ۲۳۸ - ۱

مرکز پخش:

قم - موسسه فرهنگی تحقیقاتی علامه بحر العلوم خیابان صفائیه کوچه ۳۷ کوچه پنجم پلاک ۱۴۷
 قم - انتشارات فقه خیابان سمیه نبش کوچه ۴۳ پلاک ۱۸۹ ۷۸۳۱۵۱۵ (۰۲۵) - ۹۱۹۲۵۲۹۴۸۴
 کلیه حقوق محفوظ است.



فقه محیط زیست ۱ /

حقوق حیوانات در آیات و روایات

سید روح الله موسوی

زیر نظر

استاد سید مهدی طباطبایی

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی علامه بحر العلوم

گفتار مؤسسه

یکی از مهم ترین چالش های پیش روی بشر در عصر حاضر، چگونگی حفاظت از محیط زیست و برخورد با پدیده های مختلف حیوانی، گیاهی، آبها، انرژی، آلودگی و ... است. در این بین، آگاهی بخشی نسبت به حقوقی که انسانها نسبت به جلوه های مختلف زیست محیطی دارند، از اهمیت شایانی برخوردار است. آموزش و ترویج فرهنگ تعامل با گیاهان، جانواران، جنگل ها، آبها، مزارع، و به طور کلی جهان پیرامون ما، و لطامات جبران ناپذیری که از سوء برخورد با محیط زیست، مستقیم و غیر مستقیم، گریبان گیر جوامع بشری خواهد شد، جزء ارکان جدا ناشدنی حفاظت از محیط زیست است.

بدون شک، جوامع علمی به خصوص حوزه های علمیه، در جهت تبیین حقوق شرعی مربوط به محیط زیست، سهم شایانی خواهند داشت.

در این راستا، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی علامه بحر العلوم، بر خود

واجب دانسته، با استفاده از ذخایر غنی حوزه علمیه قم، تا حد امکان، به این مهم دست یازد و به طور جدی، زمینه تعامل علمی و عملی با ارگان های متولی محیط زیست، فراهم سازد.

نوشتار حاضر، در همین راستا بوده و نخستین قدم در راه بررسی کلیات حقوق حیوانات در فقه اسلامی است که می کوشد با بررسی آیات قرآنی و روایات ائمه معصومین علیهم السلام، به عنوان مهم ترین منابع و مصادر فقه اسلامی، و نیز با نگاهی ژرف به کتابهای فقهی، زوایای مختلف حقوق سلبی و ایجابی حیوانات را مورد بررسی قرار دهد. جای دارد ضمن تشکر از مؤلف محترم، از حمایت های بی دریغ سازمان حمایت از محیط زیست، به خصوص معاون محترم آموزش، جناب آقای مهندس درویش، تشکر و قدردانی کنیم.

امید است دانشمندان و اساتید محترم، با نظرات ارزنده ی خود، بر غنای هر چه بیشتر این مباحث بیافزایند.

سید مهدی طباطبایی

مدیر مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی علامه بحر العلوم

مقدمه

از روزی که بشر پا به عرصه وجود نهاد، نیازهای خود را مشاهده و برای رفع آنها شروع به تکاپو کرد. خوراک، پوشاک و مسکن از جمله این احتیاجات اولیه بودند که بیش از همه به تلاش وی می‌افزودند. از نقش‌هایی که درون برخی غارها دیده می‌شود می‌توان به نوعی تعامل بین انسان و حیوان پی برد. استفاده از جانوران وحشی و درنده برای شکار، خود نشان از اهمیت این تعامل دارد و همین نیاز، عواطف انسانی را به سمت این گونه رفتارها سوق داده است. شاید تنها تهیه غذا و پوشاک از جانوران نمی‌توانست باعث این همه علاقه بوده باشد، چراکه در دوره‌های بعد از غارنشینی از تقدس جانوران سخن به میان آمده است و ساخت تندیس جانوران مختلف گویای همین مطلب است. گرچه اگر منظور فقط خوراک بودن و تفریح با حیوانات بوده، و یا وسیله‌ای برای یافتن غذا، باز نمی‌توان اهمیت آن را از نظر آدمی دست کم گرفت.

اهمیت جانوران از جهت حفظ و تغذیه آن توسط آدمی نشان دهنده نوعی احساس مسئولیت در برابر حیوانات بوده است؛ مسئولیتی که آدمی در مقابل هم نوع خود دارد، در قبال جانوران نیز وجود داشته است. عقل نیز چنین برخوردی را تأیید می‌نماید که فرد از هر چیزی که نیازهای وی را برآورده می‌سازد، حفاظت کند.

البته نباید فراموش کرد که حیوان عقل و تفکری شبیه آدمی ندارد

تا بتوان برخی از حقوق خاص انسانی را برای آن قائل شد. آنها دارای شعور و اراده‌ای پایین‌تر از بشرند و به همان اندازه قابلیت مؤاخذه را دارا هستند. وضع قوانین برای آنها توسط آدمی کاملاً اشتباه است؛ زیرا وضع قانون برای یک چیز، شناخت نسبت به آنچه برای آن قانون وضع می‌شود را طلب می‌کند. به تعبیر بهتر ما نمی‌توانیم میان حیوانات و تعاملات آنها باهم قانونی را وضع نماییم.

با توجه به مطالب گذشته شاید چنین به ذهن بیاید که تنها جانوران اهلی و یا حیواناتی که به نوعی در خدمت انسانند، تحت حمایت در می‌آیند، اما آیا جانوران دیگر چنین حقی ندارند؟

این سؤال در گذشته‌های دور و دورانی که بشر غارنشین در پی یافتن راهی برای رفع گرسنگی خویش بود، بی‌معنی می‌نمود. اما پس از دستیابی بشر به تمدن و با درک طبیعت و پیچیدگی‌های آن، دیگر نمی‌توان به تأثیر جانوران و گیاهان بر محیط زیست بی‌توجه بود.

با این مقدمات تعریف و تعیین حقوق حیوانات از وظایف انسانهاست، اما نباید از حدودی بالاتر رفته و مقامی هم شأن انسان برای آنها قائل شد. خداوند متعال در پاسخ به کسانی که استفاده از حیوانات را حرام می‌شمردند چنین فرموده است:

«مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ

الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۱

«خدا برای بحیره و سائبه و وصیله و حام حکمی مقرر نفرموده و لیکن

کافران بر خدا دروغ بستند چه آنکه بیشتر آنها عقل را کار نمی‌بندند.»

بحیره به شتری گفته می‌شد که پنج بچه به دنیا آورد و آخرین بچه آن نر باشد، گوش آن شتر را می‌شکافتند و سوار شدن بر آن را ممنوع می‌کردند. سائبه نیز مانند بحیره بوده است. وصیله گوسفندی است که بره نری به دنیا می‌آورد و آن را برای بتهای خود قربانی می‌کردند. حام شتری بوده است که ده بچه به دنیا می‌آورد و مشرکان سوار شدن بر پشت آن را حرام دانسته، حتی بار زدن بر پشت آن شتر در میان اعراب جاهلی ممنوع محسوب می‌شد.^۲

این امور نشان دهنده تفريط در استفاده از نعمات الهی است که در میان مشرکین عرب جاری بوده است. از ظاهر آیه بر می‌آید که افراط در احترام به حیوان و شأن خدایی دادن به آن، در حد دروغ بستن به خداوند متعال است. امروزه نیز در برخی ادیان و جوامع متمدن تا آن حد پیش رفته‌اند که به بهانه رعایت حقوق حیوانات از خوردن گوشت آنها خودداری می‌کنند. آیه شریفه مذکور با سلب تعقل از این افراد، آنها را جاهل می‌داند. آفرینش حیوانات برای استفاده بشر است تا بوسیله آنها استعدادهای

۱. مانده (۵): ۱۰۳.

۲. مجمع البیان ج ۳، ص ۳۸۹.

خدادادی خود را شکوفا کند. با این حال اگر استفاده از آنها موجب رسیدن آسیبی به محیط زیست شود، از آن کار نهی شده است. همچنین افراط و سوء استفاده بنابر دلایل و روایاتی که در مباحث آینده بیان می‌شود، ممنوع است.

درست است که در نگاه اول به روایات مربوطه و احکام بدیهی عقلی، اخلاقی بودن آنها به ذهن متبادر می‌شود، ولی با تأمل بیشتر و احساس احتیاج به وضع قوانین در حمایت از حقوق جانوران، جوامع متمدن چاره‌ای جز بررسی عمیق‌تر این احکام نخواهند داشت. پیشرفت تکنولوژی و تجربیات بشر نیز مؤید همین امر است که زیست سالم در دنیایی با نظم و بدون دغدغه فکری نیازمند تحقیق و تفحص است تا شاید راهی برای برقراری نظم زیست محیطی یافت. ادیان و مکاتب اخلاقی دیگر نیز آموزه‌هایی در این زمینه دارند که اهمیت آن را در نظر انسان دو چندان می‌کند. به عنوان نمونه عدم تعذیب و نهی از آن در مکتب جینیسم لازم الاجرا بوده است و آن را یکی از راه‌های طهارت و تزکیه نفس بر شمرده‌اند.^۱ مهاویره مبدع مکتب جینیسم به این ملتزم بود که همیشه همراه وی جارویی باشد تا با آن هر جا که می‌رفت راه خویش را بروید مبادا حشرات ریز و جانوران خرد زیر قدمهای او تباه شوند، یا رنج و آزاری

بینند.^۱ همو در کتابی که منسوب به اوست گفته است:

«گراته پس از وقت و بازی، غذا و نوشابه خود را میخورد و می‌نوشد. چه اگر بدون توجه چیزی بخورد یا بنوشد بسا باشد که به موجود جاننداری که درون ظرفش قرار گرفته آسیب رساند، یا آن را آواره و سرگردان و یا مجروح سازد و یا بکشد.»^۲

مکتب بودا نیز ۱۰ دستور دارد که یکی از آنها نهی از بی‌جان کردن جانوران می‌باشد.^۳ در میان زرتشتیان نیز آموزه‌هایی مبنی بر رعایت احترام برخی حیوانات مشاهده می‌شود. از آن جمله مناجاتی است که در آن چنین آمده است:

«من نزد خداوند دانا پیمان می‌بندم که همیشه نیکی و نیکو کاری پیشه کنم، راستی را برگزینم با فره ایزدی بهترین کار را در پیش گیرم. درباره گاو که از عطایای خیر فره است، مهربان باشم ... از زدنی و نابکاری و آزار به جانوران پرهیزم.»^۴

پیشینه بحث

در میان کتب قدما تنها در کتب فقهی که فتاوی موجود در آنها

۱. همان: ۱۶۵.

۲. همان: ۱۷۱.

۳. همان: ۱۸۶.

۴. همان: ۴۶۳-۴۶۲.

برگرفته از احادیث اهل بیت علیهم السلام است، نکاتی در مورد تعامل و احکام برخورد و زیستن حیوانات مشاهده می‌شود. اگر با نگاهی کلی نگریسته شود دیده می‌شود که این نکات بیشتر به صورت اجمال بوده و به صورت مفصل بدان پرداخته نشده است. مثلاً مرحوم سید علی طباطبائی در کتاب *ریاض المسائل*، و در بحث نفقات، با اشاره به اجماع میان فقهای شیعه و یک حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله به چنین نتیجه‌ای رسیده است. البته پیشینه این بحث با توجه به همان روایات به اوائل ظهور اسلام و صدور روایات باز می‌گردد.

بحث زکات یکی دیگر از این مباحث است. علامه حلی در تذکره *الفقهاء* و عاملی در *مدارک الاحکام* و نجفی در *جواهر الکلام* در کتاب الزکاة در بیان وظایف عاملین به حدیثی از امیر المؤمنین علیه السلام اشاره کرده‌اند که در آن از جدا نکردن شتر مادر از بچه‌اش سخن در میان است. در دوران معاصر برخی از نوشتارها حاکی از اهمیت موضوع بوده‌اند. از آن جمله مقاله گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب نوشته خانم شیما پور محمدی و مقاله نگاهی به حقوق حیوانات در اخلاق محیط زیست اسلام از منظر نهج البلاغه نوشته شده توسط خانم پروانه رضایی و متنی در *مجله الدعوة* توسط شیخ ابن باز، هستند.

چنانکه در آینده خواهد آمد، احرام و حرم از مواضعی است که در آن صید و آسیب رساندن به جانوران تحریم شده است؛ این یکی از شواهد سابقه طولانی حفاظت از حقوق حیوانات و مباحثه بر سر آن

می‌باشد. تعیین کفاره در مورد کشتن و آزار حیوانات داخل حرم و شخص محرم از مباحث مهم کتاب الحج است.

سوالاتی که در این کتاب به آنها پاسخ داده شده است، مربوط به کلیات حقوق حیوانات و نحوه تعامل با آنهاست. البته این کتاب تفاوت بسیاری با آنچه فقها در کتب خویش بیان کرده‌اند، دارد؛ زیرا تفصیل رساله حاضر سعی بر این داشته است تا آن اندازه که ممکن است به جمع آوری حقوق حیوانات اقدام کند.

سوالاتی که در این کتاب مطرح و پاسخ داده می‌شوند:

۱. آیا حیوانات در دین اسلام دارای حقوقی هستند؟

۲. این حقوق شامل چه جانورانی است؟

۳. حقوق حیوانات بحثی فقهی حقوقی و یا اخلاقی است؟

۴. دین اسلام چه حقوقی را در مورد جانوران لازم می‌داند و امر به رعایت آنها کرده است؟

۵. در دین اسلام از چه مواردی در مورد حیوانات نهی شده است؟

۶. نظر دین اسلام در مورد افراط و تفریط در استفاده از جانوران چیست؟

۷. آیا احکام صید و برخورد با جانوران در محدوده حرم و حالت

احرام مربوط به حقوق جانوران است؟

در این نوشتار هر چند کوتاه به معرفی برخی از آداب تعامل و برخورد با حیوانات از نظر متون دینی پرداخته می‌شود که هرچند مانند

حقوق مدون نیستند، ولی راه را برای تدوین قوانین می‌گشایند. این سفارش‌ها و تأکیدات ذهن انسان را به وجود قوانینی برتر از آنچه انسان کنونی به آن می‌اندیشد، رهنمون می‌شوند.

در بخش اول این کتاب به کلیات اشاره شده است، که شامل گستره حقوق حیوانات و تعریف جانوران اهلی و وحشی و بررسی حقوق جانوران از نظر اخلاقی و فقهی هست.

در بخش دوم به حقوق ایجابی، همانند: تغذیه حیوانات اهلی و وحشی و گرسنه نگاه داشتن برای تعلیم و آموزش، مکان و تأدیب، نگهداری از حیوانات، تولید مثل، حفظ نسل، رشد، سلامت و بهداشت، احساسات و رفق و مدارا با حیوانات اشاره می‌شود.

در بخش سوم حقوق سلبی بررسی می‌شوند؛ مانند: قتل و کشتار که خود شامل صید و ذبح و احکام آن دو است، همچنین آزار جسمانی که شامل مثله، آتش زدن، وسم، تجاوز، زدن جانوران، بار زدن، دوشیدن، به جنگ واداشتن می‌شود. از سوی دیگر برخورد با جانوران مودبی و مقابله با آنها بیان شده است.

در بخش چهارم افراط و تفریط در استفاده از حیوانات، حرم و احرام مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بخش اول
کلیات (گستره و نوع حقوق حیوانات)

بحث از حیوانات و حقوق آنها مربوط به همه آنهاست و تمامی جانورانی را که در محیط زیست، اعم از خشکی و دریا زندگی می‌کنند در بر می‌گیرد. بدین ترتیب که همه جانداران به همان معنایی که بیان شد، در آسمان و زمین و حتی زیر زمین و آبها زندگی می‌کنند، مشمول حقوقی هستند که در شرع مقدس یعنی در آیات و روایات و یا قوانین مدون بیان می‌شود. این حیوانات گونه‌های مختلف اعم از مهره داران، بی‌مهره گان، خون گرم‌ها، خون سردها، پستان داران و تخم گذاران، تک یاخته‌ها و پرسلولی‌ها و غیره را شامل می‌شوند.

رعایت اموری که مربوط به زندگی آنها در بیابان، جنگل، کوه‌ها و آب‌ها می‌شود، می‌تواند به عنوان حقوق مورد بررسی قرار گیرد.

جانورانی که انسان در کره زمین با آنها ارتباط دارد به دو دسته کلی اهلی و وحشی تقسیم می‌شوند که هر کدام خواه مستقیم و یا غیر مستقیم در جهان پیرامون آدمی و یا زندگی وی اثرگذار هستند.

یکی از اهداف این بخش بیان و شناسایی حیوانات اهلی و وحشی و وجوه افتراق آنهاست؛ دلیل این تقسیم بندی وجود برخی احکام متفاوت

۱۸ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

است که چه در شرع و چه در قانون می‌تواند موجب تغییر حکم شود. از دیگر مواردی که باید تبیین شود جایگاه حقوق جانوران است؛ چنانچه حقوق جانوران را از امور اخلاقی بدانیم تنها به بایسته‌ها و نبایسته‌های اخلاقی می‌پردازیم و چنانچه حقوق جانوران را در زمره احکام فقهی بر شمریم در آن صورت کیفر و جزا در پی آن مطرح می‌شود.

فصل اوّل

جانوران اهلی

حیوانات اهلی جاندارانی هستند که با آدمی و زندگی وی در ارتباط مستقیم هستند.

رابطه بشر با حیوانات از هم گسستنی نیست؛ زیرا در زندگی روزمره به گونه‌ای از آنها بهره می‌برد. حتی امروز با وجود مدنیت و بوجود آمدن شهرها و جدایی محیط‌های زندگی با دام پروری و پرورش حیوانات، باز نقش آنها در زندگی انسان برای احادی قابل انکار نیست. خوراک، پوشاک، دارو و استفاده‌های دیگر، نیازهایی است که لازمه حیات بشر می‌باشند؛ بدیهی است رفع این نیازها منوط به وجود حیوانات است.

۱-۱. واژه اهلی در متون لغت

حیوان اهلی که در فارسی به کار می‌رود در ادبیات عرب هم به عنوان «اهلی» نامبردار است. بنابراین برای آشنایی با متون دینی هم

نیازمند شناخت واژه «اهلی» در ادبیات عرب هستیم. از سوی دیگر به این دلیل که بحث و بررسی مربوط به متون دینی است ناچار از رجوع به کتب لغت هستیم.

واژه/اهلی در کتب لغت عرب در معنای مقابل وحشی استعمال شده است؛ همچنین از انسی که میان جانور اهلی و انسان هست، سخن به میان آمده است.

در میان لغویین فراهیدی از یک قید مهم سخن به میان آورده و نوشته است:

«أهلي، أي صار أهلياً ومنه قيل: أهلي لما ألفت الناس والمنازل».^۱

اهلی یعنی اهلی شده و از همین قبیل است که گفته شده: اهلی به این دلیل که نسبت به انسان و منازل انس پیدا کرده است.

ابن فارس در بیان معنای اهلی می‌گوید:

«وكل شيء من الدواب اذا ألفت مكاناً فهو آهل وأهلي».^۲

و هر گونه‌ای از جنبندگان که با مکانی مأنوس شود، اهل و اهلی است.

ابن منظور در این رابطه می‌گوید:

«وكل شيء من الدواب وغيرها ألفت المنازل أهلي... ونهى

رسول الله ﷺ عن أكل لحوم الحمير الأهلية يوم خيبر، هي الحمير

۱. کتاب العین ۴:۹۰.

۲. معجم مقاییس اللغة ۱: ۱۵۰.

التي تألف البيوت....»^۱

و هر چه از جنبندگان و غیر آن که الفتی با خانه آدمی داشته باشد اهلی است.... و (روایتی که می‌گوید) پیامبر ﷺ از خوردن گوشت دراز گوش‌های اهلی در روز خیر نهی فرمود، مربوط به خرانی است که با خانه‌ها الفت دارند....

دیده می‌شود که ایشان یکی از خصوصیات جانوران اهلی را انس با منازل آدمیان بیان کرده است. در حالی که فراهیدی به انس با انسان و منازل آنان نیز تصریح کرده است. بعدها مشخص خواهد شد که از مهمترین مشخصه‌های یک حیوان اهلی الفت آن با خانهٔ انسانها می‌باشد. البته لازمهٔ انس و الفت نسبت به منزل آدمی، انس داشتن به خود آدمی است، اما این نکته همه جا صادق نیست و چه بسا جانورانی که در خانه انسان بوده ولی اهلی محسوب نمی‌گردند، مانند عقرب و مورچه و پرستو و برخی جانوران وحشی که هیچ الفتی با انسان ندارند. با آنچه گذشت مشخص می‌شود، انس و الفت میان برخی جانوران و انسان - که در عرف ملل به اهلی مشهورند - این جانداران را از دیگر جانوران متمایز می‌سازد.

۲-۱. تعریف برگزیده

در یک بیان کلی می‌توان حیوان اهلی را چنین تعریف نمود که: جانور اهلی جانوری است که در محیط زندگی انسان زندگی می‌کند و انسان با آن حیوان انس و الفت دارد و به طور مستقیم از آن بهره می‌برد و حیوان نیز با انسان الفت و انس دارد.

در تعریف مذکور با قید زیستن در محیط زندگی بشر، جانورانی که در خارج این محیط باشند، از محدوده تعریف خارج می‌شوند. شاید چنین اشکال شود که برخی از حیوانات با وجود اینکه داخل شهر و یا روستا می‌باشند، اهلی به شمار نمی‌آیند.

این اشکال با قیود دیگر منتفی خواهد بود؛ زیرا در قید «استفاده مستقیم»، بیشتر جانوران یعنی وحوش خارج می‌شوند. از سوی دیگر آدمی و جانور اهلی نیازهای یکدیگر را برآورده می‌کنند.

قید انس و الفت که از مهم‌ترین قیود مطرح شده است، در همه حیوانات دو طرفه است؛ مانند سگ و گوسفند و غیره.

۳-۱. حیوان اهلی در متون دینی و عرف

دین و محیط زیست از جمله عواملی هستند که در تعیین مصادیق حیوان اهلی مؤثرند؛ بنابراین در عرف‌های مختلف گونه‌های اهلی حیوانات متفاوتند. مثلاً حیوانی می‌تواند در یک جامعه و میان یک ملت به سبب

وجود دین یا مذهبی خاص، اهلی بوده، پروار شده و مورد استفاده قرار گیرد. نمونه این گونه از جانوران خوک است که در برخی ادیان مانند شرع مقدس اسلام حرام بوده^۱ و در برخی از ادیان حلال می‌باشد. از جانورانی هم که در برخی کشورها و بنابر محیط خاص اهلی شناخته می‌شود «لاما» است، که در کشورهای آمریکای جنوبی استفاده می‌شود.

از این روی می‌توان گفت ملاک اهلی بودن صرفاً قبول همهٔ انسانها نیست، بلکه نسبت به محیط‌ها و ملل مختلف، فرق خواهند داشت.

۴-۱. حیوان اهلی در اصطلاح جانور شناسان

جانور شناسان نیز به نوبه خود حیوان اهلی را حیوانی می‌دانند که در محیط زندگی بشر زیسته و با او خو بگیرد. البته محدودهٔ دیگری را نیز می‌توان برای حیوان اهلی در نظر گرفت و آن دربارهٔ حیواناتی است که اصالتاً و در سال‌های اخیر به عنوان جانوران اهلی شناخته شده‌اند. مثلاً پرندگانی مانند شتر مرغ، کبک، قرقاول و حیواناتی مانند کرم خاکی و ملخ و حتی آبزیان که از حیات وحش به عنوان استفاده‌های غذایی بهره می‌برند و جوندگانی مانند موش و خوکچه هندی که برای آزمایش به استخدام انسان در آمده‌اند، می‌توانند اهلی محسوب شوند.

۱. علمای شیعه نیز بر حرام بودن خرید و فروش آن ادعای اجماع نموده‌اند. ر.ک: شیخ طوسی در المبسوط ۲: ۱۶۶، طباطبائی در ریاض المسائل ۸: ۱۳۴.

شاید چنین به نظر آید که چگونه این گونه‌ها اهلی نامیده می‌شوند با اینکه عرفاً نوع آنها در طبیعت و خارج از محیط انسانی رشد یافته و تولید مثل می‌کنند؟

در پاسخ توجه به این نکته لازم است که وجود هم جنس جانوران اهلی در طبیعت و حیات وحش دلیل بر وحشی بودن کل نوع آنها نیست، بلکه خروج آنها از محیط اولیه و ورود به محیط انسانی و به عبارت دیگر به استخدام بشر در آمدن موجب اهلی شدن این گونه‌هاست. هرچند صرف خانگی بودن و پرورش یک جاندار توسط انسانها دلیل بر اهلی شدن نمی‌تواند باشد.

دانشمندان زیست محیطی بر این باورند که جایگاه اصلی حیوانات محیط‌های طبیعی بوده و اهلی شدن حیوان در فرآیندی تدریجی صورت پذیرفته است. در این فرآیند شکارچیان حیوانات مناسب را شکار می‌کردند و آنها را در محیط زیست مناسب بقا منحصر می‌کردند تا حیوانات مناسب افزایش پیدا کنند. بنابراین بسیاری از موجودات اهلی به محیط آزاد طبیعت تعلق دارند ولی به خاطر مناسب بودن شرایط زیستی که انسانها برایشان پدید آورده‌اند، قادرند با محیط‌های محدودی که انسانها فراهم کرده‌اند سازگار باشند.^۱

جمع‌بندی

نگهداری یک جانور درنده مثل شیر یا گرگ و یا حیوانی گزنده مانند مار و عقرب نمی‌تواند سبب اهلی شدن باشد. به عبارت دیگر یک جانور باید قابلیت اهلی شدن داشته باشد؛ یعنی بتواند نسبت به انسان انس پیدا کند.

شاید گفته شود انس آدمی نسبت به حیوان کافی است، ولی چه در بحث لغوی و چه عرف آنچه مهم است، انس حیوان به انسان و یا انس دو طرفه می‌باشد. بنابراین وجود یک یا چند نمونه از یک حیوان وحشی که به محیط زیست آدمی خو گرفته و انس دارد، دلیل بر اهلی شدن نوع آن حیوان وحشی نیست. پس قابلیت اهلی شدن از دیگر ملاک‌های اهلی بودن است که در اغلب حیوانات وحشی مخصوصاً درنده و گزنده دیده نمی‌شود. قابلیت مذکور می‌تواند از عرف هر منطقه و یا آیین‌های مختلف استنباط شود.

در هر حال چنین نتیجه گرفته می‌شود که اگر جانوری در خدمت انسان بوده - چه خدمت مادی (مثل گوسفند) و چه معنوی (مانند گربه) - و در عرف یک ملت و یا منطقه‌ای خاص اهلی شناخته شود، اهلی خواهد بود.

نکته دیگر در این رابطه این است که ثمره اهلی بودن یک جانور در یک ملت و عدم تعریف آن در عرف دیگر نوع احکام و قوانینی است که

۲۶ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

در شرع مقدس نسبت به جانوران اهلی وجود دارد. نمونه چنین احکامی عدم جواز شکار جانور اهلی به جز موردی است که در آینده ذکر خواهد شد.

فصل دوم

جانوران وحشی

جانوران وحشی گونه‌ای از حیوانات هستند که معمولاً در برابر حیوان اهلی از آن یاد می‌شود. از طرف دیگر، این اصطلاح به جانورانی اطلاق می‌شود که در خارج محیط انسان هستند. حیوانات وحشی معمولاً از انس گرفتن با انسان دوری می‌کنند و هر چند گاهی به انسان فایده می‌رسانند ولی فایده آنان معمولاً غیر مستقیم است. از سوی دیگر انس و الفتی که درباره حیوانات اهلی بیان شد، در مورد این جانوران صادق نیست.

۲-۱. واژه وحشی از نظر لغت

وحشی، از واژگانی است که در فارسی و عربی به طور مشترک به کار رفته است، هرچند در زبان عربی وحشی به معنای تنهایی هم به کار می‌رود، ولی درباره حیوان، معنایی مشابه همان معنای فارسی دارد.

وحشی در میان واژه شناسان چنین تعریف شده است:

فراهِیدی نوشته است:

«الوحش: کلّ ما لا یستأنس من دواب البر فهو وحشی... و کلّ

شیء یتوحش عن الناس فهو وحشی».^۱

وحشی هر آنچه از جنبندگان خشکی که مأنوس (انسان) نمی گردد،

وحشی است... و هر چه از انسان وحشت کرده (گریزان باشد)

وحشی است.

ابن فارس گوید:

«وحش: الواو و الحاء و الشین: کلمة تدل علی خلاف الإنس.

توحش: فارق الأنیس، و الوحش: خلاف الإنس».^۲

وحش: واو و حاء و شین: کلمه‌ای است که بر خلاف إنس دلالت

دارد. توحش: مقابل انیس، و وحش در مقابل إنس است.

جوهری نیز از همین گفتار استفاده کرده و می‌نویسد:

«الوحش: و هی حیوان البر».^۳

وحشی و آن حیوان خشکی است.

۱. کتاب العین ۳: ۲۶۲.

۲. معجم مقاییس اللغة ۶: ۹۰.

۳. الصحاح ۳: ۱۰۲۴.

ابن منظور در ذکر تعریف حیوان وحشی می‌گوید:

«الوحش: کلّ شيء من دواب البرّ ما لا یستأنس».^۱

وحشی هر جنبه‌ای از جانوران خشکی که انس نمی‌گیرد.

روشن است که مقصود وی از انکار انس، الفتی است که میان حیوان و انسان وجود دارد؛ چرا که به قرینه تعریفی که در حیوان اهلی بیان گردید مشخص می‌شود مراد انس و الفت میان آدمی و حیوان است. نکته مهم در کلام خلیل و ابن منظور، قید خشکی است. ممکن است دلیل وجود این قید، آشنایی بیشتر افراد با جانداران خشکی و کثرت استعمال وحشی در مورد حیوانات خشکی باشد.

۲-۲. وحشی در اصطلاح جانورشناسان

امروزه در اصطلاح دانشمندان زیست‌شناس، حیات وحش تنها به حیوانات وحشی خشکی اطلاق نمی‌شود، بلکه حیات وحش در محیط دریا و خشکی باید جستجو شود. گرچه در برخی از موارد تنها به حیوانات خشکی و یا دو زیست وحشی گفته شده است^۲، لکن در تعریف لغویان «عدم انس» با انسان مهم است؛ بنابراین تمام حیوانات غیر اهلی در خشکی و دریا را در بر می‌گیرد.

۱. لسان العرب ۶: ۳۶۸.

۲. ویکی پدیا (حیات وحش).

در تعریف لغوی وحشی همان طور دیده می‌شود، وحشت و گریز جانوران از انسان و عدم الفت با وی وجود دارد. ممکن است در برخی از گونه‌ها چنین حالتی پیش نیاید و از انسان گریزان نباشند؛ لکن این رفتار نشانگر اهلی بودن و یا وحشی نبودن جانور نیست. چه بسا عوامل دیگر مثل آشنایی نسبت به انسان بر این رفتار تأثیر گذار باشد. همین امر درباره حیوانات اهلی نیز صدق می‌کند. به عبارت دیگر رمیدن و فرار بعضی از حیوانات اهلی از آدمی نیز نمی‌تواند دلیل بر وحشی بودن جانور قلمداد شود؛ این یک رفتار کاملاً طبیعی بوده و مانع از اطلاق نام اهلی بر حیوان نیست.

۲-۳. حیوان وحشی در عرف و متون دینی

چه ملاک و معیاری برای شناخت جانور اهلی از وحشی وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال می‌گوئیم بهترین معیار برای شناسایی حیوانات، عرف و زیست شناسان هستند. عرف هر منطقه که بر گرفته از رفتار و کردار عقلای آنان است گویای عقاید و فرهنگ ملت‌هاست.

عرف همان است که نفس خوب بودن آن را دریافته و به آن اطمینان می‌یابد. در این صورت به معنای عادت جاری میان مردم خواهد بود. از نقطه نظر اصولیون و فقها همان امری است که عقل سلیم آن را پذیرا باشد.^۱ با این تعریف عرف در مقابل «نکر» یا همان

۱. معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه ۲: ۴۹۳.

بخش اول: کلیات □ ۳۱

«منکر» قرار خواهد گرفت. عرف همان طور که بیان شد روش مردمی است در گفتار یا کردار یا ترک، که به آن استمرار بخشیده‌اند.^۱ منشأ عرف می‌تواند عواملی مانند وضع سرزمین و روح ملی، طایفه‌ای و قبیله‌ای و یا حتی حس تقلید و عاداتها باشند.^۲

با آنچه گذشت می‌توان گفت عرف منبعی برای شناخت عادات و کردارهای مردم منطقه است و همین، راه را برای شناخت اهلی بودن و وحشی بودن جانوران مشخص می‌نماید. البته باید برای شناخت ویژگی‌های هر عرف به همان عرف و عادات آن رجوع نمود.

حیوانات «وحشی» در متون دینی نیز به همین نام شناخته می‌شوند. به عبارت دیگر وحشی در عبارات قرآن و ائمه علیهم‌السلام به عمان معنای عرفی شناخته شده است. در قرآن از حیوانات به وحوش نیز تعبیر شده است:

﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾^۳

«و زمانی که (حیوانات) وحشی برانگیخته شوند».

مرحوم طریحی در این باره فرموده است:

«والوحوش: الوحش وهو الحيوان البری... و کل شیء

۱. منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی ۱: ۳۹۳.

۲. منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی ۱: ۳۹۸.

۳. تکویر: ۵.

یستوحش من الناس فهو وحش و وحشی.»^۱

وحوش: جمع وحش است و آن حیوان خشکی است... و هر آنچه که از انسان گریزان باشد، وحش و وحشی است.

۴-۲. واقعیت حضور حیوانات وحشی و تعامل انسان با آنها

تعامل بین انسان و حیوانات وحشی با وجود اینکه غیر مستقیم و با واسطه است، در عین حال تنگاتنگ بوده و قابل انکار نیست؛ چرا که تأثیر هر دو طرف این تعامل در طرف دیگر کاملاً مشخص است. شاید چنین به نظر برسد که ربطی میان این دو نیست، ولی تجربه نشان می‌دهد که چنین نیست.

ممکن است سؤال شود که چرا و به چه علت نیاز به قوانین برای وحوش وجود دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت نقش آنها در محیط زیست و کمکی که به آدمی می‌کنند و رابطه‌ای که در بالا گفته شد، دلیل موجهی برای چنین امری است.

۵-۲. اهمیت حیوان وحشی برای محیط زیست

وقتی می‌بینیم چرخه محیط زیست با به وجود آمدن و تأثیر جانوران بر دنیای اطراف خویش، تغییر یافته و جهانی سالم در اختیار

بخش اول: کلیات □ ۳۳

آدمی قرار داده می‌شود، نتیجه می‌گیریم این خدمت بدون رعایت حقوق آنها قابل جبران نخواهد بود.

حیوانات وحشی چه نزدیک آدمی بوده و با محیط وی آشنا باشند و یا در بیابان و جنگل و دریا زندگی کنند، همه جزء سیاره‌ای هستند که ما نیز در آن ساکنیم و خواه نا خواه باهم در ارتباط می‌باشیم.

نکته:

بیان شد که حیوانات وحشی در خارج محیط زیست آدمی هستند. اما این قید با تسامحی همراه بود. به تعبیر بهتر این گونه‌ها با انسان در نیامیخته و مستقل می‌باشند. از طرف دیگر نیازی به کمک بشر برای ادامه زندگی ندارند. با این بیان روشن می‌شود که پرندگان و جانداران وحشی که در شهرها و روستاها زندگی می‌کنند، مستقل بوده و بدون مساعدت آدمی به حیات خویش ادامه می‌دهند. لذا قید مذکور یعنی خارج بودن از محیط انسانی به معنای عدم نیاز به انسان می‌باشد و این عکس زندگی جانوران اهلی است که به آدمی محتاج هستند.

مطلب دیگری که ذکر گردید این بود که فایده این دسته از جانداران به صورت غیر مستقیم و با واسطه است. چنانکه گذشت تأثیر در محیط و تأثر از آن و ایجاد روند رشد و نمو و جلوگیری از کثرت برخی از گونه‌ها موجب پیدایش زمینه مناسبی برای سلامتی محیط زیست است. و همین مسئله به انسان برای داشتن زندگی سالم کمک بسیاری خواهد کرد.

فصل سوم

بررسی حقوق حیوانات از نظر اخلاقی

وقتی ما به قوانین موضوعه می‌نگریم در آنها دو بعد را درک می‌کنیم:

الف) بعد تکلیفی؛

ب) بعد اخلاقی.

بیشتر قوانین موضوعه را عرف نیز در می‌یابد و بیش از آن که به صورت تکلیف از سوی قانونگذار وضع شود، حسن و قبح اخلاقی آن را عرف در می‌یابد. حتی به نوعی می‌توان گفت بعد اخلاقی همان هنجارها و ناهنجارهایی است که شامل مورد اول نیز می‌شود.

به عنوان مثال ایستادن در مقابل چراغ قرمز در یک چهار راه از جهتی مورد اجبار می‌باشد و عدم رعایت آن، دخالت حکومت را در پی دارد و از طرف دیگر عقلاء و عرف آن را از حیث اخلاقی بودن و رعایت حقوق دیگران پذیرفته و محترم می‌شمارند؛ چراکه در صورت عدم رعایت، حق دیگری پایمال خواهد شد و این امری است که از نظر

فطرت و عقل بشر قبیح به شمار آمده است و عرف مدنی جامعه از آن نخواهد گذشت. همچنین در معاملات، زمانی که شخصی مالک زمینی می‌شود، حق تصرف در آن را پیدا می‌کند. از سوی دیگر عرف و عقلا و به تبع آنها قانونگذار برای چنین شخصی حق استفاده از ملک را باقی دانسته و به تعبیر بهتر ملکیت را برای فرد اعتبار می‌کنند. همین حق در صورتی که از سوی قانونگذار دیده شود به عنوان یک قانون بوده و از حیث اینکه کسی حق تجاوز به ملک وی را نداشته و تصرف غاصبانه در آن منجر به سرزنش عقلاء می‌شود، یک امر اخلاقی است.

۱-۳. دلائل لزوم حراست از حقوق حیوان

۱-۱-۳. پرهیز از ظلم به موجود پایین‌تر

طبیعی است زمانی که درباره جانوران و وظایف انسانها در قبال آنها سخن می‌گوییم، از یک نوع احساس هم زیستی و مساعدت دو جانبه سخن گفته‌ایم. بدین ترتیب که آدمی در برابر سودی که به طور مستقیم و غیر مستقیم از آنها می‌برد، تکالیفی را بر عهده دارد. این تکلیف مربوط به رعایت اصول اخلاقی - انسانی است و نوعی آزمایش انسان برای جلوگیری از تعرض و حفظ نفس از برخورد بی‌رحمانه و غیر انسانی با جانوران می‌باشد؛ چرا که اگر درباره روابط انسان و حیوان صحبت می‌شود، از دو موجود که یکی اشرف مخلوقات و دیگری حیوانی که دارای عقل نیست، سخن رانده شده است. بنابراین صحیح نیست موجود

دارای عقل و درک به موجود اسفل ظلم نماید و این خارج از طبع انسانی است. رفتارهای خلاف شأن انسان همان حیوانیت و نفس گرایی است که در آدمی مذموم شمرده شده و غیر اخلاقی خوانده می‌شود.

آدمی به همراه رابطه با حیوانات، احتیاجات خویش را برآورده می‌سازد و بر پایه اعتقاد خویش، نوعی ارتباط را بنیان می‌نهد. استفاده از جانوران باید بدون بی‌بند و باری در بهره بردن، با رعایت اصول اصیل اخلاق انسانی باشد.

۳-۱-۲. مالکیت انسان نسبت به جانوران

زمانی که آدمی مالک یک حیوان و یا چیزی می‌شود، طبیعتاً مسئولیت و وظایفی نسبت به آن پیدا می‌کند. این امر در حیوانات با توجه به احکام شرع روشن خواهد شد، ولی در مورد اشیاء مملوک می‌توان چنین استدلال کرد که این موارد به دلیل اینکه جزء اموال مفید هستند، عدم استفاده و یا عدم رسیدگی به آنها، موجب تضييع مال مفید و در نهایت اسراف است.

در برخی از آیات قرآن به حق استفاده بلکه مالکیت انسان نسبت به حیوانات اشاره شده است. مثلاً در آیه ۷۱ سوره یس می‌فرماید:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ﴾^۱

آیا کافران ندیدند که بر آنها با دست قدرت خود چارپایان را آفریدیم
تا آنها مالک شوند.^۱

۳-۱-۳. عاطفه انسانی

انسان موجودی است که علاوه بر عقل دارای احساس محبت است. این موجود با داشتن عواطف نسبت به موجوداتی غیر از نفس خود، لازم است تا با جانوران نیز به نیکویی برخورد کند. خلق نیکو و احساسات نیک چنین حکم می‌کنند که با حیواناتی که جزء لا ینفک دنیای مادی‌اند، به خوبی رفتار شود.

۳-۲. حقوق حیوانات در روایات و تعابیر فقهاء

با نگاهی به آیات و روایات و در کل، مسائل مربوط به جانوران در دین مقدس، آنچه که غالباً خودنمایی می‌کند، دلایلی است که ارشادی هستند. گرچه در برخی روایات احکام مولوی به چشم می‌خورد و فقهاء نیز در برخی ابواب کتب خویش از آنها استفاده وجوب کرده‌اند، لکن چون اکثر این روایات جزء سنن و آداب برخورد با حیوانات می‌باشند، نتوانسته‌اند جنبه وجوب به خود گیرند. همین می‌تواند دلیلی بر عدم استخراج قانون شرعی از این اوامر و نواهی باشد.

از سوی دیگر علمای اسلام - از هر دو فرقه - باب خاصی را در کتب

۱. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

خویش به چنین امری اختصاص نداده‌اند؛ نه اینکه موضوع اهمیت نداشته و ایشان دغدغه چنین چیزی را نداشته‌اند، بلکه شاید عدم اهتمام به آن از روی نبود زمینه‌های لازم برای این موضوع بوده است. فقهاء بیشتر اگر سخنی پیرامون جانوران و حقوق آنها بیان کرده‌اند حول روایاتی بوده که جنبه مولوی و بعث داشته و مربوط به زندگی اجتماعی مسلمین می‌شده است. به عنوان نمونه در باب نفقات و اطعمه و اشربه، به طور خلاصه برخی از این موارد را گوشزد کرده‌اند.^۱ به خصوص در رابطه با حیوانات وحشی و تعامل با آنها قوانین خاصی به چشم نمی‌خورد و اگر بوده در حد یک حکم فقهی و خلاصه وار بیان شده است. به عنوان مثال علامه حلی در *مختلف الشیعه* تنها به ذکر عدم جواز خرید و فروش درندگان از نظر فقهای امامیه اشاره کرده است.^۲ و یا در مورد عدم حلیت نگهداری درندگان و جانوران مودی در مباحث مکاسب محرمه نکاتی ذکر شده است.^۳ برخی از فقها نیز در باب صید (شکار) فقط به نهی پیامبر ﷺ از کشتن برخی حیوانات همانند زنبور عسل، مورچه، قورباغه، هدهد و پرستو اشاره کرده‌اند.^۴

با این تفصیل چگونه می‌توان پذیرفت که حقوق جانوران در اسلام

۱. جواهر الکلام ۳۱: ۳۹۴ و جامع المدارک ۴: ۴۹۰.

۲. مختلف الشیعه ۵: ۹-۱۰.

۳. مانند ابن براج در المذهب ۱: ۳۴۵.

۴. مثل ابن سعید در الجامع للشرائع: ۳۸۴ و شهید اول در الدروس الشرعیه ۳: ۱۱.

به عنوان یک قانون موضوعه و مدوّن وجود داشته است؟ البته مباحث مربوط به شکار تفریحی به عنوان یکی از حقوق می‌تواند مطرح شود که در فصل اول از بخش سوم بدان پرداخته خواهد شد.

از این روی اخلاقی بودن چنین احادیثی به ذهن نزدیک‌تر است، همچنین به این دلیل که با فطرت و طبع بشری و قواعد مسلم عقلی مانند حسن و قبح و یا آراء محموده سازگارترند.

بنابراین با نظر به آیات و احادیث وارده تنها بخش کوچکی از امور مربوط به حیوان به عنوان الزاماتی که دارای بار کیفری و جزایی است، مورد بررسی قرار گرفته است. مثلاً غذا دادن به جانوران غیر اهلی، پناه دادن به حیواناتی که به انسان پناه آورده‌اند، نهی از آزار بی‌دلیل و غیره. در هر حال اینکه این موارد و امثال آنها جزء مسائل حقوقی باشند، صحیح به نظر نمی‌رسد. بنابراین اکثر موارد خارج از محدوده کیفر و جزای دنیوی هستند. البته مقصود این نیست که حکومت و یا قانونگذار توانایی وضع قوانین با توجه به محتوای متون دینی را ندارد، بلکه مقصود آن است که توجه بدین امور در سطح توصیه‌های اخلاقی بوده و جنبه قهری نداشته است.

با این حال مواردی هستند که در دایره ایجاب و تحریم قرار دارند؛ همانند بحث تجاوز به حیوانات (ارتباط جنسی) و ضمانی که بر فاعل مترتب می‌شود، که در فصل دوم از بخش سوم بیان خواهد شد.

فصل چهارم

حقوق جانوران از نظر فقهی

در فصل پیش بیان شد که با نظر به آیات و روایات وارده، تنها بخش کوچکی از امور مربوط به حیوان به عنوان حقوقی که دارای بار کیفری و جزایی است، مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما اکثر موارد خارج از این محدوده هستند. همچنین گفته شد که مقصود این نیست که حکومت و یا قانونگذار توانایی وضع قوانین با توجه به محتوای متون دینی را ندارد، بلکه توجه به این امور در سطح توصیه‌های اخلاقی بوده و جنبه قهری ندارد.

شاید بتوان چنین ادعا کرد که اخلاقی بودن و عدم وضع احکام الزام آور در مورد جانوران توسط شرع مقدس، عدم احتیاج به آن در زمانهای پیشین بوده است؛ چراکه برخی امور مانند رعایت سلامت، حفظ نسل، انجام آزمایشات، صید بی‌رویه و دیگر امور مبتلا به آن زمان نبوده است. اما امروزه پیشرفت تکنولوژی و کثرت احتیاج بشر به جانداران، زمینه را

برای وضع قوانین مناسب مهیا کرده است. همین می‌تواند یکی از دلایل خروج بحث از صرف اخلاقی بودن باشد.

هدف از آنچه بیان شد این نیست که هر جا حکم وجوب از آیه و یا حدیثی فهمیده شود، همان قانون می‌باشد و یا قابلیت قانون بودن را داراست؛ بلکه بدان معناست که هر چه وسعت و اهمیت یک موضوع بیشتر جلوه کند و مثلاً مربوط به رابطه فرد و جامعه و دوام اجتماع باشد، زمینه قانون شدن را خواهد داشت.

نمونه این آیات و روایات که با اجتماع بشری در یک ارتباط مستحکم است، آیات قصاص، حدود و موارد مشابه است. در احادیث نیز می‌توان به احکام معاملات که گردش اقتصاد جامعه در گرو آن است، اشاره کرد. همین اولویت سبب وضع قانون مدون برای آنها شده است. این ضرورت در مورد حقوق حیوانات زمانی می‌تواند صدق کند که اهمیت وجود و سلامتی آنها برای انسان آشکار گردد. هر چه علم بیشتر پیشرفت نماید، انسان نیز نیاز به جانوران را بهتر درک می‌نماید و همین می‌تواند راه را برای قانونگذار هموار کند.

۴-۱. قانون لازمه حفظ حقوق

واضح است که وجود زمینه پذیرش و گسترش آگاهی مردم از عوامل وضع حکم به وجوب و یا حرمت توسط شارع مقدس است و این

موضوع مهم در بسیاری از امور که در مورد حقوق حیوانات هم صدق می‌کند، وجود دارد.

آدمی بر پایه قدرت تعقل خود، می‌تواند بر جهان مادی مسلط شود؛ اما این نمی‌تواند از بار مسئولیتی که وی در برابر این نعمت دارد بکاهد. به تعبیر بهتر وی مسئول بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌هایی است که احیاناً نسبت به جانداران اعم از هم‌نوعان، حیوانات و گیاهان مرتکب می‌شود. یکی از راه‌هایی که انسان را محدود کرده و اجازه تجاوز از حدود انسانی را نمی‌دهد، قانون است.

چنانکه گذشت، در میان روایات اوامر ارشادی بسیاری به چشم می‌خورد و بیشتر جنبه اخلاقی حقوق حیوانات را مطرح می‌کند و همین موضوع در کلام بزرگان نیز وجود دارد. به عنوان مثال مرحوم علامه مجلسی در کتاب *بحار/الانوار* به این نکته مهم اشاره کرده و می‌نویسد:

«ذكر العلامة قدس سره فی المنتهی كثيراً من أخبار حقوق الدابة من غیر تصریح بالوجوب أو الاستحباب. و قال: و يستحب اتخاذ الخیل و ارتباطها استحباباً مؤكداً، و قال: و ينبغي اجتناب ضرب الدابة الا مع الحاجة و لا بأس بالعقبة. و أقول سائر الدواب المذكورة فی هذه الأخبار لم ينص الأصحاب فیها بشيء فالحكم بالوجوب أو الحرمة فی أكثرها مشكل، بل الظاهر أن أكثرها من السنن و الآداب المستحبة المرغوبة، لكن الاحتياط

یقتضی العمل بجمعیهما ما تیسر...»^۱

علامه قدس سره در کتاب منتهی بسیاری از احادیث مربوط به حقوق دواب را بیان کرده بدون اینکه در آنها به وجوب و یا استحباب تصریح نماید. و فرموده است: انتخاب و نگهداری اسب مستحب موکد است و همچنین فرموده که سزاوار است تا حیوان زده نشود مگر در زمان نیاز و به نوبت سوار شدن اشکالی ندارد. می‌گوییم: اصحاب در مورد همه حیوانات ذکر شده در این احادیث (احادیث بیان شده توسط مرحوم مجلسی) حکمی نداده‌اند، لذا حکم به وجوب یا حرمت در اغلب آنها مشکل می‌باشد؛ بلکه ظاهراً غالب احادیث، جزء سنن و آداب مستحبی هستند که مورد تشویق قرار گرفته‌اند، ولی مقتضای عمل به احتیاط این است که به همه آنها تا جایی که ممکن است عمل شود.

درست است که در نگاه اول به برخی روایات و احکام بدیهی عقلی چنین به ذهن متبادر می‌شود؛ ولی با تأمل بیشتر و احساس احتیاج به وضع قوانین در حمایت از حقوق جانداران، جوامع متمدن چاره‌ای جز بررسی عمیق‌تر این احکام نخواهند داشت. پیشرفت تکنولوژی و تجربیات بشر مؤید همین امر است که زیست سالم در دنیای با نظم و بدون دغدغه فکری، نیازمند تحقیق و تفحص در متون علمی و شرعی می‌باشد تا شاید بتوان راهی برای ایجاد نظم یافت و گامی هر چند

کوتاه در اداء حق موجودات دیگر این جهان برداشت. با وجود چنین بدیهیاتی چگونه می‌توان این آداب را صرفاً به عنوان اخلاقیات معرفی کرد؟ البته شاید امکان حکم کردن شرعی مانند ایجاب و تحریم وجود نداشته باشد ولی وضع قوانین توسط مراجع قانونگذار راهی است که از دید عقل و شرع پذیرفته شده است.^۱

۲-۴. قوانین الزام آور در شرع اسلام

بیان گردید که لازمه‌ای بین حکم شرعی و قانون وجود ندارد. بدین بیان که لازم نیست هر جا که حکم موضوعی، در شرع وجوب بوده باشد، حتماً به صورت قانونی ایجابی مطرح شود و یا هر جا حکم موضوعی تحریم باشد، قانون هم از آن منع نماید. آنچه مهم است مصالح و مفاسدی است که بر موضوعات مترتب شده و باعث تقنین می‌شود. امروزه در قوانین موضوعه جوامع مخصوصاً جامعه خود ما لازم نیست از متون دینی مانند قرآن و یا روایات حتماً تعبیری دال بر همان مطلب یافت شود تا نسبت به آن وضع قانونی صورت گیرد، بلکه همین اندازه که مخالفتی با شرع وجود نداشته باشد، برای تدوین قانون کافی است. بله، گاهی مخالفت با شرع هم بوجود می‌آید و آن به دلیل اهمیت موضوعی است که با توجه به زمان و مکانی خاص دارای حکمی خاص و مخالف شرع می‌شود.

۱. کتاب البیع (امام خمینی) ۲: ۶۱۷-۶۱۸ و ولایت فقیه: ۲۸-۲۹.

در دین مقدس اسلام مواردی وجود دارد که بحث از تعامل حیوان و آدمی از محدوده اخلاق خارج شده و به حکومت سپرده می‌شود. اجازه دخالت حاکم در امور حیوان مملوک در بحث نفقات از همین نمونه‌هاست.^۱ چه بسا جلوگیری از ایجاد آسیب به جانوران - که در نتیجه آن به محیط و آدمی ضرر وارد می‌شود - نیز از این موارد باشد. اسلام حیوانات را دارای حقی مانند انسانها فرض نکرده است مگر در حوزه حقوق اولیه حیوانی و روحانی که در هر دو مشترک است. قائل شدن به حقوقی مانند حق ارث و مالکیت و مجازاتی مانند حبس و جریمه و قصاص برای آنها، توهین به ذات انسانی بوده و کاملاً قبیح است.

۲-۵. نهی از ظلم در دین اسلام

مرور در آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد که ظلم کاملاً قبیح است و عقل نیز آن را تأیید می‌کند. یکی از مصادیق ظلم ضایع کردن حق موجودات دیگر است. با توجه به عموم و اطلاق آیات و روایات می‌توان چنین استنباط کرد که تمام جانداران می‌توانند مشمول عمومیت نهی از ظلم در آیات و روایات باشند. بنابراین تضییع حق که یکی از مصادیق ظلم به شمار می‌رود، بر اساس آنچه در متون دینی

بیان شده است، ممنوع خواهد بود. به عنوان مثال به چند روایت اشاره می‌شود:

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «ما من مظلمة أشد من مظلمة لا يجد صاحبها عليها عوناً إلا الله عزوجل».^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: ظلمی بدتر از ظلم به کسی که کمکی به غیر از خدا ندارد، نیست.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اتقوا الظلم فانه ظلمات يوم القيامة».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: از ظلم بپرهیزید زیرا ظلم تاریکی روز قیامت است.

عموم روایات مذکور در بردارنده یک مطلب است و آن اینکه ظلم به هر موجودی مشمول این نواهی است؛ زیرا در آنها هیچ قیدی که نشان دهنده شیء یا موجودی خاص باشد، نیست.

۱. الکافی ۲: ۳۳۱، حدیث ۴.

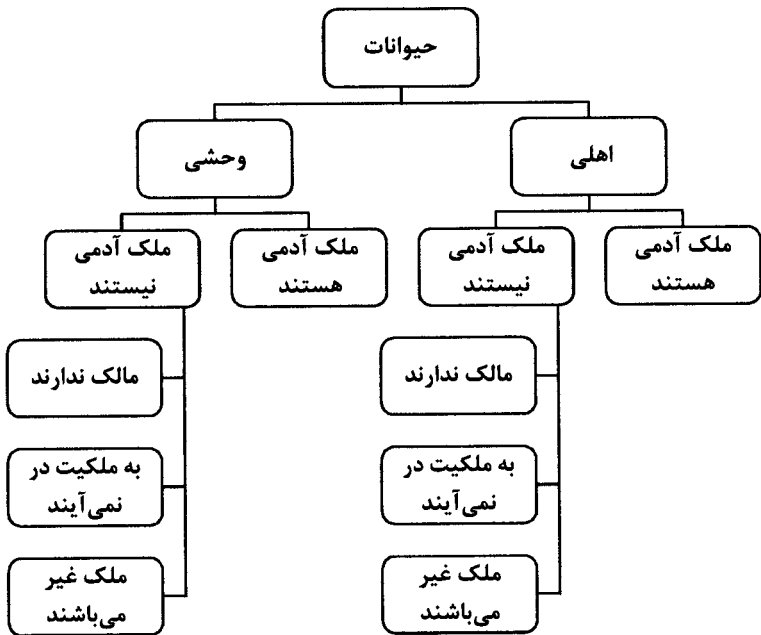
۲. الکافی ۲: ۳۳۲، حدیث ۱۰.

بخش دوم حقوق ایجابی

کتابخانه مخصوص
نقد و اصول

آنچه در این بخش بیان خواهد شد کلیات و اصول اولیه حقوق اساسی هر موجود زنده‌ای است. وجوب برخی از احکام در برخورد با جانوران و استحباب برخی دیگر، نشان می‌دهد که اسلام برای حیات پیرامون انسان و محیط زیست جانوری اهمیت قائل ویژه‌ای است. اموری که در اینجا مورد بحث خواهد بود از لوازم حیاتی است که حیوانات به آن نیاز دارند؛ هر چند این احتیاج کم بوده و یا به چشم نیاید.

اغلب این موارد از اموری است که زنجیر وار به هم پیوسته‌اند و کمبود و یا عدم یکی، باعث بی‌اثر شدن دیگری خواهد شد. در اینجا با یک تقسیم بندی در مورد حیوانات می‌توان اهداف بخش را تشریح نمود؛ به صورتی که با وجود این تقسیم، شناخت و ارائه راهکارهای صحیح برای اداره محیط زیست هموارتر می‌شود.



فصل اول

تغذیه

آب و غذا از مهم ترین ارکان حیات به شمار می آیند. هر موجود زنده ای اعم از گیاه و جانور نیازمند انرژی است تا بتواند به حیات خود ادامه دهد. انرژی از تغذیه، و غذا از طبیعت بدست می آید. بنابراین رابطه طبیعت و غذا جزء روابط جدانشدنی محیط زیست است. دنیای ماده هر آن به انرژی و انرژی به ماده تبدیل می شود و این فرآیند چه در خود طبیعت و چه درون بدن جانوران اتفاق می افتد؛ چراکه راهی به غیر از این برای زیستن در این دنیا نیست.

جانوران دنیای ما و حتی خود انسان محتاج بدست آوردن غذایی هستند تا بتوانند به کمک آن زیسته و به حرکت خود ادامه دهند. انسان اگر بخواهد از این چرخه استفاده کرده و غذای خود را تأمین نماید، ناچار است غذای حیوانات را تأمین و به رشد هر چه بهتر آنها کمک کند.

در بخش قبل بیان شد جانورانی که در اطراف و یا به تعبیر بهتر در دنیای ما زندگی می‌کنند، یا در ارتباط مستقیم با ما هستند و یا به صورت مستقل بوده و نفع با واسطه دارند. آن دسته از حیوانات اهلی که در تغذیه آدمی مورد استفاده قرار می‌گیرند، خود مسئولیت بزرگی بر عهده بشر دارند؛ زیرا با وجود پرورش اصولی و صحیح آنهاست که غذای انسان تأمین شده و یا احتیاجات بشر برآورده می‌شود. این همان رابطه متقابل و بدون واسطه‌ای است که تا به حال از آن سخن گفته شد. چنانکه ذکر شد شاید در برخی موارد جانورانی اهلی نیز باشند که عرف، آنها را در امور دیگری مفید بداند. مثلاً برای تفریح و یا رفع نیازهای معنوی بشر مورد استفاده قرار گیرند.

۱-۱. تغذیه حیوانات اهلی

الف) آیات و روایات

حیوانات اهلی فقط کاربرد تغذیه‌ای نداشته و برخی برای اموری مانند باربری، سواری، نگهبانی و تفریح، به کار روند که همین گونه‌ها نیز برای انسان مسئولیت آور هستند. تعبیر قرآن کریم همه جنبندگان و فعالیت آنان را در بر می‌گیرد که مسئولیت آدمی را دو چندان می‌کند:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ

مُسْتَوَدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابِ مُبِينٍ^۱

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست جز آنکه روزیش بر خداست، و خدا
قرارگاه و آرامش گاه او را می‌داند و همه احوال خلق در دفتر علم
ازلی خدا ثبت است.^۲

در تقسیم‌بندی که گذشت چنین گفته شد که بعضی از جانوران
مملوک بوده و در اختیار آدمی می‌باشند. وظیفه آدمی در برابر این
دسته کاملاً واضح و آشکار است. چه شرع مقدس^۳ و چه عقل بشر حکم
به تأمین غذای این گونه‌ها می‌نمایند؛ زیرا زمانی که حیوانی در دست
کسی باشد و نتواند به راحتی و اختیار به دنبال غذا و زندگی خویش
باشد، نباید چیزی جز این را از دین و عقل انتظار داشت که حکم به
وجوب تغذیه کند.

خواه این تغذیه از جهت دل سوزی و وظیفه انسانی بوده و چه یک
تکلیف الهی و قانونی باشد، همیشه مورد تأیید خواهد بود.

شرع مقدس به این امر به عنوان یک وظیفه الهی و قانونی که
ارتباط با حکومت دارد، نگریسته است. به عبارت دیگر موضوع مورد
بحث یعنی تغذیه جاندار اهلی مملوک از وظایفی است که مالک بر

۱. هود (۱۱): ۶

۲. ترجمه مهدی الهی قمشه ای.

۳. قواعد الاحکام ۳: ۱۱۸، شرائع الاسلام ۲: ۲۹۸.

عهده داشته و در صورت تخلف حاکم می‌تواند دخالت کند و حیوان را از آسیب نجات دهد.^۱ لذا این از موارد معدودی است که جنبه حقوقی پیدا کرده و مورد توجه خاص دین اسلام قرار گرفته است. علت آن نیز کاملاً روشن است؛ زیرا با حیات جانور پیوند خورده و به عنوان یک دفاع از حق حیوان به شمار می‌آید.

از نظر تجربه نیز حیوان اهلی که در طبیعت و بدون پشتیبانی قادر به ادامه حیات نیست و توسط آدمی به خدمت در می‌آید، محتاج به اداره شدن و تأمین می‌باشد.

از روایات متعددی که خاص همین مورد است چنین برداشت می‌شود که در شرع مقدس این حق اولیه هر موجود زنده محترم شمرده شده و نسبت به آن اهتمام ویژه‌ای وجود دارد. از آن جمله به چند نمونه می‌توان اشاره کرد:

۱. عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«للدابة على صاحبها خصال: يبدأ بعلفها اذا نزل و يعرض عليها الماء اذا مرّ به».^۲

امام صادق علیه السلام از اجداد طاهرینش و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: حیوان بر صاحب خویش حقوقی دارد: زمانی که صاحبش

۱. جواهر الکلام ۳۱: ۳۹۴.

۲. الفقیه ۲: ۲۸۶، حدیث ۲۴۶۵.

بخش دوم: حقوق ایجابی □ ۵۷

فرود می‌آید، (برای استراحت از آن پیاده می‌شود) ابتدا علف (غذا) را برای آن آماده کند و زمانی که از آبی می‌گذرد، آب را به آن عرضه کند (اجازه دهد تا آب بنوشد).

شیخ صدوق در روایتی چنین آورده است:

قال عليه السلام: «من سافر منكم بدابة فليبدأ حين ينزل بعلفها و سقيها»^۱

هر کس از شما که با حیوانی سفر می‌کند، زمانی که فرود می‌آید، ابتدا علوفه و آب آن را فراهم نماید.

۲. عن السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «للدابة على صاحبها ستة حقوق - إلى أن قال - يبدأ بعلفها إذا نزل، الحديث»^۲

سکونی از امام صادق عليه السلام نقل کرد که فرمود: حیوان (بارکش) بر عهده صاحبش حقوقی دارد - تا آنجا که فرمود - هر گاه فرود آمد ابتدا علوفه اش را فراهم سازد....

روایات فوق در مورد حیوان مخصوص سواری و باربر وارد شده‌اند؛ چراکه ظاهر روایت از نزول فرود آمدن از پشت حیوان و سفر با آن سخن می‌گوید. گرچه خصوصیت مطرح شده در دو حدیث، دیگر حیوانات اهلی مانند گوسفند، گاو، سگ و گربه را خارج می‌کند، ولی می‌توان با الغای خصوصیت و قرائن دیگر، بقیه جانوران اهلی را در این حکم داخل نمود. به تعبیر بهتر روشن است که دادن غذا تنها مربوط به

۱. الفقیه ۲۹۰:۲، حدیث ۲۴۸۱.

۲. الکافی ۶: ۵۳۷، حدیث ۱.

جانوران باری و سواری نیست و این حکم نسبت به همه حیوانات اهلی مملوک و حتی وحوش مملوک، صادق است. عمل فقها نیز در برخورد با روایت فوق همین گونه بوده و آن را مستند بر حکم وجوب نفقه بر تمامی حیوانات مملوک قرار داده‌اند.^۱ شاید بتوان گفت این یکی از ادله الغای خصوصیت است.

از سوی دیگر در این بحث از مسؤولیتی که صاحب و مالک حیوان بر عهده دارد، صحبت می‌شود؛ ظاهر روایت هم صاحب و مالک حیوان را بیان می‌کند؛ پس مورد بحث در جانوران اهلی مملوک است.

بحث دیگر این است که چنانچه در مرسل شیخ صدوق نیز آمده، هر کس با حیوانی به سفر رود، هر حیوان باربر و سواری را شامل می‌شود؛ بدین ترتیب که هم شامل حیوان مملوک خود شخص و هم مملوک دیگری می‌باشد. لذا این حدیث می‌تواند درباره حیوان غیر نیز صادق بوده و حکم حیوان مذکور را مشخص نماید؛ و آن اینکه کسی آن را به صورت عاریه و یا اجاره از کسی دریافت کند. در این صورت هر چه که انسانی در مورد حیوان مملوک خویش وظیفه داشته باشد نسبت به این جانور نیز باید رعایت کند. شاید تکلیف اصلی بر عهده صاحب آن باشد، ولی در صورت عدم دسترسی و کرایه کردن حیوان این وظیفه با عاریه گیرنده خواهد بود.

۱. مانند شیخ یوسف بحرانی در الحقائق الناضره ۲۵: ۱۴۲.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر حیوان اهلی متعلق به غیر، مورد استفاده شخصی نباشد و بر حسب اتفاق و یا هر دلیل دیگر نزد دیگری رود، آیا تغذیه آن لازم خواهد بود یا نه؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت از نظر شرعی، فقهاء قائل به وجوب این انفاق هستند؛ مانند شهید ثانی که چنین حکم کرده است.^۱

از آن جمله روایتی است که از امام صادق علیه السلام وارد شده است:

«انَّ امْرَأَةً عَذَّبَتْ فِي هَرَّةٍ رِبَطَتَهَا حَتَّى مَاتَتْ عَطْشًا»^۲

زنی عذاب شد به دلیل اینکه گربه‌ای را بست تا از تشنگی مرد.

(ب) فتاوا

فقهاء با توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام حکم به وجوب نفقه حیوان مملوک کرده‌اند.^۳ این بزرگان و حتی دیگر فقهای شیعه مثل شیخ طوسی^۴ دلیل دیگر این فتوا را مورد احترام بودن حیوان ذکر کرده‌اند. در هر حال حیوان مملوک احکامی دارد و از جمله احکام آن وجوب نفقه است. این حکم از روایات فوق استفاده می‌شود. علمای شیعه بر این امر اجماع دارند.

۱. مسالک الأفهام ۱۲: ۱۲۰.

۲. ثواب الأعمال: ۳۲۵، حدیث ۶.

۳. مسالک الأفهام ۸: ۴۹۸، مفاتیح الشرائع ۳: ۴۴.

۴. مبسوط ۶: ۴۷.

فاضل هندی در این رابطه فرموده است:

«لا نعرف خلافاً في أنه يجب النفقة على البهائم المملوكة أكل لحمها أو لا، سواء انتفع بها أو لا».^۱

در اینکه انفاق بر حیواناتی که در ملکیت می‌باشند واجب می‌باشد، اختلافی (در بین فقهاء) نمی‌دانم؛ حال چه گوشت آن قابل خوردن باشد یا نه و یا دارای نفعی باشد یا نه.

نجفی نیز در جواهر الکلام همین حکم را پذیرفته است.^۲ در بحث‌های پیشین بیان شد که اجبار حاکم در صورت امتناع مالک از رسیدگی به حیوان مملوک خود از اموری است که جنبه حقوقی قضیه را ثابت کرده و آن را از بحثی که صرفاً اخلاقی است خارج می‌کند. این دخالت به دو صورت کلی مطرح می‌شود:

الف - حیوانی که مالک از دادن نفقه به آن خود داری می‌کند، مأکول اللحم (حلال گوشت) است؛ و یا به عبارت دیگر قابل تذکیه است. در این صورت مالک بر یکی از این سه راه مخیر خواهد بود:

۱. یا حیوان را بفروشد؛
۲. یا آن را ذبح کرده تا کمتر دچار عذاب شود؛
۳. یا غذای آن را تأمین کند.

۱. کشف اللثام ۷: ۶۱۱.

۲. جواهر الکلام ۳۱: ۳۹۴.

در صورت سوم اگر توانایی تأمین غذا را نداشته باشد یکی از صور اول و دوم را انتخاب می‌کند.

ب - جانوری است که حلال گوشت نیست؛ مثل گربه، و یا غیر قابل تذکیه است:

۱. یا غذای آن را تأمین کند؛

۲. یا حیوان را بفروشد؛

۳. اگر قابلیت تذکیه دارد و می‌توان از پوست آن استفاده کرد به همان عمل می‌شود.

صورت سوم درباره حیوانی است که قابل تذکیه است ولی دو صورت اول مخصوص جانوری است که - مثل سگ - نجس العین است.

تغذیهٔ بچهٔ حیوان

اگر جاندار، بچه شیر خوار داشته باشد، باید به اندازه کفایت بچه، شیر در پستان مادر نگهداری شود. لذا اگر شیر مادر فقط به اندازه احتیاج بچه باشد، دوشیدن شیر حرام است.^۱ شهید ثانی^۲ گذاشتن مقداری عسل در کندو برای تغذیهٔ زنبورها در زمستان را خاطر نشان نموده و واجب می‌داند.^۲

۱. رسائل فقهی: ۱۱۷.

۲. مسالک الأفهام ۸: ۵۰۳.

تغذیه حیوانات اهلی بدون مالک

با آنچه گذشت حکم حیوانات اهلی مملوک بیان شد. ولی گروهی از حیوانات اهلی هستند که مالک مشخصی ندارند که در فقه از آنها با عنوان «لَقَطَه» یاد می‌شود. بدین ترتیب که مالک آن معلوم نیست تا بتوان حیوان را به وی تحویل داد و انتظار نگهداری داشت.

گاهی نیز حیوانی اهلی وجود دارد اما مالک از آن روی گردان شده و به تعبیر بهتر اعراض نموده است.

در صورت اول که جانور گمشده و مالک معلوم نمی‌باشد، به همان حکمی که در فقه ذکر شده عمل می‌شود؛ زیرا مالی است که مفید بوده و از سوی دیگر اخلاق اجازه ترک و طرد جانور را نمی‌دهد تا بمیرد، بلکه می‌توان چنین گفت که به دلیل احترام روح باید مورد تغذیه و نگهداری واقع شوند.

امام خمینی علیه السلام در رابطه با حیوانی که گم شده می‌فرماید:

«لو كان الحيوان في معرض الخطر لمرض أو غيره جاز له أخذه من دون ضمان و يجب عليه الاتفاق عليه»^۱.

اگر حیوان به خاطر بیماری یا چیز دیگری در خطر باشد بر یابنده جاز است که بدون ضمانی آن را بر گیرد و اتفاق بر آن حیوان بر فرد یابنده واجب است.

چنانکه از کلام ایشان روشن است، این حکمی است واجب کفائی، که بر هر کسی لازم بوده و حتی فراتر از یک قانون اخلاقی است. در صورت دوم نیز که حیوان رها شده و کسی حاضر به نگهداری آن نیست، می‌توان به عمومات و اطلاقات عمل نمود. بدین ترتیب که روایاتی هستند که در آنها انسانها تشویق به حمایت از جانوران شده‌اند. در همین موضوع نیز می‌توان به کمک آنها وظیفه انسانی را مشخص کرد؛ حتی اگر در حد یک عمل اخلاقی و مستحب باشد، ولی روشن است که حرمت روح باعث می‌شود تا از حیوان نگهداری شود. از اخبار مربوطه می‌توان به روایتی که در بحث حیوان مملوک گذشت و دلالت بر عذاب زنی داشت که گربه‌ای را بسته و گرسنه نگهداشته بود، تمسک نمود. این حدیث در مصادر غیر شیعی نیز به طور گسترده نقل شده است.^۱

در تقسیم بندی اول بحث، حیوانات به مملوک و غیر مملوک تقسیم شدند. در صورت اول حکم آنها همان حکم حیوان اهلی مملوک است؛ زیرا ملک بوده و خواه از آن استفاده شود و خواه بدون نفع باشد، انسان مکلف به تغذیه آن است. اگر «لقطه» باشد همان حکم فقهی مربوط در حیوان اهلی را دارا خواهند بود و در صورتی که مالک از آن اعراض نماید بسته به این که اگر رها شود می‌تواند در حیات وحش به زندگی

۱. صحیح بخاری ۴: ۱۰۰، صحیح مسلم ۳: ۳۱، سنن نسائی ۳: ۱۳۹، مسند أحمد ۲: ۱۸۸، السنن الکبری (بیهقی) ۳: ۳۲۴.

ادامه دهد، به همان ملحق می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان آن را ملحق به غیر مملوک و همنوعانش در طبیعت نمود.

۲-۱. تغذیه حیوانات وحشی

جانوران وحشی غیر مملوک با طبیعت سازگارند و نیاز خود را از طبیعت بر می‌گیرند. حیوانات وحشی با غلبه بر حیوانات دیگر و قانون غلبه بر ضعیف زندگی خود را تأمین می‌کنند و حیوانات ضعیف به مرور از گردونه طبیعت خارج می‌شوند.

گرچه از نظر شرع و عرف، تغذیه مستقیم این حیوانات در حالت عادی، بر انسان واجب نیست، اما از عمومیات و روایاتی که بیان شد و خواهد آمد بر می‌آید که ایجاد ناامنی در محیط زندگی این حیوانات و ممانعت غیر مستقیم از دستیابی آنها به تغذیه صحیح‌شان، حرام بوده و جایز نیست و این امر باید به صورت قانون اجرایی گردد.

هم‌چنین، تأمین تغذیه این حیوانات، در صورت آسیب به محیط زیستشان و نبود غذای مناسب، بر انسان واجب است.

روایات

در هر حال آدمی در مقابل این جانوران به خودی خود دارای تکلیف شرعی نیست. به عبارت بهتر با جستجو در میان آیات و سنت، دلیل و نصی بر وجوب تغذیه این حیوانات وجود ندارد، اما با این همه در برخی

از احادیث عباراتی درباره رسیدگی به آنها وجود دارد که مفهوم آنها نیازمند بررسی است.

از آن جمله می‌توان به چند نمونه اشاره کرد:

۱. عن ضریس بن عبدالمکک عن أبی جعفر علیه السلام قال: «ان الله تبارک و تعالی يحب ابراد الکبد الحرّی و من سقى کبداً حرّی من بهیمة و غیرها - أظله الله يوم لا ظل الا ظله».^۱

ضریس از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: خداوند متعال خنک کردن جگر سوزان را دوست دارد و هر کسی که جگر سوزان چهارپا یا غیر آن را آب دهد، خداوند او را در سایه (پناه) خویش گیرد در روزی که هیچ سایه (و پناهی) غیر از سایه او نیست.

۲. معلى بن خنيس عن الصادق علیه السلام قال: «ان عيسى بن مريم علیها السلام لما مرّ علی شاطئ البحر رمى بقرص من قوته فی الماء؛ فقال له بعض الخوارین: لم فعلت هذا و انما هو من قوتك؟ فقال: فعلت هذا لدابة تأکله من دواب الماء و ثوابه عند الله عظیم».^۲

معلى از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: عیسی بن مریم علیها السلام زمانی که بر ساحل رودی می‌گذشت از غذای خویش قرص نانی را در آب افکند؛ بعضی از خواریون به وی عرض کردند: چرا این کار را انجام دادی در حالی که آن غذای تو بود؟ عیسی علیه السلام فرمود: این کار

۱. کافی ۴: ۵۸، حدیث ۶.

۲. کافی ۴: ۹، حدیث ۳، تهذیب الأحکام ۴: ۱۰۵، حدیث ۳۴.

را برای حیوانی از جانوران آبی انجام دادم تا از آن بخورد؛ ثواب آن نزد خداوند بسیار بزرگ است.

۳. عن أبي جعفر عليه السلام قال: «ان أبي خرج الى ماله و معه ناس من موالیه و غیرهم فوضعت المائدة لتغذی و جاء ظبی و كان قریباً منه. فقال: یا ظبی انا علی بن الحسین و أمی فاطمة (سلام الله علیها) هلّم الى الغذاء فجاء الظبی حتی أكل معهم ما شاء الله أن يأكل»^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم به سوی مال خویش خارج شد و با وی گروهی از موالی و غیر ایشان بودند؛ سفره پهن شد تا غذا بخوریم در آن حال آهویی آمده و نزدیک حضرت بود. امام علیه السلام فرمود: ای آهو! من علی بن الحسین و مادرم فاطمه علیها سلام الله است؛ بیا و غذا بخور. پس آهو آمد و تا آنجا که خدا می‌خواست با آنها غذا خورد.

۴. نجیح قال: رأیت الحسن بن علی علیه السلام يأكل و بین یدیه کلب کلما أكل لقمة طرح للکلب مثلها؛ فقلت له: یا بن رسول الله ألا أرجم هذا الکلب عن طعامک؟ قال: «دعه انی لأستحیی من الله تعالی أن یکون ذو روح ينظر فی وجهی و أنا أكل ثم لا أطعمه»^۲

نجیح گوید حسن بن علی علیه السلام را دیدم درحالی که غذا می‌خورد و در مقابل وی سگی ایستاده بود و امام علیه السلام هر لقمه‌ای که می‌خورد مثل

۱. وسائل الشیعه ۹: ۴۱۰، حدیث ۱۲۳۵۲.

۲. بحار الأنوار ۴۳: ۳۵۲، حدیث ۲۹.

بخش دوم: حقوق ایجابی □ ۶۷

آن را به سوی سگ می‌انداخت؛ پس به ایشان عرض کردم: ای فرزند رسول خدا آیا اجازه می‌دهید این سگ را برانم (تا مزاحم غذا خوردن شما نشود)؟ فرمود: رهایش کن من از خدا خجالت می‌کشم که صاحب روحی در صورت من نگاه کند و من در حال خوردن باشم و به آن ندهم.

با آنچه در بحث اخلاقی بودن مسئله گذشت این موضوع نیز اخلاقی بوده و توسط عقل و عرف پذیرفته شده است. یعنی کمک به تغذیه جانوران وحشی در صورت ناتوانی حتی بنابر اطلاق روایات مذکور توانایی بدست آوردن غذا، امری ستوده و حسن می‌باشد.

قید ناتوانی از تحصیل غذا در جمله فوق بدین معناست که صرف اخلاقی بودن، دلیل بر تغذیه تمام جانوران وحشی روی زمین نیست. چراکه اولاً: طبیعت قانون خاص خود را دارد و بدون دخالت بشر می‌توان به تنظیم روابط بین موجودات اقدام نماید. ثانیاً: چنین چیزی توسط علمای زیست شناس ثابت شده که دخالت آدمی در بسیاری موارد موجب اختلال در نظم چرخه طبیعت می‌شود. بنابراین تغذیه‌ای که از آن صحبت می‌شود و مربوط به جانوران وحشی غیر مملوک است، درباره حیواناتی است که توانایی غذا خوردن را ندارند و انسان می‌تواند به همان دلیل اخلاقی بودن، به آن اقدام نماید.

با آنچه گذشت مشخص شد دست یابی به آب و غذا برای جانداران روی زمین امری لازم بوده و بلکه از ارکان ادامه حیات است. پس از

حقوق اساسی و اولیه هر موجود زنده‌ای است که در جهان زندگی می‌کند و کسی حق ندارد حیوانی را هر چند کوچک باشد از خوردن و نوشیدن آب منع نماید مگر اینکه این تغذیه به مال و جان آدمی و یا در مواردی خاص خود حیوان ضرر برساند.

۳-۱. گرسنه نگاه داشتن برای تعلیم و آموزش

بیشتر حیوانات می‌توانند به واسطه تجزیه و تحلیل‌هایی که در ذهن خود انجام می‌دهند به کنش و واکنش در برابر حوادث مختلف اقدام ورزند. در همین راستا است که انسان با تعلیم و آموزش برخی از آنان که نسبت به گونه‌های دیگر دارای استعداد بیشتری هستند، به مقاصد خویش جامه عمل می‌پوشاند. حال فرقی در هدف وجود ندارد؛ گاه تفریح و گاه آزمایشات علمی برای کسب تجربه و علم وی را وادار به این کار می‌کند. در هر حال این عمل با راه‌های متعددی همراه است. شاید حیوانی با گرسنگی روبه رو شود و برای بدست آوردن غذا کارهایی را که از او خواسته می‌شود انجام دهد.

انسان برای دست یافتن به مقاصد خویش و گاه برای رسیدن به هدفی که هم نفع حیوان و هم نفع خود در آن باشد اقدام به اموری می‌نماید. مثلاً تربیت حیوان با استفاده از گرسنه نگاه داشتن یکی از این امور است.

حکم کلی در این زمینه آن است که اگر از تربیت حیوان، و به تبع آن، گرسنه یا تشنه نگهداشته شدن حیوانات، هدفی عقلانی و شرعی در میان باشد، این امر جایز است، اما اگر هدفی غیر شرعی یا صرف تفریح و لهو و لعب در میان باشد، این تربیت بدین شکل جایز نبوده و مصداق ظلم تلقی شده و حرام است.

با جستجو در لا به لای روایات، احادیثی به چشم می‌خورد که در مورد موضوعات خاصی همچون اصلاح حیوان به همراه تعذیب صادر شده است و بیانگر اختیار مالک بر مال خویش می‌باشند:

عن الكاهلی قال: سأل رجل أبا عبد الله عليه السلام و أنا عنده يوماً عن قطع أليات الغنم؛ فقال: «لا بأس بقطعها إذا كنت تصلح بها مالك ثم قال عليه السلام: ان في كتاب علي عليه السلام أن ما قطع منها ميت لا يتفع به»^۱.

کاهلی گوید نزد امام صادق عليه السلام بودم که شخصی از ایشان در مورد بریدن دنبه گوسفند [زنده] پرسید؛ حضرت فرمود: بریدن آن اشکالی ندارد اگر مالک حیوان قصد اصلاح داشته باشد. سپس فرمود: در کتاب علی عليه السلام چنین آمده است که هر آنچه از گوسفند زنده بریده شود [حکم] میته را داشته و از آن نمی‌توان نفع برد.

این روایت مربوط به بریدن اعضای حیوان زنده است و طبیعتاً در بر دارنده درد و رنج برای حیوان خواهد بود. اگر بپذیریم که گرسنه نگاه

۷۰ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

داشتن حیوان تعذیب محسوب می‌شود و این تعذیب برای اصلاح باشد، بنابر عموم کلام امام علیه السلام مبنی بر «جواز تعذیب حیوان برای مالک، در صورت اصلاح» مجاز خواهد بود. البته با این شرط که آموزش و تربیت اصلاح به شمار آید؛ زیرا گاه آموزش تنها برای تفریح و سرگرمی است که تنها در برخی امور مجاز شمرده شده است.

از آن جمله تربیت اسب است که شخص برای آموزش حتی اگر برای تفریح و بازی باشد، جایز می‌باشد.

عن علی بن اسماعیل رفعه قال قال رسول الله ﷺ: «کل لهُو المؤمن باطلاً الا فی ثلاث فی تأدیه الفرس و رمیه عن قوسه و ملاعبته امرأته فانهن حق... الحدیث»^۱

علی بن اسماعیل از پیامبر ﷺ روایت کرد که فرمود: همه لهوهای مومن باطل هستند مگر در سه چیز: تادیب اسب و تیراندازی و بازی او با همسرش....

فصل دوم

تأمین مکان و محل زندگی و تربیت

۱-۲. تأمین مکان و محل زندگی

مکان زندگی برای حیات هر جانوری نقش سازنده‌ای را ایفا می‌کند؛ به صورتی که این موضوع جزء اموری است که بدون آن، یعنی بدون مکانی برای زندگی و قلمرو که محل تغذیه و تولید مثل است، امکان ادامه حیات وجود نخواهد داشت. در حیوانات اهلی این مسئله کاملاً روشن است. به عبارت دیگر همانگونه که انسان از این جانوران استفاده می‌کند در قبال آن وظیفه تأمین مکان را دارد. درست است که برخی از جانوران با توجه به پوشش طبیعی نیاز به حفاظت از سرما ندارند، ولی دیگر عوامل طبیعی و غیر طبیعی نباید مانع از اقدام برای تأمین مکان باشد.

مکان برای جانور اهلی جایی است که حیوان در آن احساس امنیت کند، به صورتی که از خطرات در امان باشد. خطرات طبیعی مانند

حیوانات درنده و مودی، سرما و گرما و غیر طبیعی مثل حوادثی که توسط خود انسانها ممکن است برای حیوانی پیش آید. مسلم است که حوادث طبیعی بیشترین تأثیر را در تهدید سلامتی جانوران دارد. برف، باران، گرما و سرما، همچنین بادهای شدید تهدید کننده حیوانات هستند که به خصوص در مورد حیوانات اهلی ظهور بیشتری دارد. انسانی که مسئولیت نگهداری حیوانی را بر عهده گرفته، خواه مالک و یا غیر مالک، باید در تأمین مکانی که جانور را از انواع صدمات حفظ کند، کوشا باشد و تا حدی که ممکن است در مورد آن بکوشد؛ زیرا این موضوع جزء نفقه بوده و چنانکه در بحث تغذیه گذشت از وظایف مالک حیوان است.

۲-۲. مکان زندگی در حیوانات اهلی

حیوانات غیر اهلی از این قاعده مستثنا نیستند، ولی بیان این نکته مهم است که این گونه‌ها به این علت که مستقل زندگی می‌کنند و به واسطه پوششی که دارند نیازی به انسان ندارند در تأمین آشیانه و مکان زندگی مستقل عمل می‌باشند. به عبارت دیگر آدمی تکلیفی در اقدام به ساخت مسکن برای آنها ندارد؛ لکن باید توجه داشت که این عدم تکلیف دلیل بر هدم و نابودی محل زندگی این گونه‌ها نیست؛ زیرا حیوانات قبل از ورود انسان به جهان، قوانین خاصی را در زندگی خود

داشته‌اند؛ امروزه این ضوابط کاملاً روشن است. هم زیستی آن‌ها باهم و با گیاهان، مهاجرت‌ها و غیره نشان از وجود قوانینی خاص در بین آنها و جهان هستی دارد. بعد از حضور آدمی در جهان و علاقه به استفاده از جانوران موضوع تغییر کرده و به جابجایی حیوانات کشیده شد.

ایجاد باغ وحشها برای آموزش انسانها، تفریح و تربیت حیوانات به هدف تفریح و یا اغراض دیگر، همچنین افراط در استفاده از دریا و غیره باعث جابه جایی و حتی انقراض نسل شده است. استفاده مصریان باستان از نوعی باکتری در تابوت مومیائی‌ها برای جلوگیری از سرقت، نگهداری گربه‌ها برای رهایی از دست موش‌ها، انتقال کفش دوزک‌ها به باغ‌ها برای مبارزه با آفات گیاهی، بردن خرگوش‌ها به استرالیا و ... همه از اعمالی بوده و هستند که آدمی با قصد استفاده و یا تفریح و پیشرفت انجام داده است. بعضی از این جابجایی‌ها درست بوده و حتی نیاز به وضع قوانین الزام آور داشته است؛ اما دیده می‌شود انتقال برخی از جانداران از مکان و زیست‌گاهشان موجب صدمات غیر قابل جبرانی شده است.

به غیر از ایذاء حیوانات و بر هم زدن نظم موجود در زندگی آنها مضراتی که محیط زیست و آدمی را تهدید می‌کند، نکته مهمی است که باید در باره آن چاره اندیشیده شود. مسلماً اگر این انتقال و تغییر مکان به جانور منتقل شده آسیبی نرساند، به حیوانات دیگر ضرر خواهد

رساند؛ چراکه نظم موجود در جهان زاییده حکمتی است که بدون آن نظام عالم مختل خواهد شد. خداوند متعال در قرآن فرموده است:

«وَحَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا»^۱

و همه موجودات را او خلق کرده و به حکمت کامل و تقدیر ازلی خود حد و قدر هر چیز معین فرموده.

این آیه دلالت بر وجود نظم و تدبیر در جهان دارد و مفسران نیز به همین نکته اشاره کرده‌اند.^۲ ولی قابل استناد برای اثبات عدم جواز بر هم زدن نظم نیست.

۲-۳. تأمین مکان برای حیوانات وحشی

شاید از ظاهر برخی روایات استحباب پناه دادن به پرندگان وحشی فهمیده شود:

عن عمار بن موسی عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأله عن الخطاف قال: «لا بأس به هو مما يحل الله لکن کره لأنه استجار بك و آوی منزلک و کل طیر یستجیر بك فأجره».^۳

عمار از امام صادق عليه السلام در مورد پرستو سؤال کرد و امام عليه السلام فرمود: اشکالی در آن نیست و آن از حیواناتی است که خداوند متعال حلال

۱. فرقان (۲۵): ۲.

۲. مثل مرحوم طبرسی در مجمع البیان ۱۰: ۴۶۱، و زمخشری در الکشاف ۳: ۲۶۳.

۳. تهذیب الأحکام ۹: ۹۳، حدیث ۳۴۴.

نموده است. ولی مکروه است چراکه همسایه توست و در منزل تو

ماوی گزیده پس هر پرنده‌ای که همسایه تو شود پناهش بده.

نام بردن از پرنده‌ای خاص مثل پرستو که به محیط انسانی عادت دارد از باب غالب بوده و خصوصیت ندارد؛ بنابراین می‌توان الغای خصوصیت کرده و به دیگر پرندگان که در محیط آدمی زندگی کرده و به خانه وی پناه می‌آورند، سرایت داد. ولی تسری آن به حیوانات غیر از پرندگان مشکل است.

آنچه از آن به تأمین مکان برای وحوش یاد می‌شود، ایجاد آن نیست. بلکه رفع موانع و جلوگیری از تخریب این اماکن است. حال چه حیوانی وحشی در منطقه‌ای ثابت زندگی کند و خواه در فصول مختلف اقدام به کوچ نماید؛ در هر حال محیط زیست آن جانور نیز نباید دستخوش تغییر شود به صورتی که دیگر قابل زیستن برای پرنده یا جانور نباشد.

گاهی هم لازم است تا مکان‌هایی هر چند غیر طبیعی برای وحوش ساخته شود که به دلیل حفظ نسل و یا تفریح و آزمایشات علمی انجام می‌گیرد. به عنوان مثال نگهداری یوز ایرانی که در چند سال اخیر مطرح شده، برای حفاظت از این درنده و جلوگیری از انقراض آن صورت گرفته است. گاهی نیز ایجاد یک منطقه حفاظت شده راه را بر شکارچیان که قصد صید بی‌رویه داشته و مانع تکثیر و رشد سالم محیط زیست می‌شوند، می‌بندد.

بوجود آوردن باغ وحش‌ها و محیط‌هایی که در آنها از حیوانات بیشتر برای نمایش و آموزش استفاده می‌شود، از دیگر راه‌های تأمین محل زندگی حیوانات است.

پس حیوانات وحشی هم در بعضی مواقع به کمک انسان احتیاج پیدا می‌کنند؛ گرچه شاید این کمک در مرحله اول با کوچاندن و صید صورت گیرد، ولی بعد از تملک و یا نگهداری توسط انسان در محیط وی رشد کرده و نیاز به آدمی خواهند داشت.

۲-۴. نگهداری از حیوانات

لازم به ذکر است که حفظ و نگهداری جانوران چه اهلی و چه وحشی و یا به هر قصد دیگر باید با رعایت کلیه حقوق آن صورت گیرد. به تعبیر بهتر مثلاً جانوران قطبی محتاج مکانی سرد و حیوانات استوایی نیازمند محلی گرم و مرطوب هستند تا در آن احساس آرامش کنند. در غیر این صورت است که این گونه اعمال منجر به آزار و حتی آسیب‌های جسمی و روحی و یا مرگ شده و این امر از نظر اخلاق انسانی قابل قبول نیست.

در بحث تغذیه گذشت و در بحث آتی نیز ذکر خواهد شد که حیوانی که به ملکیت شخصی در آمده و مسئولیت آن بر عهده وی قرار می‌گیرد، دارای نفقه‌ای واجب بوده و از جمله نفقات غذا، آب، دارو و تأمین مکان و سلامتی است.

۵۲. باغ وحش‌ها و سیرک‌ها

مسئله دیگری که لازم است در مورد آن بحث شود، نگهداری حیوانات در باغ وحش‌هاست. حیوانات وحشی از محل زندگی طبیعی خویش منتقل شده و در قفس‌ها و یا مکان‌هایی دیگر نگهداری می‌شوند. این حفظ می‌تواند به اهداف و اغراض متعددی انجام شود. حتی ممکن است در سیرک‌ها و یا مکان‌های دیگر به استفاده گرفته شوند. از سوی دیگر ممکن است با رعایت جوانب زیست محیطی و طبع حیوان مورد نظر نگهداری شوند و یا بدون در نظر گرفتن احتیاجاتش مورد آزار قرار گیرند. در هر حال این گونه از نگهداری‌ها در صورتی می‌تواند ممنوع شمرده شود که ثابت شود حیوان مورد آزار و تعذیب است و از آنجا که تعذیب حیوان از نظر شرع مقدس حرام می‌باشد، پس نگهداری حیوان وحشی با چنین شرایطی، شرعاً و به تبع آن قانوناً جایز نیست.

اما از نظر علمی، تاکنون آزمایشی که بتواند احساس کامل حیوان را در قفس و یا در کل حصار نشان دهد، انجام نگرفته و در صورت اقدام به چنین آزمایشی نتیجه آن برای انسان واضح نیست. از سویی باید بدانیم هر چیزی که در ظاهر تعذیب و آزار تلقی شود، آن تعذیبی که شرعاً حرام باشد، نیست؛ زیرا از نظر شرع برخی از امور با آنکه در ظاهر باعث تعذیب حیوان هستند محکوم به اباحه و یا حداکثر کراهت

شده‌اند.^۱ گرچه در میان روایات و متون دینی به سختی می‌توان مواردی را یافت که در آنها صحبت از باغ وحش و یا سیرک شده - زیرا مبتلا به نبوده - ولی عموماتی که در بحث از تغذیه گذشت می‌توانند مورد استناد قرار گرفته و حکم حیوان محصور را مشخص نمایند. استدلال به اینکه در صورت آوردن حیوانات به باغ وحش و یا استفاده از آنها در سیرکها باعث از بین رفتن آزادی آنهاست، استدلالی ناقص و غیر قابل قبولی است که حداقل برای استناد حکم شرعی قابل پذیرش نیست. البته می‌توان به برخی حکایات تاریخی که توسط مورخین ثبت شده اشاره نمود. در برخی از احوالات امین عباسی نقل شده است که وی به خریداری وحوش و درندگان اقدام کرده است.^۲ اگر هدف وی همانند پادشاهان روم نگهداری از آنان برای تفریح بوده باشد، شاید بتوان با استناد به عدم منع امام معصوم علیه السلام و یا تقریر وی جواز این کار را استنباط کرد.

برخی از فقها با بیان این مطلب که نگهداری از حیوانات درنده و مودی مثل شیر و گرگ و مار و عقرب و غیره جایز نیست، دلیل آن را حصول آزار و اذیت از سوی آنها نسبت به انسان دانسته‌اند.^۳ اگر دلیلی که آنان

۱. همانند اخضاء یا از بین بردن بیضه های جانور که در آینده بیان خواهد شد. ر.ک. مختلف الشیعه ۵: ۱۴.

۲. تاریخ طبری ۷: ۱۰۲.

۳. مانند ابن براج در المذهب ۱: ۳۴۵ و ابن ادریس در السرائر ۲: ۲۱۵ و علامه حلی در منتهی المطلب: ۱۰۱۰.

اقامه کرده‌اند درست باشد، حکم در صورتی می‌تواند صدق کند که آزاری در پی داشته باشد و موجب ضرری شود، ولی باغ وحش و سیرک طبیعتاً و نوعاً دارای ضرر و آزار نیست.

۲-۶. تربیت و آموزش

نکته دیگر تربیت حیوانات است که به عنوان یکی از حقوق ایجابی حیوانات باید مورد توجه قرار گیرد. و چنانچه از ظاهر آن روشن است مربوط به جانوران اهلی می‌باشد. از همان روزی که بشر با حیوانات آشنا شد و بعضی را به محیط زندگی وارد کرد، تأدیب و تنظیم رفتار آن به دلیل اینکه به عنوان یک همراه و گاه همدم با وی بوده، امری لازم می‌نمود. بدین ترتیب که جانوری که به خدمت انسان در می‌آمد می‌بایست دارای حرکات و رفتاری می‌بود که لطمه‌ای به آدمی وارد نسازد؛ این امر نیز تنها با تربیت حیوان امکان پذیر بود. به هر حال تأدیب مقاصد خاصی را داشته و اکنون نیز با استفاده از تربیت و آموزش‌های مستمر، رفتارهای مشخص و مختلفی را از حیوان طلب می‌کنند.

۲-۶-۱. سگ

سگ حیوانی گوشت‌خوار، باوفا، اهلی و به عنوان یکی از حیواناتی است که از هزاران سال پیش همراه بشر بوده است. این جانور استعداد خوبی برای تعلیم و یادگیری شکار دارد.

خداوند متعال در کتاب خود به این حیوان و تربیت آن اشاره کرده و

می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكَنَّ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾^۱

ای پیغمبر از تو خواهند پرسید که بر آنها چه چیز حلال گردیده بگو برای شما هر چه پاکیزه است حلال شده است و نیز صیدی که به سگان شکاری آموخته‌اید که به آنها آنچه خدا به شما یاد داده می‌آموزید پس صیدی که برای شما نگه دارند بخورید و نام خدا را بر آن صید یاد کنید.^۲

آموزش این حیوان به هدف شکار از قدیم الایام تاکنون مورد توجه مربیان بوده است و اقدام به این کار، صیادان را در صید آسان یاری نموده است.

پرورش و تربیت سگهای گله و نگهبان برای استفاده در گله‌ها، باغ‌ها، خانه‌ها و مزارع، لازمه زندگی مخصوصاً در روستاها و حتی شهرها می‌باشد؛ چراکه این جانور مانع سرقت و دزدی شده و از ورود حیوانات درنده جلوگیری می‌کند. در روایات نیز از این حیوان یاد شده و در مورد شکار با سگ مسائلی مطرح شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. مائده (۵): ۴.

۲. ترجمه مهدی الهی قمشه ای.

عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام انه قال: في كتاب امير المؤمنين عليه السلام في قول الله عزوجل: ﴿وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ﴾ قال: هي الكلاب.^۱

حلبی از امام صادق عليه السلام نقل کرد که فرمود: در کتاب امیر المومنین عليه السلام هست که در مورد کلام خداوند عزوجل در قرآن که فرموده است: «و ما علمتم من الجوارح مکلبین» فرمود: آن همان سگها هستند.

عن أبي عبيدة الخذاء قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يسرح كلبه المعلم و يسمي اذا سرحه قال: «يأكل مما أمسك عليه و اذا أدرکه قبل قتله ذكاة و ان وجد معه كلباً غير معلم فلا يأكل منه...»^۲.

حذا گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد فردی پرسیدم که سگ آموزش دیده خویش را زمانی که به دنبال صید می فرستد، نام خدا را بر زبان جاری می کند، [آیا می تواند از آن بخورد؟] آن حضرت فرمود: از آنچه سگ برای او گرفته بخورد و اگر قبل از کشته شدن صید به آن رسد و سگ دیگری که آموزش دیده نیست در آنجا باشد، نباید از آن بخورد.....

عن سالم الأشل قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن صيد كلب معلم

۱. الکافی ۶: ۲۰۲، حدیث ۱.

۲. الکافی ۶: ۲۰۳، حدیث ۴.

قد أكل من صيده؛ قال: «كل منه.»^۱

سالم گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم که اگر سگ تربیت شده از شکار خود بخورد [خوردن آن جایز است؟] فرمود: از آن بخور.

۲-۶-۲. حیوانات دیگر

باید توجه داشت که این تربیت‌ها فقط مربوط به جانوران اهلی نبوده و شامل وحوش هم می‌شود. چه در گذشته و چه امروزه حیوانات وحشی مختلفی آموزش داده می‌شوند تا کارهای متعددی را انجام دهند. به عنوان مثال شکار که از روزگاران قدیم یکی از مشاغل و راه‌های گذران زندگی بوده توسط جانوران وحشی مانند یوز و باز انجام می‌شده است.

در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز شواهدی از این عمل وجود دارد. نکته در اینجاست که استفاده از این درنده‌ها در صید، مبتلا به آن زمان بوده و مورد تربیت و آموزش خاص قرار می‌گرفته‌اند.

عبدالرحمان بن ابی عبدالله قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن رجل أرسل بازه فأخذ صيداً و أكل منه نأكل من فضله؟ فقال: «ما قتل الباز فلا تأكل منه إلا أن تذبحه.»^۲

عبدالرحمان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدم که باز خود را فرستاد و آن باز صیدی را شکار کرده و از آن می‌خورد؛ آیا

۱. تهذیب الاحکام ۹: ۲۴، حدیث ۹۶.

۲. الاستبصار ۴: ۷۱، حدیث ۲.

می‌توانیم از باقی مانده صید بخوریم؟ امام فرمود: آنچه که باز کشته، از آن نخور مگر اینکه ذبحش کنی.

أبی عبیدة الحذاء قال: قلت لأبی عبد الله عليه السلام ما تقول فی البازی و الصقر و العقاب؟ فقال: «ان أدركت ذكاته فكل منه و ان لم تدرك ذكاته فلا تأكل».^۱

حذاء می‌گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال کردم که نظر شما در مورد باز و شاهین و عقاب چیست؟ (مقصود وی شکار با این پرندگان است)؛ فرمود: اگر به ذکات (ذبح) حیوان رسیده و درک نمودی از آن بخور و اگر تذکیه حیوان را درک نکرده و نرسیدی نخور.

در مورد شکار با دیگر حیوانات درنده نیز روایات متعددی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به روایت آبی بکر حضرمی اشاره کرد:

عن آبی بکر الحضرمی قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن صید البزاة و الصقورة و الفهد و الكلب؛ فقال: «لا تأكل صید شیء من هذه الا ما ذکیموه الا الكلب المکلب الحديث»^۲

حضرمی گفت از امام صادق عليه السلام پرسیدم شکار بازها و شاهین‌ها و یوز و سگ چگونه است (چه حکمی دارد؟) فرمود: شکار هیچ یک از اینها را نخور مگر اینکه تذکیه کنید مگر سگ تربیت شده ...

در بعضی از احادیث از «تحریش» یعنی: به جنگ واداشتن حیوانات،

۱. کافی ۶: ۲۰۸، حدیث ۷، تهذیب الأحکام ۹: ۳۲، حدیث ۱۲۸، الاستبصار ۴: ۷۲، حدیث ۸.

۲. کافی ۶: ۲۰۴، حدیث ۹، تهذیب الأحکام ۹: ۲۴، حدیث ۹۴.

نهی شده است و در این بین سگ مستثنی می‌باشد؛ علت آن نیز می‌تواند آموزش بهتر و آمادگی برای برخورد و مقابله با درندگان و دشمنان باشد:

عن ابان بن مسمع، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن التحريش بين البهائم؛ فقال: «أكره ذلك الا الكلاب»^۱

ابان گفت از حضرت صادق عليه السلام در مورد به جنگ انداختن حیوانات پرسیدم؛ فرمود: آن را مکروه می‌دارم مگر درباره سگ‌ها.

۲-۶-۳. اسب

همان‌طور که بیان شد، تربیت و آموزش حیوانات مقاصد متفاوتی داشته و دارد. در احادیث به تربیت برخی از جانوران تأکید شده است. اسب، چهارپایی است که در فرهنگ‌ها و ملل گوناگون دارای احترام و جایگاه ویژه‌ای است؛ چنان این جانور مورد مدح است که در قرآن نیز به نام آن سوگند یاد شده است:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا﴾^۲

قسم به اسبانی که نفسشان به شماره افتاد و در تاختن از سم بر سنگ، آتش افروختند.^۳

با اینکه حیوانات باربر دیگر مانند شتر، استر و فیل نیز در جنگ‌ها به

۱. کافی ۶: ۵۵۴، حدیث ۲.

۲. العادیات (۱۰۰): ۱-۲.

۳. ترجمه مهدی الهی قمشه ای.

استخدام ارتش‌ها در می‌آمدند، ولی خداوند متعال توجه ویژه‌ای به این حیوان داشته و آن را به نوعی مظهر قدرت سپاه اسلام، بلکه مطلق نیروی نظامی می‌داند:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾^۱

و (شما ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا کنید و تا آن حد که توانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خود فراهم سازید.^۲

در احادیثی که از هر دو فرقه بزرگ اسلامی رسیده بر این امر یعنی اکرام و تربیت اسب تأکید شده است:

عن رسول الله ﷺ: «الخیل معقود فی نواصیها الخیر الی یوم القیامة».^۳

از پیامبر ﷺ چنین نقل شده است که فرمود: نیکی در موهای پیشانی اسب تا روز قیامت گره خورده است.

البته می‌توان این روایات را کنایه از تربیت اسب برای جهاد دانست ولی عموم و اطلاق آنان می‌تواند همه مواضع را شامل شود.

۱. انفال (۸): ۶۰.

۲. ترجمه مهدی الهی قمشه ای.

۳. کافی ۵: ۴۸، حدیث ۲، امالی (طوسی): ۳۸۴، حدیث ۸۳۰، صحیح بخاری ۳: ۲۱۵، صحیح مسلم ۶: ۳۱، سنن ابن ماجه ۲: ۹۳۲، حدیث ۲۷۸۸.

همچنین در عظمت این حیوان همین بس که از پیامبر ﷺ نقل شده است که انفاقی که در آیه ۲۷۴ سوره بقره از آن سخن گفته شده، درباره اسب نازل شده است.^۱

۷-۲. حد تأدیب

زدن حیوان اهلی اگر برای تأدیب باشد، اشکال ندارد، ولی اگر با مقاصد دیگر همچون تفریح صورت گیرد، ممنوع خواهد بود. ولی سوال این است که اندازه تنبیه حیوان تا چه حد است؟

۱-۷-۲. روایات

حیوان بارکش و سواری را چگونه و چه زمانی باید مورد ضرب قرار داد؟ در پاسخ به این پرسش امامان علیهم السلام چنین جواب داده‌اند:

علی بن ابراهیم الجعفری رفعه قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام متى أضرب دابتي تحتي؟ فقال: «إذا لم تمش تحتك كمشيتها إلى مذودها»^۲
از حضرت صادق عليه السلام چنین پرسیدم که کی حیوان زیر پایم را بزنم؟
فرمود: زمانی که راه رفتنش زیر پای تو همانند راه رفتنش به سوی معلف (طویله) نیست.

این گونه تأدیب‌ها لازم است، ولی باید همراه شرایطی باشد؛ یکی از آن

۱. الفقیه ۲: ۲۸۸، حدیث ۲۴۷۵.

۲. کافی ۶: ۵۳۸، حدیث ۶، تهذیب الأحکام ۶: ۱۶۴، حدیث ۶.

شرایط در روایت مذکور بیان شده است. بدین ترتیب که اگر حیوان به راه خود نرفته و همانند زمانی که به سوی معلف می‌رود، نرفت، باید برای تأدیب زده شود. شرط دیگر این است که به صورت آن حیوان زده نشود:

محمد بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: «لا تضربوا الدواب على وجوهها فانها تسبح بحمد الله»^۱
 محمد بن مسلم از حضرت صادق عليه السلام و ایشان از پیامبر ﷺ چنین روایت می‌کند که فرمود: بر صورت حیوانات نزنید، زیرا به حمد خداوند متعال تسبیح می‌گوید.

۲-۷-۲. فتاوا

علامه حلی در منتهی المطلب فرموده است:

«لا بأس بضربها عند الحاجة»^۲

زدن حیوان هنگام نیاز اشکالی ندارد.

وی در ادامه به روایت ابراهیم جعفری استناد می‌کند.

علامه جعفری رحمته الله در رساله‌ای در مورد حقوق حیوان، می‌نویسد:

«زدن در موقع رم کردن حیوان و به اندازه احتیاج جایز است، ولی

زدن در موقع لغزیدن حیوان ممنوع می‌باشد».^۳

۱. کافی ۶: ۵۳۸، حدیث ۴.

۲. منتهی المطلب: ۹۹۶.

۳. رسائل فقهی: ۱۱۸.

کلام وی بر گرفته از روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرموده است:
 «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اضر بربوها علی النفار و لا تضربوها علی العثار»^۱.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حیوان را هنگام رمیدن بزنی و هنگام لغزش نزنی.
 البته باید توجه داشت که هر زدنی نمی تواند مراد حضرت بوده باشد؛ مثلاً زدنی که به آسیب شدید منجر شود، پذیرفتنی نبوده و حتی می توان گفت به اندازه ای جایز خواهد بود که بتوان با آن حیوان را آرام نمود.
 از سوی دیگر کتک زدن در حیواناتی می تواند صحیح باشد که به نوعی دارای اهمیت از نظر آموزش و یا اهداف عقلایی بوده باشند؛ هدف از تأدیب رسیدن به استفاده ای است که در وجود حیوان نهفت است.
 نکته دیگری که لازم به ذکر است، نتایج تأدیب است که از آن جمله می توان به استفاده صحیح از جانوران اشاره کرد که خود شامل آموزش نوع انسان، و تغذیه بشر - مثلاً در سگ شکاری - و از همه مهمتر خدا شناسی است؛ همو است که این استعداد را در آنان به ودیعت نهاده و انسان را در استفاده عقلایی و درست آزاد گذارده است.

فصل سوم

تولید مثل و حفظ نسل

۱-۳. تولید مثل

همه جانوران بلکه تمام موجودات عالم در راه رسیدن به هدفی که خداوند متعال برای آنها تعیین کرده است، در حال حرکت هستند. در جانوران این هدف با وسایلی فراهم می‌شود و یکی از آنها تولید مثل برای بقاء است. باقی ماندن برای ایجاد نظم در محیط زیست و در نهایت تأمین گوشه‌ای از هدف خلقت هستی می‌باشد. نیاز به بقاء امری فطری است گرچه لوازم آن غریزی است. امر فطری قابل سلب و منع نیست، ولی امور غریزی را می‌توان با راه‌های مختلف از بین برد.

تولید مثل جانداران برای حفظ نسل از ارکان حیات است، به طوری که جانداران برای ادامه حیات و بقای نوع اقدام به ایجاد هم نوع می‌کنند. این هم نوع سازی در حیوانات و گیاهان جنبه غریزی و در انسان علاوه بر غریزه جهت عقلانی نیز دارد. به عبارت دیگر جانوران از

روی غریزه‌ای که خداوند متعال در آنها به ودیعت نهاده تولید نوع می‌کنند. شاید در بعضی از حیوانات چنین به نظر آید که تنها غریزه منجر به این عمل نمی‌شود؛ چراکه آنها برای حفظ اجتماع و به تبع آن دوام حیات این کار را انجام می‌دهند و این، دلیل وجود نوعی شعور می‌باشد، گرچه این شعور در سطح خیلی پایین‌تر از انسان‌ها بوده و تنها شبیه عقل بشری باشد.

حشراتی مانند مورچه و زنبور و حیواناتی مثل آهو نشان از همان حس اجتماعی شدن و همیاری دارند که به کمک آن نسل حیوان حفظ شده و بقای هم نوعان را تضمین می‌نماید. همین امر در مورد جانداران غیر اجتماعی و تک‌زی، غریزه‌ای است که به واسطه آن، نوع حفظ می‌شود، با اینکه نیازی به اجتماع ندارند ولی حکم طبع و فطرت، آن را قانونی غیر قابل تغییر نموده است.

در آیات قرآن این امر بیان شده و از آثار خلق خداوند می‌باشد:

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^۱

و از هر چیزی دو نوع نر و ماده آفریدیم تا شاید متذکر حکمت خدا شوید.^۲

مسلم است که ایجاد و تولید مثل نیازمند دو جنس نر و ماده بوده و

۱. ذاریات (۵۱): ۴۹.

۲. ترجمه مهدی الهی قمشه ای.

حداقل وجود سلول‌های جنسی هر دو طرف برای تکمیل لقاح لازم است. حتی اگر در برخی جانوران مانند حلزون این عمل در بدن یک حیوان انجام شود، باز دو نوع سلول در بدن آن موجود می‌باشد. یعنی این جانور بی‌مهره و انواع شبیه آن هم، نر و هم ماده می‌باشند. بلکه از این هم بالاتر امروزه با پرورش سلول در آزمایشگاه به تولید یک حیوان اقدام می‌شود و در واقع بدون دخالت مستقیم دو جنس صورت می‌گیرد؛ لکن نباید از این نکته غفلت نمود که سلول اولیه که منشأ تولید بوده، توسط دو جنس نر و ماده به وجود آمده است.

این از آیات پروردگار متعال است که با وجود تنوع بسیار گسترده، باز هم تغییرات آب و هوا و حوادث مختلف منجر به تغییر گونه‌ها و رفتارها می‌شود و بدین ترتیب نسل جانداران حفظ شده و به زندگی خود ادامه می‌دهند. روایات متعددی در این زمینه وجود دارد که چه به صورت صریح و چه به صورت مجمل دال بر اهمیت تولید مثل در حیوانات هستند. اکنون به چند نمونه اشاره می‌شود.

۲-۳. اخصاء

اخصاء یا عقیم کردن جانور از مواردی است که قدرت تولید مثل را از دست داده و چه بسا نسل حیوان با خطر و حتی انقراض مواجه می‌شود. احادیث مربوط به اخصاء به دو گونه بوده و به تعبیر بهتر دو نتیجه را در

پی دارند. به این بیان که در گروهی اقدام به آن عمل مجاز و در گروهی دیگر ممنوع شمرده شده است.

الف) روایات مجوّزه

این فعل در صورتی مجاز شمرده می‌شود که در جهتی عقلایی و اصلاح جانور صورت گیرد. تعقیم جانور اهلی حلال گوشت مانند گوسفند که معمولاً با هدفی مناسب و در مسیر استفاده از دام انجام می‌گیرد، صحیح بوده و اشکال ندارد. روایت یونس بن یعقوب دال بر همین مدعاست:

قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الإخصاء فلم يجبني؛ فسألت أبا الحسن عليه السلام قال: «لا بأس به»^۱

یونس گفت از حضرت صادق عليه السلام در مورد اخصاء پرسیدم پس پاسخی به من نداد؛ از ابی الحسن (امام کاظم عليه السلام) پرسیدم؛ فرمود: اشکالی ندارد.

یونس در روایتی دیگر از امام کاظم عليه السلام چنین آورده است:

عن أبي الحسن عليه السلام قال: سأله عن إخصاء الغنم؛ قال: «لا بأس»^۲
از امام کاظم عليه السلام در باره اخصاء گوسفند پرسیدم؛ فرمود: اشکالی ندارد.

۱. المحاسن ۲: ۴۶۹، حدیث ۱۰۱.

۲. قرب الاسناد ۲: ۱۳۰.

ب) روایات مانعه

در گروهی از اخبار این گونه از اعمال که منجر به قطع نسل جانور می‌شود، تقبیح وضع شده است:

در روایتی از طلحه بن زید چنین آمده است:

عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبيه عليه السلام: «أنه كره اخضاء الدواب و التحريش بينها»^۱.

امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوار خویش روایت کرد که ایشان اخضاء (عقیم کردن) جانوران و به جنگ واداشتن آنها را مکروه می‌داشت.

و در روایت دیگری چنین وارد شده است:

عن علي عليه السلام أنه قال: «ليس في الاسلام اخضاء»^۲.

از علی عليه السلام روایت شده که فرمود: در اسلام اخضاء نیست.

راوندی در همین رابطه حدیثی را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که این عمل در آن، «مثله» خوانده شده است و می‌دانیم که مثله یعنی قطعه قطعه کردن پیکر انسان یا حیوان، که حرام و مذموم است:

عن موسى بن جعفر عن آبائه عليهم السلام قال: «كان رجل من نجران مع رسول الله صلی الله علیه و آله في غزاة و معه فرس و كان رسول الله صلی الله علیه و آله يستأنس الي صهيله - الي أن قال - ففقه فبعث اليه فقال: «ما فعل فرسك؟» فقال: اشتد عليّ شغبه، فخصيته، فقال النبي صلی الله علیه و آله:

۱. المحاسن ۲: ۴۷۶-۴۷۷، حدیث ۱۲۷.

۲. جعفریات: ۸۰.

«مَثَلْتُ بِهِ مَثَلْتُ بِهِ... الْحَدِيثُ»^۱.

امام کاظم علیه السلام از پدران بزرگوار خویش روایت کرد که فرمود: مردی از نجران همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از غزوه‌ها حضور داشت و همراه وی اسبی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله با صدای شیهه آن انس گرفته بود - تا اینکه فرمود - تا اینکه پیامبر دیگر صدای اسب را نشنید و در پی آن مرد فرستاد و فرمود: با اسب خود چه کردی؟ عرض کرد: اخلال و فتنه اش برایم گران آمد، پس بیضه‌های آن را از بین بردم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مثله اش کردی مثله اش کردی..... .

جمع بندی

روایت اول و دوم از روایات جواز «إحضاء» هر دو صحیح هستند، ولی روایات ناهیه دچار ضعف در اسناد هستند. در روایت طلحة بن زید خود وی و محمد بن سنان ضعیف هستند^۲، همچنین روایت دوم یعنی حدیثی که از امیر المومنین علیه السلام نقل شده، نیز به این دلیل که در کتاب جعفریات است، ضعیف شمرده می‌شود. روایت سوم نیز به طریق مرسل توسط راوندی نقل شده است و این می‌تواند خدشه‌ای در سند روایت بوده و استدلال به آن را دچار اشکال کند.

جمع بین روایات باب بدین ترتیب است که اگر منفعتی از این عمل

۱. نوادر راوندی: ۱۰۳، حدیث ۲۸۴.

۲. در مورد طلحة بن زید به رجال نجاشی: ۲۰۷، رقم ۵۵۰ و محمد بن سنان به خلاصة الاقوال: ۲۵۱، رقم ۱۷، رجوع شود.

حاصل شود جایز خواهد بود. به عبارت دیگر احادیثی که این فعل را مجاز و خالی از اشکال دانسته‌اند، ناظر به مواردی هستند که عمل مذکور دارای نفع عقلایی باشد. از سوی دیگر احادیثی که اخصاء را ممنوع می‌دانند نیز منوط به لغویت عمل بوده‌اند؛ چرا که موجب آزار حیوان و ضرر به آن - که در بحث حاضر قطع نسل است - می‌باشد.

ابن ادریس حلی، از قُدمای فقهای شیعه قائل به کراهت شده و از برخی دیگر از فقها قول به تحریم را نقل کرده است.^۱ آن دسته از علمای شیعه که فتوا به تحریم داده‌اند، دلیل خود را تعذیب حیوان و عدم ورود امر شرعی دانسته‌اند.^۲

۳-۳. آزادی در تولید مثل

زمانی که از تولید مثل سخن به میان می‌آید یک نکته در مورد آن لازم به ذکر خواهد بود و آن اینکه حیوانات چه اهلی و چه وحشی در تولید مثل خود آزاد هستند و کسی حق مانع شدن از این کار را ندارد. این همه در صورتی است که ضرری بر آن مترتب نشود. پس حکم اولیه آزادی حیوانات است.

۱. السرائر ۳: ۲۱۵-۲۱۶.

۲. از بزرگانی که قائل به تحریم شده‌اند: ابوالصلاح حلبی در الکافی فی الفقه: ۲۸۱ و ابن براج در المذهب ۱: ۳۴۵.

در روایات، تعبیری در این خصوص وجود دارد که در آنها چنین امری بیان شده است. در اخبار مربوطه از «تقنین» برای این موضوع نهی شده است؛ به طوری که حیوان در تزویج مادر، پدر، خواهر، برادر خود کاملاً مختار است:

ابن ابی نصر قال: سأل رجل الرضا عليه السلام عن الزوج من الحمام يفرخ عنده يزوج الطير أمه و ابنته؟ قال: «لا بأس بما كان بين البهائم»^۱
 بزنطی گفت: مردی از امام رضا عليه السلام در مورد یک جفت کبوتر سؤال کرد که نزد وی صاحب جوجه شده بودند؛ وی پرسید، آیا پرنده و مادرش و یا دخترش جفت می‌شوند؟ امام فرمود: آنچه در میان جانوران است اشکالی ندارد.

نکته مهم در اینجا این است که آدمی مجاز به جلوگیری از تولید مثل حیوان به شکل مذکور نیست. به عبارت دیگر آنها مکلف به تکالیف انسانی نبوده و انسان حق قانونگذاری برای آنها را ندارد؛ زیرا آنها در زندگی طبیعی خویش آزاد بوده و قانون متبعشان همان قانون طبیعت است. این بدان معنا نیست که آدمی برای اصلاح نژاد و یا هر امر دیگر عقلایی حق دخالت در مال خویش را نداشته باشد، بلکه وی می‌تواند برای منافع عقلانی خود در بعضی از امور همانند تولید مثل و تکثیر دخالت کند.

۳-۴. حفظ نسل

وقتی از حفظ نسل سخن گفته می‌شود انقراض نسل را هم به دنبال خواهد داشت؛ این بیان که اگر نوع یک جانور از چرخه محیط زیست خارج شود و دیگر اثری از آن باقی نماند، چه نتایجی را در بر خواهد داشت. زمانی که حوادث طبیعی باعث چنین رخدادی شوند جانوران با موهبت خدادادی و حکم غریزه و طبیعت اقدام به تطبیق دادن خود می‌کنند ولی این امر نیاز به هزاران و بلکه میلیون‌ها سال تلاش و تغییر دارد؛ به طوری که اگر این تطبیق به خوبی انجام گیرد، جانوران به محیطی مناسب و مطلوب خواهند رسید. در عین حال اگر حادثه غیر طبیعی و توسط عواملی همانند دخالت بشر رخ دهد، منجر به نتایج نامطلوب خواهد شد. از آن جمله بروز ناهنجاری‌های رفتاری و جسمی که اثر مستقیم و غیر مستقیم آن گریبانگیر آدمی خواهد بود.

نمونه این گونه رفتارهای بشر در تغییرات ژنتیکی و شکار بی‌رویه و جابجایی می‌باشد. درباره شکار و آثار آن در آینده مباحثی مطرح خواهد شد. علوم تجربی و به خصوص علم زیست‌شناسی با تلاش دانشمندان به این نتیجه رسیده که کم یا زیاد شدن نوع یک حیوان می‌تواند اثرات غیر قابل جبرانی بر محیط اطراف ما گذارده و آن را از طی کردن مسیر مشخص باز دارد.

چنانکه در بحث تأمین مکان نیز اشاره شد، جابجایی‌های غیر اصولی

که بدون تحقیق و پژوهش کافی اتفاق می‌افتد از همین مقوله است. به طوری که با افزایش نسل یک جانور جمعیت جاننداری دیگر به مرور زمان رو به افزایش گذاشته و انسان و محیط وی را دچار مشکل می‌سازد. اکنون مرحله‌ای رسیده است که بسیاری از گونه‌ها به علت انهدام زیست گاههای طبیعی نابود شده و یا مواجه با خطر نابودی‌اند. بشر برای مبارزه با آفات کشاورزی مقدار زیادی سموم بر روی کشتزارها می‌ریزد و این سموم باعث از بین رفتن تعداد زیادی از گیاهان و جانوران می‌گردد.^۱ شاید گفته شود از بین رفتن مزارع صدمه‌ای به حیات وحش نخواهد داشت، ولی توجه به این نکته لازم است که این آسیب‌ها جزء ضررهایی است که توسط کارشناسان دیده شده، اما آیا حشرات و جانوران مفیدی که در این مزارع و مراتع و حتی بیابان‌های منطقه زندگی می‌کردند، از این رخداد جان سالم به در بردند؟ پاسخ به این پرسش محتاج تحقیق است، ولی به ظن قوی می‌توان گفت: احتمال این چنین اتفاقاتی بسیار است.

بنابراین اقدام به چنین اموری که محیط زیست و چرخه آن را با خطر مواجه ساخته و باعث از بین رفتن نسل حیوانات می‌شود، باید با دید اصولی و بررسی‌های کارشناسانه انجام شود.

این چنین چرخه‌ای که با نظم و مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل

می‌باشند و با اندکی اخلال در نظم آن از دور خارج شده و ترمیم آن اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار و محتاج سپری شدن زمانی طولانی است. در قرآن نیز شواهدی بر اهمیت حفظ نسل موجودات زنده وجود دارد، در همین زمینه می‌توان امر خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام را در مورد جمع آوری و سوار نمودن حیوانات را بعد از ساخت کشتی مؤید این مهم دانست. در آیه مذکور آمده است:

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ
اثنین﴾^۱

تا وقتی که فرمان ما فرا رسید و از تنور آب بجوشید و عالم را به طوفان داد در آن هنگام به نوح خطاب کردیم که تو با خود از هر جفتی دو فرد [نر و ماده] حمل کن.^۲

در تفسیر آیه مذکور روایاتی از ائمه علیهم السلام وارد شده است؛ از آن جمله: عن الصادق علیه السلام قال: «حمل نوح في السفينة الأزواج الثمانية التي قال الله (ثمانية أزواج) فكان من الضأن اثنین زوج داجنة يربيهما الناس و الزوج الآخر الضأن التي تكون في الجبال الوحشية أحل لهم صيدها و من المعز اثنین يكون زوج يربيه الناس و زوج هو البقر الوحشى و من الابل زوجین...»^۱

۱. هود (۱۱): ۴۰.

۲. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

۱. تفسیر عیاشی ۲: ۱۴۷-۱۴۸.

امام صادق علیه السلام فرمود: نوح علیه السلام در کشتی خود زوجهای هشت گانه که خداوند متعال فرموده بود (ازواج هشت گانه) را حمل کرد. از گوسفند دو زوج اهلی که مردم آن را تربیت می کردند و گوسفندی وحشی که در کوهها می زیست و بر ایشان شکارش حلال بود و از بز یک زوج که آن را مردم تربیت می کردند و یک زوج از گاو وحشی و از شتر یک زوج... .

عن سعيد بن يسار عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «ان الله أمر نوحاً أن يحمل في السفينة من كل زوجين اثنين فحمل النخل والعجوة فكانا زوجاً...»^۱

سعيد بن يسار از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود: خداوند به نوح دستور داد که در کشتی از هر زوجی دو عدد سوار کند پس وی درخت خرما و خرماي بسته شده را حمل کرد که یک زوج بودند...

در بعضی از روایات نیز بدون اینکه به صراحت از موجود خاصی نام برند از صید آنها نهی کرده اند. از آن جمله روایتی است که در آن از شکار و برداشتن جوجه پرنده در لانه منع شده است:

عن الأفلح قال: سألت علي بن الحسين عليه السلام عن العصفور يفرخ في الدار هل تؤخذ فراخه؟ فقال: «لا إن الفرخ في وكرها في ذمة الله ما لم يطر...»^۱

۱. تفسیر عیاشی ۲: ۲۶۲.

۱. تهذیب الأحکام ۹: ۲۵، حدیث ۸۱.

بخش دوم: حقوق ایجابی □ ۱۰۱

افلح گفت از امام سجاد علیه السلام از گنجشکی پرسیدم که در لانه اش جوجه بدنیا آورده؛ آیا جوجه اش را می توان برداشت؟ امام علیه السلام فرمود: خیر، جوجه تا زمانی که پرواز نمی کند در لانه اش در ذمه (پناه) خداست.

در روایتی دیگر از شکار پرنده در لانه نهی شده که می توان از آن چنین فهمید که چون حیوان در آشیانه خویش بی دفاع بوده و قدرت حرکت کمتری دارد، صیدش نیز آسان خواهد بود و همین می تواند بهانه ای در دست صیادان باشد تا هر چه بیشتر به شکار حیوان مشغول شوند. ولی اسلام با دستوراتی این چنین مانع شکار شده است، تا شاید نسل جانوران مورد تهدید قرار نگیرد. در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین وارد شده است:

عن جعفر بن محمد علیه السلام أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: «الطیر فی وکره آمن فی أمان الله فإذا طار فصیدوه ان شئتم»^۱

از حضرت صادق علیه السلام و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند که فرمود: پرنده در آشیانه اش در امان خداوند است؛ پس هرگاه پرواز کرد اگر خواستید شکارش کنید.

از سوی دیگر زنده بودن پرنده در لانه نیازی است که جوجه های پرنده دارند و بدون وجود پدر و مادر، زندگی برای جوجه ها غیر ممکن خواهد بود.

۱. دعائم الاسلام ۲: ۱۲۹، حدیث ۶۰۱.

۱۰۲ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

در حدیثی از پیامبر ﷺ صراحتی در این زمینه وجود دارد؛ بدین ترتیب که ایشان از ذبح حیوان باردار و شیرده کراهت داشتند:

عن رسول الله ﷺ: «أنه كره ذبح ذات الجنین و ذات الدر بغير علة»^۱.

از پیامبر ﷺ روایت است که وی از ذبح حیوان باردار و شیرده بدون دلیل کراهت داشتند.

آیا این روایت چیزی غیر از حفظ نسل و انتظار تا بدنیا آمدن بچه حیوان را بیان می‌کند؟

۱. دعائم الاسلام ۲: ۱۳۷، حدیث ۶۳۸.

فصل چهارم

رشد

رشد و نمو حرکتی است که در هر جاننداری از جانداران کره زمین وجود دارد. این امر همیشه بعد از به وجود آمدن و متولد شدن راهی بوده تا موجود به کمال مادی دست یابد. این پیشرفت مادی در اثر تغییر و تحول و به تعبیر بهتر تبدیل ماده به انرژی و بالعکس اتفاق افتاده و باعث کامل شدن جسم حیوان می شود. همین کمال است که جاندار را از زمانی که لقاح صورت می گیرد تا زمانی که نفس های آخر را می کشد، همواره همراهی می کند.

رشد جسمی از بایدهای زندگی حیوانی و نباتی است که موجود با تغذیه و استفاده از امکانات مادی بدان دست می یابد. لذا این امر از اموری است که در جانداران و حتی گیاهان باید مورد توجه قرار گرفته و بررسی شود.

بدین ترتیب که آدمی با آماده کردن شرایط مساعد اجازه رشد و نمو

را به جانور می‌دهد. وی با تغذیه در حیوانات اهلی و خانگی و عدم دخالت در محیط زیست وحوش می‌تواند این کار را انجام دهد. در شرع مقدس اسلام نیز توجه به این نکته شده و روایاتی درباره اجازه دادن به جانوران برای رشد، وارد شده است؛ از آن جمله روایتی است که گویای توجه به شیر خوردن و به بیان دیگر تغذیه بچه حیوان می‌باشد:

عن علی علیه السلام أن رسول الله صلی الله علیه و آله نهی أن تُضَيَّعَ حتى تَهْلِكَ... الحديث.^۱
امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از اینکه حیوان آنقدر دوشیده شود تا هلاک گردد، نهی نمود.

رشد بچه حیوان آنقدر برای اسلام دارای ارزش است که در مورد گوسفندی که متعلق زکات است، اگر دارای بره باشد، از آن چشم پوشی شده و نیازی به رد آن نیست:

عن عبدالرحمن بن الحجاج عن أبي عبد الله علیه السلام قال: «ليس في الأكلة ولا في الرّبيّ والرّبيّ التي تربي اثنين ولا شاة لبن ولا فحل الغنم صدقة»^۲

عبد الرحمن از امام صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود: در گوسفند پروار شده برای خوردن و گوسفندی که تازه بره دنیا آورده و گوسفند صاحب دو بره و در گوسفند شیرده و گوسفند نری که برای تکثیر (تولید مثل) مورد استفاده قرار می‌گیرد، زکات نیست.

۱. مستدرک الوسائل ۸: ۲۶۰، حدیث ۵.

۲. کافی ۳: ۵۳۵؛ حدیث ۲، الفقیه ۲: ۲۸، حدیث ۱۶۰۸.

همان طور که علامه در کتاب *منتهی المطلب* متذکر شده است، علت این حکم اضرائی است که نسبت به بره حیوان وجود دارد.^۱ به عبارت دیگر جدایی مادر از فرزند دارای مضراتی است که از مهم ترین آنها می توان به عدم رشد بره و یا در کل، بچه حیوانات اشاره کرد.

طبیعی است این چنین احادیثی جویای حقی از حقوق اصلی حیوان می باشند که می توان از آن، به حق رشد تعبیر کرد. حتی در برخی دیگر از روایات که در بحث حفظ نسل گذشت، اشاره به این نکته وجود دارد و آن اینکه باقی بودن جوجه پرنده نشان از اهمیت مسئله رشد دارد، بدین معنا که نمو جانور باعث بلوغ و در نتیجه تولید هم نوع شده و از انقضای نسل و نوع جلوگیری می شود.

حتی اگر از جنبه انسانی نیز دیده شود، بدین معنا که آدمی تنها به خاطر استفاده از حیوانات به آنها اجازه رشد دهد، باز می توان رشد و نمو را مزیتی دانست که به واسطه آن خود انسان منتفع می شود. رشد مفهومی اعم از محفوظ بودن نسل و رشد جسمانی است.

چنانکه بیان شد این امر گاهی در مسیر انتفاع بشر قرار می گیرد و منجر به استفاده وی می شود. در این صورت عقل و شرع هر دو توصیه به پرورش جانوران می نمایند. حال چه این پرورش سبب حفظ نسل و چه موجب تغذیه و استفاده خود انسان باشد، هر دو معقول و مشروع می باشد.

فصل پنجم

سلامت و بهداشت

موجودات زنده به دلیل حیات نباتی و مادی، هر آن در معرض حمله میکروبها و حوادثی هستند که زندگی آنها را با خطر روبه رو می‌سازد. در واقع حیات مادی دارای اتفاقات و تغییراتی است که ممکن است منجر به نابودی و یا حداقل از بین رفتن سلامتی شود. در مورد جانوران آنچه مهم است، زیست سالم آنهاست. خواه این حیوان، موجودی تک سلولی بوده باشد و یا یک جانور عظیم الجثه.

موضوع تندرستی روشن است؛ همچنین محیط زیست و خوراک جانوران که در ارتباط مستقیم با جانور بوده و در جسم آن تأثیر می‌گذارند، از مباحث مهم می‌باشند.

حیوان باید از انواع امراض و حوادث حفظ شود؛ بدین ترتیب که وقتی یک جانور توسط یک بیماری مسری و یا غیر مسری تهدید شده و یا مریض شود، آدمی از آن حمایت کند و یا اگر در معرض خطر

طبیعی و غیر طبیعی می‌باشد، از مرگ و میر و یا نقص عضو حفظ شود. دلیل این حمایت می‌تواند چند امر باشد که از مهم‌ترین آنها اثر مستقیمی است که می‌تواند بر زندگی انسان داشته باشد؛ زیرا با وجود بیماری در حیوانات احتمال شیوع و سرایت آن به خود آدمی کاملاً روشن و غیر قابل انکار است. نمونه این امراض خطرناک در سال‌های اخیر بسیار دیده شده است. بیماری‌هایی مانند طاعون، سل و حتی هاری^۱ که منشأ حیوانی دارد، اهمیت مسئله را بهتر آشکار می‌کند. در گذشته هم اپیدمی بعضی از بیماریها مانند طاعون عاملی حیوانی داشته است.

۱-۵. بهداشت حیوان در دین اسلام

در شرع مقدس اسلام روایاتی در همین زمینه وجود دارند که بر تمیز نگه داشتن و حفظ پاکیزگی جانوران تأکید می‌کند. دلیل اینکه در گروهی از احادیث دستور به کشتار برخی جانوران دیده می‌شود، همین موضوع مهم سلامتی است، که هم انسان و هم حیوانات را تهدید می‌کند.

۱-۱-۵. روایات

دستور کشتن سگ‌های مدینه توسط پیامبر ﷺ راجع به چنین

۱. زیست‌شناسی عمومی: ۲۴۵-۲۴۶.

موضوع مهمتی است:

سکونی عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال امير المؤمنين عليه السلام: «بعثني رسول الله صلى الله عليه وآله الى المدينة فقال: لا تدع صورة الا محوتها ولا قبراً الا سويته ولا كلباً الا قتلته»^۱.

سکونی از حضرت صادق عليه السلام و وی از امیر المؤمنین عليه السلام روایت کرد که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله مرا به مدینه فرستاده و فرمود: بتی را وامگذار مگر اینکه از بین ببری و نه قبری مگر اینکه آن را صاف نمایی و نه سگی مگر اینکه آن را بکشی.

طبیعی است مقصود حضرت کشتن تمام سگ‌ها نبوده؛ زیرا این با هیچ کدام از قواعد عقلی و شرعی سازگاری ندارد، بلکه چه بسا منظور پیامبر صلى الله عليه وآله کشتن سگ‌های هار بوده است^۲ که هم خود عامل بیماری خطرناکی بوده و هم دیگر حیوانات و انسانها را تهدید می‌کردند.

در اسلام تفاوتی میان جانوران کوچک میکروسکوپی و جانوران بزرگتر وجود ندارد و همه مشمول احکام گذشته و این حکم می‌باشند. در حدیثی از امیر المؤمنین عليه السلام چنین می‌خوانیم:

عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال امير المؤمنين عليه السلام: «أنه صلى الله عليه وآله نهى أن يبول الرجل في الماء الجاري الا من ضرورة و قال: انّ للهاء أهلاً»^۳

۱. الکافی ۶: ۵۲۸، حدیث ۱۴.

۲. المکاسب المحرمة (امام خمینی رحمته الله) ۱: ۲۵۹.

۳. تهذیب الأحکام ۱: ۳۴، حدیث ۹۰، الاستبصار ۱: ۱۳، حدیث ۲۵.

امام صادق علیه السلام از علی علیه السلام نقل کرد که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از اینکه کسی در آب جاری بول نماید، نهی کرد مگر از روی ضرورت و فرمود: آب ساکنانی دارد.

آلوده کردن آب و خاک و هوا، به هر طریق مورد مذمت بوده و همیشه یکی از مسائل مطرح شده در مجامع مدافع حقوق انسانها و حیوانات است. این نوع آسیب می‌تواند با پخش کردن مواد شیمیایی در آب رودخانه‌ها، تالابها و غیره همراه باشد.

۵-۱-۲. فتاوا

تأمین سلامتی حیوان مملوک برای اسلام به اندازه‌ای ارزش دارد که از واجبات شمرده شده است. برخی از فقها تا حدی پیش رفته‌اند که غصب دارو را برای این هدف در شرایط اضطرار جایز شمرده‌اند. اگر کسی که ماده‌ی معیشت در نزد اوست از فروش آن ماده امتناع بورزد، جایز است در موقع ضرورت آن را با ضمانتِ مثل همان ماده یا قیمت آن، غصب نماید، چنانکه غصب ماده ضروری معیشت برای انسان جایز است. همین فتوی را شهید در *مسالک*^۱ و فاضل هندی در *کشف اللثام*^۲ ذکر کرده‌اند؛ با این تفاوت که فاضل هندی آن را منوط به اجازه حاکم می‌داند.^۳

۱. مسالک الأفهام ۸: ۵۰۳.

۲. کشف اللثام ۷: ۶۱۳.

۳. همان.

این حکم، یعنی رعایت سلامت، شامل تمام جانداران است؛ زیرا آنها، چه مستقیماً و چه به صورت غیر مستقیم، با انسان در ارتباط می‌باشند. عدم سلامت جسمانی و حتی در بعضی مواقع بیماریهای روحی آنها به آدمی سرایت کرده و خود او و جانوران تحت سیطره وی را تهدید خواهند کرد.

همچنین ریختن زباله‌ها، موجب از بین رفتن آبزیان می‌شود که سرانجام علاوه بر نابودی حیوانات، موجب تهدید تندرستی انسان‌ها است. دفن زباله‌ها در زیر خاک و دود حاصل از فعالیت‌های کارخانه‌ها نیز از این اصل مستثنی نبوده و هر کدام به نوبه خود به چرخه محیط زیست ضربه وارد کرده‌اند.

۲-۵. بهداشت حیوان در قوانین مدون

در اصل پنجاهم قانون اساسی چنین می‌خوانیم:

«در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های آتی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن تلاقی پیدا کند، ممنوع است.»

در قانون نیز مواردی یافت می‌شود که به این مسئله توجه نموده‌اند.

در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷ آذر ۱۳۷۰ چنین مقرر داشته است:

«هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آلوده ... ، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها... محکوم خواهد شد.»

تبصره ۲ همان ماده آلودگی را چنین تبیین کرده است:

«منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیائی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.»

فصل ششم

توجه به احساس حیوان

حواس ظاهری به گونه‌ای می‌باشند که در خارج به وضوح درک می‌شوند و خود منشأ علم تجربی هستند.

حواس معنوی نیز دارای اقسامی است؛ حس غم، شادی، ترس، هیجان، تعجب و ... که شاید در خارج به خودی خود آشکار نباشند، ولی بوسیله آثار آنها به وجودشان پی برده می‌شود.

۱-۶. حس مادری و فرزندی

بحث این فصل مربوط به احساسات باطنی یا روحانی است. یکی از نمونه‌های احساسات معنوی وجود حس مادری و فرزندی است که در بسیاری از جانوران مشاهده می‌شود. نکته این که با صرف وجود چنین احساسی نمی‌توان حکم به وجود دیگر احساسات نمود، اما همین یک مورد برای اثبات این ادعا کافی است که در حیوانات نیز احساس معنوی وجود

دارد و همین احساس و مشابه آن است که جدای از احساسات و حواس ظاهری است.

اینچنین حسی است که منجر به دفاع از فرزند در مقابل خطرات و حوادث می‌شود؛ حادثی که اگر به مرگ و نابودی فرزند ختم شود، موجب ناراحتی حیوان است، اگرچه به چشم دیده نمی‌شود ولی همانگونه که گفته شد، دفع آفات از آن نشانه وجود حس معنوی است.

در میان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام هم به این حس اشاره و توجه به آن لازم شمرده شده است. در روایتی که در نهج البلاغه نقل شده امیر المؤمنین علیه‌السلام نسبت به عامل جمع آوری زکات چنین سفارش کرده است: «ألا يحول بين ناقة وبين فصيلها ولا يصر لبنها فيضر ذلك بولدها»^۱

بین ماده شتر و بچه اش فاصله نیندازد و شیر آن را کامل ندوشد تا موجب زیان فرزند شتر شود.

۲-۶. انس و اهمیت آن از نظر دین اسلام

از احساسات دیگر که مورد توجه است، حسی است که حیوان نسبت به انسان و به عبارت دیگر انسی است که نسبت به وی پیدا می‌کند.

این حس چنانکه در تعریف لغوی حیوان اهلی گذشت، از مشخصه‌های اصلی این گونه از حیوانات است؛ به صورتی که از

۱. نهج البلاغه: ۳۲۶، نامه ۲۵.

مهم‌ترین تمایزات حیوان اهلی و وحشی خو گرفتن به محیط و شخصی است که مالک و یا صاحب آن می‌باشد. این حس در بیشتر جانوران حتی در وحوش دیده می‌شود، به طوری که طرد و یا اهمیت ندادن به این حس از نظر عرف مذموم شمرده می‌شود.

چه بسا آدمی هم به حیوان اهلی خود و یا وحشی دست آموز خوگرفته و نتواند از آن جدا شود. همین مقدار برای اثبات آن کافی است که وقتی شخصی اقدام به نگهداری یک حیوان اهلی و حتی وحشی با مشخصه‌ای که قبلاً گفته شد - مهره دار بودن - می‌کند، حیوان به محیط و شخص نگهدارنده الفتی پیدا می‌کند و در صورت جدا کردن آن از محیط اولیه، باز در صورت امکان نزد صاحبش خواهد آمد. این همان انس است که میان انسان و حیوان برقرار شده است.

به هر حال در این باره احادیث وارده به این نکته تصریح نموده و در بعضی از حالات مورد استفاده فقها قرار گرفته و منجر به فتوا شده است. نمونه این روایات، در مورد نهی از ذبح حیوان تربیت شده، توسط فرد تربیت کننده است و همین، اهمیت احترام به احساسات و وابستگی حیوان را به مربی به خوبی نشان می‌دهد:

عن محمد بن الفضیل عن أبي الحسن عليه السلام قال: قلت له: كان عندي كبش سمته لأضحى به، فلما أخذته واضجمته نظر إليّ فرحمته و رققت له، ثم أتى ذبحته؛ قال: فقال: «ما كنت أحب لك أن تفعل،

لا ترین شیئاً من هذا ثم تذبحه».^۱

محمد بن فضیل گفت به امام رضا علیه السلام گفتیم: من قوچی دارم و آن را برای سر بریدن پروار کرده ام، زمانی که آن را گرفته و به زمین خواباندم نگاهی به من کرد و دلم به رحم آمده و برای آن سوخت، سپس سرش را بردم. امام علیه السلام فرمود: دوست ندارم این کار را انجام دهی، حیوانی از این گونه ها را تربیت کرده و ذبح نکنید.

این روایت مؤیدات دیگری نیز دارد؛ از آن جمله می توان به روایت امام کاظم علیه السلام اشاره کرد:

قال أبو الحسن موسى بن جعفر عليه السلام: «لا يضحى بشيء من الدواجن».^۲

جانوری از دواجن سر بریده نمی شوند.

این روایت دارای دو نکته است:

اولاً: نهی از ذبح در روایت، که به صورت جمله خبریه آمده و ظاهر در حرمت است.

ثانیاً: با توجه به روایت فوق و آنچه لغویون در مورد لفظ «دواجن» گفته اند روشن می شود که مقصود حیوانات خانگی هستند که مورد تربیت انسان بوده و با وی خو گرفته اند. و این همان مطلبی است که در روایت امام رضا علیه السلام به آن اشاره شد.

۱. کافی ۴: ۵۴۴، حدیث ۲۰، تهذیب الأحکام ۹: ۶۹، حدیث ۳۵۱.

۲. الفقیه ۲: ۴۹۷، حدیث ۳۰۶۴.

مرحوم نراقی در رابطه با دواجن می گوید:

«الدواجن: الآلفات فی البیوت المقيیات فی المكان من الحمام والشاة وأشباهها».^۱

دواجن: حیواناتی که به خانه‌ها انس گرفته و در مکانی اقامت دارند و شامل کبوتر و گوسفند و مانند اینهاست.

صاحب مجمع البحرین نیز چنین نوشته است:

«الدواجن: و هی علی ما قاله أهل اللغة: الشاة التی تعلفها الناس فی منازلهم و كذلك الناقة و الحمام البیوتی».^۲

دواجن: و آن بنا بر آنچه که اهل لغت گفته‌اند: گوسفندی است که مردم در خانه‌هایشان به آن علوفه می‌دهند و همچنین شتر ماده و کبوتر خانگی نیز (جزء دواجن هستند).

پس با چنین تعابیری شمول حکم نسبت به همه جانوران اهلی روشن و مسلم خواهد بود.

این احادیث به وضوح به نکته‌ای مهم تصریح دارند که حیوان دارای احساس بوده و نباید به آن بی‌اهمیت بود.

از دیگر اموری که جزء حواس معنوی است و در روایات مورد تأکید قرار گرفته است، نهی از ذبح حیوانی در مقابل دیدگان حیوانات دیگر

۱. مستند الشیعة ۱۲: ۳۶۹.

۲. مجمع البحرین ۶: ۲۴۵.

است که در بحث ذبح بیان خواهد شد. ولی همین اندازه باید گفت که تأکید اسلام از یک سو نشان دهنده اهمیت این موضوع و از سوی دیگر جلوگیری از آثاری است که بر این امر مترتب می‌شود.

۳-۶. حس وابستگی و پناه آوردن به آدمی

یکی دیگر از اموری که در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام درباره اهمیت دادن به احساس حیوان ذکر شده است، توجه به حس وابستگی و امنیت نزد آدمی است. به عبارت دیگر زمانی که جانوری به انسان پناه آورد، از آن سوء استفاده نشده و حیوان مورد آزار و صدمه قرار نگیرد. از سوی دیگر این مورد با حس وابستگی که در موضوع قبل گفته شد، متفاوت است؛ زیرا در اینجا می‌توان جانوران وحشی را نیز داخل در موضوع نمود. در روایتی از عمار بن موسی چنین آمده است:

عن عمار بن موسی عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الخطاف؛ قال: «لا بأس به هو مما يحل الله لكن كره لأنه استجار بك و أوى منزلک، و کل طیر یستجیر بک فأجره»^۱

عمار گفت از امام صادق علیه‌السلام در مورد پرستو پرسیدم؛ فرمود: اشکالی در خوردن آن نیست آن از پرنده‌هایی است که خداوند حلال نموده است. اما مکروه است زیرا به تو پناه می‌آورد و در منزل تو مأوی

می‌گزیند؛ پس هر پرنده‌ای که به تو پناه آورد، پناهِش ده.^۱

وابستگی بین انسان و حیوان از هزاران سال پیش تا کنون وجود داشته است؛ این امر نه تنها منهی عنه نیست بلکه در مواردی به آن سفارش شده است. عدم توجه به این انس باعث ایذاء جانور می‌باشد. از جمله جانورانی که انس و الفت با آن مستحب محسوب می‌شود، کبوتر است و در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به آن تأکید شده است:

عن أبي سلمة قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «الحمام طير من طيور الأنبياء... الحديث».^۲

ابی سلمه گفت امام صادق علیه السلام فرمود: کبوتر پرنده‌ای از پرندگان پیامبران است....

عن زيد الشحام قال: ذُكِرَتِ الحمام عند أبي عبد الله عليه السلام فقال:

۱. در این روایت امام علیه السلام از خوردن گوشت پرستو نهی نکرده است ولی در روایتی که از خود عمار در بخش دیگری نقل شده است از خوردن آن نهی شده است؛ گرچه دلیل در اینجا برای کراهت پناهندگی و همسایگی با انسان است، ولی در روایت ذیل اینگونه نیست:

عن أبي عبد الله عليه السلام عن الرجل يصيب خطأ في الصحراء أو يصيده أو يأكله؟ فقال: «هو مما يؤكل؟» و عن الزبير يؤكل؟ قال: «لا هو حرام». الاستبصار ۴: ۶۶-۶۷، حدیث ۲. عمار از امام صادق علیه السلام پرسید فردی در صحرا پرستویی را شکار می‌کند، آیا می‌تواند از آن بخورد؟ حضرت فرمود: آیا آن از خوردنی هاست؟ و دوباره از امام پرسید: خرگوش رومی خوردنی است؟ فرمود: نه آن حرام است.

۲. کافی ۶: ۵۴۷، حدیث ۸.

«اتخذوها فی منازلکم - الی أن قال - هی آنس شیء فی البیوت»^۱

زید شحام گفت: نزد امام صادق علیه السلام از کبوتر سخن به میان آمد؛ پس فرمود: آن را در خانه‌هایتان نگهداری نمایید - تا آنکه فرمود - : آن (کبوتر) آنیس‌ترین حیوانات در خانه‌هاست.

فصل هفتم

ارفاق و مدارا با حیوان

۱-۷. رفق در ذبح

در حدیثی از امام باقر علیه السلام وارد شده است که:

أنه قال: «يُرفَقُ بالذبيحة ولا يُعَنَفُ بها قبل الذبح ولا بعده...
الحديث».^۱

از امام باقر علیه السلام منقول است که ایشان فرمود: با ذبیحه (حیوانی که برای ذبح برده می شود) مهربانی می شود و با آن به سختی و زور برخورد نمی شود چه قبل از ذبح و چه بعد از آن....

دو نکته مهم در مورد این حدیث قابل تأمل است:

اولاً: کلمه «ذبيحة» که در کلام امام علیه السلام استعمال شده به چه معناست؟ به عبارت دیگر مقصود امام علیه السلام از این کلمه چه نوع ذبیحه‌ای می تواند باشد؟ چنین به نظر می آید که این لفظ شامل حیوانات حلال

۱. دعائم الاسلام ۲: ۱۳۹، حدیث ۱.

گوشتی است که توسط انسان ذبح شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین باید الف و لام در این لفظ عهد باشد؛ یعنی حیوانات حلال گوشتی که انسان آنها را ذبح کرده و مورد استفاده قرار می‌دهد.

لکن می‌توان چنین نیز برداشت کرد که شامل هر نوع حیوانی باشد که قابلیت تذکيه یا ذبح شدن را داشته باشند. قید ذبح شدن، ماهی‌ها را از محدوده خارج می‌کند؛ چون تذکيه آنها با حیوانات دیگر متفاوت است.

احتمال دیگر نیز چنین است که الف و لام در «الذبيحة» جنس باشد و شامل همه حیوانات شود. حتی اگر غیر مأکول اللحم مانند شیر و گرگ و پرندگان شکاری می‌باشد. دلیل این مطلب نیز می‌تواند قول لغویون باشد که همه حیوانات را مشمول ذبیحه می‌دانند.

البته در کلام برخی از لغویون مانند خلیل به این جمله برخورد می‌کنیم که ذبیحه به گوسفند اطلاق می‌شود.^۱ اما در معنایی که جوهری بیان کرده است، ذبیح به معنای هر مذبوحی است، و ذبیحه مؤنث است.^۲ برخی دیگر نیز ذبیحه را شامل هر حیوانی می‌دانند؛ مانند ازهری که ابن منظور از وی نقل کرده است^۳ و یا طریحی که در مجمع

۱. کتاب العین ۳: ۲۰۲.

۲. الصحاح ۱: ۳۶۲.

۳. لسان العرب ۲: ۴۳۷.

البحرین گفته است:

«الذبح بالكسر: ما يذبح من الحيوان أو معناه»^۱.

ذبح با کسر، آنچه از حیوان ذبح شود یا هم معنای حیوان باشد.

به هر حال آنچه از قول لغویون فهمیده می‌شود اینکه ذبیح و ذبیحه به معنای حیوانی است که ذبح شود و شامل تمام جانورانی است که ذبح در آنها جایز است.

نکته دیگری که در این روایت قابل تأمل است، یافتن معنا و مصداق رفق می‌باشد. زیرا با فهم دقیق این مطلب می‌توان برخوردی هرچه بهتر با جانور داشت. در این باره گفته می‌شود رفق و مدارای بیان شده در حدیث شریف بیانگر چیزی است که در عرف وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه که در عرف مصداق رفق باشد مطلوب شرع خواهد بود. بدین بیان که اگر ما در معنای رفق شک کنیم، می‌توانیم به عرف رجوع کرده و مصادیق آن را بیابیم.

باید متذکر شد که هر چه در عرف مصداق رفق و مدارا باشد، بر حیوانات قابل انطباق نیست. چه بسا امری که در میان مردم به عنوان رفق شناخته شوند ولی در مورد حیوانات نتوان آنها را اجراء کرد. شاید گوش سپردن به حرف دل کسی در عرف، رفق و مهربانی محسوب شود، اما همین کار در رابطه با جانوران نه تنها صدق نکند، بلکه امری

عبث بوده و قابل قبول نباشد. لذا تعریف مذکور بهتر است چنین بیان شود که: «هر چه در عرف مصداق رفق و مهربانی با حیوان بوده باشد، همان رفقی است که در روایت بدان اشاره شده است».

در احادیث اهل بیت علیهم السلام نمونه‌هایی از رفق و مهربانی وجود دارد؛ از آن جمله روایاتی است که نکاتی را قبل از ذبح متذکر شده‌اند:

الف) مشعر به آب دادن به حیوان قبل از ذبح هستند.

ب) از ذبح حیوان در برابر دیدگان حیوان دیگر نهی می‌کنند.

بعد از ذبح هم اموری هستند که باید رعایت شوند:

الف) پوست نکنند تا آنکه سرد شود.

در این باره برخی فقها قائل به تحریم اکل شده‌اند:

مانند شیخ طوسی که در النهایه فرموده است:

«فان سلخت قبل أن تبرد، أو سلخ شیء منها لم یحل أكله».^۱

اگر قبل از سرد شدن کل پوست یا مقداری از آن کنده شود، خوردن

آن حرام است.

همین مطلب در روایتی از محمد بن یحیی چنین آمده است:

قال أبو الحسن الرضا علیه السلام: «إذا ذبحت الشاة و سلخت أو سلخ

شیء منها قبل أن تموت لم یحل أكلها».^۲

۱. النهایة: ۵۸۴.

۲. الکافی ۶: ۲۳۰، حدیث ۸.

امام رضا علیه السلام فرمود: اگر گوسفندی ذبح شود و پوست آن و یا قسمتی

از آن قبل از مردن کنده شود، خوردنش حلال نیست.

(ب) نهی از تنخیع.

(ج) ترک حیوان بعد از ذبح برای جان سپردن و جابجا نکردن آن.

۲-۷. رفق در بهره کشیدن

در مباحث گذشته ذکر شد که حیوانات اهلی نقشی بسیار مفید و اساسی در زندگی بشر داشته‌اند، به گونه‌ای که بدون وجود آنها حیات مادی آدمی با تهدید روبه رو می‌شود. انسان هزاران سال با جانوران برابر سپری کرده و از قدیم الایام مسافرت‌ها و تجارت‌ها همواره توسط حیوانات بارکش بوده است. حتی با پیشرفت تکنولوژی و اختراع ماشین بخار و موتور دیزل، هنوز از این جانوران استفاده می‌شود، به طوری که در پیشرفته ترین ممالک از آنها بهره برده می‌شود.

در گذشته طی مسافت بدون وجود حیوانات بارکش غیر ممکن و یا حداقل دشوار بوده است. لازمه حمل بارهای سنگین و طی کردن مسیرهای طولانی محتاج وجود انواع خاصی از حیوانات بوده و یا در جنگ‌ها سواره نظام متشکل از اسب، شتر و حتی فیل بوده و به این وسیله افراد و آلات جنگی حمل می‌شده‌اند.

این حیوانات، اگرچه اکنون دیگر به این عناوین شناخته نمی‌شوند،

اما هنوز مسیرهایی صعب العبور وجود دارد و در آنها از همین جانوران سود برده می‌شود. در بعضی کشورها با اینکه خدمات رفاهی و انتقال کالا و مسافر با بهترین کیفیت ارائه می‌شود، باز هم اسب به عنوان وسیله نقلیه شناخته می‌شود. از این روی به جرأت می‌توان گفت تا زمانی که این موجودات وجود دارند، احادیث مربوطه نیز کاربرد دارند.

مدارای با حیوان بارکش از حقوق مهمی است که دربارهٔ این حیوانات وارد شده است و فقط خود حیوان مدنظر اسلام بوده است؛ به تعبیر بهتر این امر بدون در نظر گرفتن مسائل دیگر تنها در مورد جسم و روح آنها است که باید بررسی شود.

در احادیث، به صاحب حیوان سفارش شده تا با جانور مدارا نماید تا مبادا رنجیده شود. تفاوتی در این نیست که آن شخص سواره باشد یا باری را بر حیوان حمل نماید. در هر حال این کلام شامل هر دو صورت است:

الف) عن جعفر بن محمد عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله ﷺ: «اللدابة على صاحبها خصال - الى أن قال - ولا يكلفها من المشي الا ما تطيق»^۱.

امام صادق علیه السلام از اجداد طاهرینش و آنان از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند که فرمود: حیوان بر صاحبش حقوقی دارد.... حیوان را به اندازهٔ نیرو و توانش در راه رفتن تکلیف کند.

این حدیث به چند معنا دلالت دارد:

۱. بارکشی بیش از طاقت حیوان ممنوع است؛

۲. مدارا در هنگام سوارکاری؛

۳. حیوانی که برای سوار شدن و باربری نیست نیز مشمول این حکم

است؛ مانند گوسفند و گاو و غیره.

ب) عن علي عليه السلام أنّ رسول الله ﷺ قال: «يجب للدابة على صاحبها

خصال - إلى أن قال - ولا يكلفها من السير ما لا تقدر عليه ...

الحدیث»^۱.

علی عليه السلام از پیامبر ﷺ روایت کرد که فرمود: حیوان بر صاحبش

حقوقی دارد... و آن را بر راه رفتنی که قدرت بر آن را ندارد، اجبار

نکند...

اجازه دادن به حیوان برای استراحت و غذا خوردن نیز در روایات

بیان شده است، البته این امر غیر از تغذیه و دیگر اموری است که در

بحث‌های قبل گذشت.

عن رسول الله ﷺ قال: ان الله تبارك وتعالى يحب الرفق و يعين

عليه فاذا ركبتم الدواب المعجاف فأنزلوها منازلها فان كانت

الأرض مجدبة فأنجوا عليها و ان كانت مخصبة فأنزلوها منازلها»^۲

از پیامبر ﷺ نقل است که فرمود: خداوند متعال مهربانی را دوست

۱. دعائم الاسلام ۱: ۳۴۷.

۲. الفقيه ۲: ۱۸۹، حدیث ۲۴۸۰.

داشته و به آن کمک می‌نماید، پس زمانی که بر حیوانی سوار هستید، آن را در منزل گاهش فرود آورید. اگر زمین خشک و بی‌گیاه است، با شتاب گذر کنید و اگر زمین پر گیاه است، در منزل گاهش فرود آورید.

در واقع این نوع مماشات برای این است که حیوان بتواند با تجدید نیرو به راه خود ادامه دهد. مؤید این روایت، حدیثی از امام باقر علیه السلام است:

عن أبي جعفر عليه السلام: «إذا سرت في أرض خصبة فأرفق بالسير و إذا سرت في أرض مجدبة فعجل بالسير»^۱.

هرگاه بر زمین پر گیاه گذر نمودی، عبوری آرام داشته باشد و هر زمان بر زمینی بی‌آب و علف گذشتی، سریع عبور کن.

جمع بندی

احادیث فوق می‌توانند به چند نکته دلالت داشته باشند:

الف) بارکشی بیش از طاقت حیوان ممنوع است؛

ب) بهره‌کشی از حیوانات دارای شرایط و قواعد اخلاقی و عرفی است؛

ج) حتی حیواناتی که برای بارکشی به کار نمی‌روند می‌توانند مصداقی برای روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام باقر علیه السلام باشند؛ زیرا گذر دادن حیوان از زمین پر گیاه و کم گیاه مورد هر دو نوع حیوان - بارکش و سواری - مورد صدق می‌کند.

بخش سوم

حقوق سلبی

فصل اول

قتل و کشتار

خداوند متعال جانوران را نشانه‌هایی بر وجود خویش و هدفی که در آن کمال انسان تعیین شده بود، آفرید و اجازه استفاده از آنها را به او داد. در عین حال، آدمی با به کارگیری برخی حیوانات جهت انجام کارها و گروهی دیگر برای تغذیه خویش، راه رشد خود را می‌پیماید. اما طمع و گاه نیازهای آدمی وی را بر آن داشت تا با کمک ابزاری که خود ساخته بود، به استفاده بیشتر از نیاز خویش اقدام نماید. گاهی هم به قصد تفریح و تجمل گرایی به شکار و کشتار حیوان روی آورد، که نتیجه آن انقراض نسل گروهی از حیوانات شد.

کشتن حیوان به دو گونه انجام می‌پذیرد؛

۱-۱. کشتار به قصد استفاده عقلانی

مانند استفاده از گوشت و پوست و یا درمان، که همه در صورت عدم

اسراف، مورد تأیید عقل و شرع می‌باشند. این گونه کشتار که معمولاً به صورت ذبح حیوانات اهلی و یا شکار برای رفع گرسنگی و گذران زندگی است، دارای احکامی است که این احکام نشان دهنده اهمیت و بی‌قید و بند نبودن کشتن حیوانات است.

روایاتی در همین زمینه وجود دارند که در بحث ذبح به آن پرداخته شده، ولی در اینجا به صورت مختصر به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: «سألته عن الذبیحة؛ فقال: «استقبل بذبیحتك القبلة و لا تنخمها حتی تموت و لا تأکل من ذبیحة ما لم تذبح من مذبحها.»^۱

محمد بن مسلم گوید در مورد ذبیحه از امام باقر علیه السلام پرسیدم، پس فرمود: ذبیحه خویش را به سوی قبله کن و نخاع آن را تا نمرده قطع نکن و از ذبیحه‌ای که به غیر از محل ذبحش ذبح شده، نخور.

۲. قال الصادق علیه السلام: «کل منحور مذبوح حرام و کل مذبوح منحور حرام.»^۲

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر چه که نحر می‌شود، اگر ذبح شود حرام است و هر چه که ذبح می‌شود اگر نحر شود، حرام است.

۳. عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «لا تذبح الشاة عند الشاة و لا الجزور

۱. الکافی ۶: ۲۲۹، حدیث ۵.

۲. من لا یحضره الفقیه ۲: ۵۰۳، حدیث ۳۰۸۰.

عند الجزور و هو ينظر اليه.^۱

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: گوسفند را پیش گوسفند و شتر را پیش شتر در حالی که به آن نگاه می‌کند، ذبح نمی‌کنند.

۴. عن أبي الحسن الرضا علیه السلام قال: «إذا ذبحت الشاة و سلخت أو سلخ شيء منها قبل أن تموت لم يحل أكلها.»^۲

از امام رضا علیه السلام روایت شد که فرمود: هرگاه گوسفند ذبح شود و پوست کنده شود و یا چیزی از آن قبل از مرگش کنده شود، خوردن آن حلال نیست.

رو به قبله بودن حیوان هنگام ذبح، بریدن سر حیوان به صورتی که در شرع مقدس بیان شده، و ذبح هر حیوانی که باید ذبح شود و نحر حیوانی که باید نحر شود، نکشتن حیوان در مقابل دیدگان حیوان دیگر و نکندن اعضای حیوان قبل از مردن و سرد شدن لاشه، بیان کننده این امر است که نباید بدون قاعده اقدام به کشتن نمود، بلکه حیوان اگر چه برای انسان آفریده شده است، ولی نباید از آن به هر صورت که نفس آدمی می‌خواهد استفاده کرد.

برخی اوقات کشتار برای دفع آفات و ضرری است که توسط جانوری به انسان متوجه است. سم پاشی مزارع، باغها و حتی شهرها برای نابود

۱. الکافی ۶: ۲۳۰، حدیث ۷.

۲. تهذیب الاحکام ۹: ۵۶، حدیث ۲۳۳.

کردن حشرات موذی امری لازم به شمار می‌آید و این امر از موضوع بحث حاضر خارج می‌باشد. در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

«أقذر الذنوب ثلاثة: قتل البهيمة و حبس مهر المرأة و منع الأجير أجره».^۱

بدترین گناهان سه تاست: کشتن حیوان و ندادن مهریه زن و امتناع از پرداخت اجرت فرد اجیر.

آنچه در این روایت باید توضیح داده شود اینکه کشتنی می‌تواند بدترین گناه محسوب شود که بیهوده و بدون غرض عقلایی باشد.

نکته دیگر اینکه گناهی که فرد در از بین بردن حیوان مرتکب می‌شود برابر با گناهی است که شخص از ندادن دستمزد به اجیر مرتکب می‌شود و یا فردی که از پرداخت مهریه زن امتناع می‌ورزد. حرمت ایندو کاملاً روشن است و نیازی به اثبات ندارد و بنابر وحدت سیاق باید حکم این مورد نیز مانند دو مورد دیگر باشد. البته ذکر این نکته لازم است که اثبات اصل روایت و افتاء طبق آن محتاج بررسی سند و روشن شدن ابعاد مختلف مسئله می‌باشد. همانگونه که بیان شد هر کشتاری محذوریت ندارد و پرداخت نکردن مهریه همیشه مستلزم گناه نیست.

۲-۱. کشتار بی دلیل

این نوع از کشتار بیشتر به دلایل واهی مانند تفریح و یا حتی استفاده‌های نا بخردانه انجام می‌گیرد. از جمله، کشتار برای بدست آوردن عاج فیل‌ها، شکار نهنگ یا روباه برای استفاده از پوست آن و غیره. روایاتی در زمینه کشتار وارد شده است که می‌توان قبح کشتار بی دلیل را از آنها استنباط نمود.

عن ابی حمزة الثمالی قال: کانت لابن بتی حمامات فذبحتهن غضباً ثم خرجت الی مکه فدخلت علی ابی جعفر الباقر علیه السلام قبل طلوع الفجر. فلما طلعت رأیت حماماً کثیراً قال قلت: أسأله عن مسائل و أکتب ما یحییی عنها و قلبی متفکر فیما صنعت بالكوفة و ذبحی لتلك الحمامات. فقال لی ابو جعفر علیه السلام: «کان قلبک فی مکان آخر؟» قلت: ای والله و قصصت علیه القصة و حدثته بآئی ذبحتهم. قال: فقال الباقر علیه السلام: «بئس ما صنعت یا ابا حمزة. فتصدق عن کل واحد منهن دیناراً فانک قتلتهن غضباً.»^۱

ابی حمزه ثمالی گوید نوه دختری ام کبوترانی داشت که من از روی عصبانیت آنها را ذبح نمودم. سپس به سوی مکه رهسپار شدم و قبل از طلوع آفتاب بر امام باقر علیه السلام داخل شدم. زمانی که خورشید طلوع کرد کبوتران بسیاری را دیدم و با خود گفتم از امام در مورد مسائلی می‌پرسم و پاسخهایی را که امام می‌دهند می‌نویسم. در این حال در

فکر آن چیزی بودم که در کوفه و ذبح آن کبوتران انجام داده بودم. حضرت به من فرمود: آیا دل تو در جای دیگری است؟ عرض کردم: راست فرمودید؛ پس قصه را برای ایشان بیان کردم و قضیه ذبح را برای ایشان توضیح دادم. ابو حمزه گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: چه عمل بدی انجام دادی ای ابا حمزه. پس در برابر هر کدام از آن کبوتران دیناری صدقه بده زیرا تو آنها را با خشم و غضب کشتی. روشن است که امام علیه السلام کفاره سنگینی مانند این را برای عمل قبیحی لازم می‌دانند.

در روایات دیگری نیز از ذبح بی‌دلیل حیوان نهی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز کشتن حیوان را بدون دلیل ممنوع و قتل آن را تنها برای خوردن جایز دانسته‌اند.^۱ البته این بدان معنا نیست که استفاده‌های دیگر از نظر شرع ممنوع است.

۳-۱. کشتن بیهوده مصداق اسراف

چنانکه سابقاً نیز بیان شد از بین رفتن یک گونه تأثیرت مخربی را بر محیط زیست گذارده و نبود یک حیوان موجب تکثیر و یا نابودی نوعی دیگر می‌شود. استفاده آدمی از موجودات و یا در کل، تمام هستی، مشروط به شرایطی بوده و خداوند متعال به هیچ وجه اجازه

۱. علامه مجلسی می‌فرماید: «نهى النبي صلی الله علیه و آله عن ذبح الحيوان الا لأكله» بحار الأنوار ۶۱: ۸.

زیاده‌روی و یا اسراف را به وی نداده است.^۱ افراط در امور از مسایلی است که در دین اسلام و حتی عقل مسلّم بشری، مذموم محسوب می‌شود. کشتار حیوانات نیز اگر بیهوده بوده و از روی غرض مناسب عقلایی نباشد، به طور قطع اسراف به شمار خواهد آمد.

عن امیر المؤمنین (علیه السلام): «انه قضی فیمن قتل دابة عبثاً أو قطع شجراً أو أفسد ذرعاً أو هدم بیتاً أو غور بئراً أن یغرم قيمة ما استهلك و أفسد و ضرب جلدات نکالاً»^۲

از امیر المؤمنین (علیه السلام) چنین روایت شده است که وی در مورد کسی که جانوری را بیهوده کشد و یا درختی را قطع نماید و زراعتی را نابود سازد و یا خانه‌ای را منهدم کند یا چاهی را بی‌آب گرداند، چنین قضاوت نمودند که قیمت آنچه ضایع یا فاسد نموده است بپردازد و برای عقوبت شلاق بر او زنند.

۴-۱. امر به کشتار و نهی از آن در برخی گونه‌ها

در متون دینی با روایاتی مواجه می‌شویم که در آنها نام برخی از موجودات آمده است. این گونه‌ها به عناوین مختلف و دلایل گوناگون یا مورد حمایت صریح و یا مطرود خوانده شده‌اند. البته گونه‌هایی که از کشتن آنها نهی شده، دارای فوایدی می‌باشند که به راحتی می‌توان به

۱. الانعام (۶): ۱۴۱.

۲. دعائم الاسلام ۲: ۴۲۴، حدیث ۱۴۷۶.

آن پی برد و یا اینکه دارای خصوصیتی هستند که با وجود ذکر آن در روایت، درک و فهم آن برای ما مشکل می‌باشد. در جانوران مطرود و مضر نیز همینگونه است؛ لکن بر خلاف آنچه در مورد اول گفته شد این انواع دارای مضراتی برای انسان و طبیعت هستند.

۱-۴-۱. حیوانات مورد حمایت

الف) پرستو

عن جمیل بن دراج قال سالت ابا عبد الله علیه السلام عن قتل الخطاف او ایدانهم فی الحرم؟ فقال: «لا یقتلن فانی کنت مع علی بن الحسین علیه السلام فرآنی و انا اوذین فقال: یا بنی لا تقتلهن و لا تؤذهن فانهن لا یؤذین شیئاً»^۱

جمیل بن دراج گوید از امام صادق علیه السلام در مورد کشتن پرستو و اذیت نمودن آن در حرم پرسش کردم، پس فرمود: کشته نمی‌شوند؛ من با امام سجاد علیه السلام بودم، او مرا دید در حالی که آنها را اذیت می‌کردم؛ پس فرمود: پسر! آنها را نکش و آزار مرسان زیرا آنها چیزی را آزار نمی‌رسانند.

گرچه روایت فوق مربوط به بحث حرم و احرام است لکن عموم تعلیل ذکر شده در روایت را می‌توان به دیگر مکانها و زمانها سرایت داد. آنجا که امام علیه السلام فرموده است: «فانهن لا یؤذین شیئاً» دلیلی است که عمومیت داشته و شامل همه جاست.

ب) هدهد

عن علی بن جعفر علیه السلام قال: سالت اخي موسى علیه السلام عن الهدهد و قتله و ذبحه فقال: «لا يؤذی و لا یذبح فنعم الطیر هو... الحديث»^۱
 علی بن جعفر گوید از برادر خود امام موسی کاظم در مورد کشتن هدهد و ذبحش سوال نمودم؛ پس فرمود: این پرنده نباید آزار بیند و ذبح شود زیرا که بهترین پرندگان همان است... .

ج) صرد، مورچه، صوام، زنبور عسل

عن سلیمان الجعفری عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن قتل الهدهد و الصرد و الصوام و النحلة»^۲
 سلیمان جعفری از امام رضا علیه السلام روایت نمود که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از کشتن هدهد و صرد^۳ و صوام^۴ و زنبور عسل نهی نمود.
 عن علی بن جعفر علیه السلام عن أخيه موسى بن جعفر علیه السلام قال: سالت عن قتل النملة قال: «لا تقتلها إلا أن تؤذیک»^۵
 علی بن جعفر از برادر خویش امام کاظم علیه السلام درباره کشتن مورچه سوال نمود و ایشان در پاسخ فرمود: آن را نکش مگر اینکه به آزار رسانند.

۱. الکافی ۶: ۲۲۴، حدیث ۲.

۲. الکافی ۶: ۲۲۴، حدیث ۳.

۳. صرد پرنده‌ای با نام علمی *Iosnius excubitor*.

۴. صوام؛ طریحی در تعریف آن گفته است: پرنده‌ای است با رنگ تیره و گردنی بلند که بیشتر در میان نخلها زندگی می‌کند. مجمع البحرین ۶: ۱۰۴.

۵. قرب الاسناد ۲: ۱۲۱.

این گونه روایات نشان می‌دهد که قتل موذی مجاز است و تا وقتی که آزار نرساند، کشته نمی‌شود.

(د) قورباغه

نهی رسول الله ﷺ عن قتل الضفدع.^۱
پیامبر ﷺ از کشتن قورباغه نهی فرمود.

(ه) قنبره

عن سليمان الجعفری عن ابی الحسن الرضا علیه السلام عن ابيه عن جده علیه السلام قال: «لا تأكلوا القنبرة ولا تسبوها ولا تعطوها الصبيان يلعبون بها فانها كثيرة التسبيح لله تعالى و تسبيحها لعن الله مبغضی آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم».^۲
سلیمان از امام رضا علیه السلام و وی از اجداد طاهرینش روایت نمود که فرمودند: قنبره^۳ را نخورید و دشنام ندهید و آن را بدست کودکان ندهید تا با آن بازی کنند؛ زیرا که بسیار تسبیح خدا می‌گویند و تسبیحش این است که لعنت خدا بر دشمنان اهل بیت محمد ﷺ.

(و) شقراق

عن عمار بن موسی عن ابی عبدالله علیه السلام أنه سئل عن الشقراق

۱. المصنف (ابن ابی شیبة) ۵: ۴۶۴، حدیث ۱.

۲. الکافی ۶: ۲۲۵، حدیث ۱.

۳. گونه‌ای گنجشک.

فقال: «كره قتله لحال الحيات... الحديث».^۱

عمار گوید از امام صادق علیه السلام درباره شقراق^۲ سوال شد و فرمود:
كشتن آن به خاطر مارها مكروه است.... .

۱-۴-۲. حیوانات مطرود

الف) موش و كلاغ و افعی و عقرب

حیواناتی که در این مورد ذکر شده اند، همه به نوعی دارای مضراتی هستند. خواه این آسیب به طبیعت باشد و یا انسان. آنچه مهم است ضرری است که از ناحیه این گونه‌ها متوجه آدمی است.

روی حنان بن سدیر عن ابی جعفر علیه السلام قال: أمر رسول الله صلی الله علیه و آله بقتل الفأرة فی الحرم و الافعی و العقرب و الغراب الأبقع ترمیه فان أصبته فأبعده الله عز وجل و كان یسمى الفأرة الفویسقة و قال انها توهی السقاء و تضرم البیت علی أهله.^۳

حنان از امام باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد تا در حرم موش و افعی و عقرب کشته شوند و كلاغ ابقع (دو رنگ سیاه و سفید) را با سنگ بزن پس خدا آن را دور گرداند و موش فاسق

۱. تهذیب الاحکام ۹: ۲۱، حدیث ۸۵.

۲. دهخدا در معنای شقراق گفته است: «مرغی است به قدر فاخته سبز و بد بوی و به فارسی سبزه قبا نامند و در تنکابن کارگر گویند.» فرهنگ دهخدا ۲۹: ۴۴۴.

۳. الفقیه ۲: ۳۶۳، حدیث ۲۷۱۸.

کوچک نام گذاری شده چرا که مشک آب را سوراخ می کند و خانه را با اهلش به آتش کشد.

عن ابی هریره ان النبی ﷺ أمر بقتل الأسودین فی الصلاة: العقرب و الحیة^۱

ابی هریره از پیامبر ﷺ روایت نمود که وی به کشتن دو حیوان سیاه در نماز دستور داد: عقرب و مار.

عن عائشه أن رسول الله ﷺ قال: «الحیة فاسقة و العقرب فاسقة و الفأرة فاسقة و الغراب فاسق»^۲.

عائشه گفت پیامبر ﷺ فرمود: مار، عقرب، موش و کلاغ فاسقند.

علت فاسق خواندن این حیوانات کاملاً روشن است؛ زیرا هر کدام به نوعی باعث آسیب به انسان هستند. ولی کلاغ به دلیل حرام گوشت بودن چنین صفتی را دارد. مؤید این مطلب روایت غیاث است که از امام صادق (ع) نقل کرده است:

«أنه کره أکل الغراب لأنه فاسق»^۳.

خوردن کلاغ مکروه است زیرا فاسق می باشد.

البته کراهت در روایات اعم از کراهت اصطلاحی و حرمت می باشد. نکته دیگر اینکه فسق به معنای خروج چیزی است و در شرع، خروج از

۱. سنن ابن ماجه ۱: ۳۹۴، حدیث ۱۲۴۵.

۲. سنن ابن ماجه ۲: ۱۰۸۲، حدیث ۳۲۴۹.

۳. تهذیب الاحکام ۹: ۱۹، حدیث ۷۴.

اطاعت پروردگار می‌باشد.^۱ چه بسا مراد از فسق در این پرنده مردار خوار بودن آن باشد. «خطابی» نیز معنای فسق در کلاغ را تحریم خوردن گوشت آن بیان نموده است.^۲

ب) سگ عقور

سگ عقور به معنای سگی است که بسیار گزنده است و در حمله خود به انسان و حیوانات دیگر به آنها آسیب می‌رساند.

عن غیاث بن ابراهیم عن ابیه عن ابی عبد الله علیه السلام قال: یقتل المحرم الزنبور و النسر و الاسود الغدر و الذئب و ما خاف أن یعدوا علیه و قال: الکلب العقور هو الذئب.^۳

غیاث بن ابراهیم از پدرش و وی از امام صادق علیه السلام روایت نمود که فرمود: شخص محرم زنبور، کرکس، مار سیاه بزرگ، گرگ و هر آنچه که از یورش آن بر خود می‌ترسد، می‌تواند بکشد و فرمود: سگ گزنده همان گرگ است.

۱. المفردات (راغب اصفهانی): ۶۳۶.

۲. ابن اثیر در النهایة از او نقل نموده است. النهایة فی غریب الحدیث ۳: ۴۴۶.

۳. الکافی ۴: ۳۶۳-۳۶۴، حدیث ۴.

۵-۱. صید

۱-۵-۱. ماهیت صید

یکی از راههای تغذیه بشر و حتی خود حیوانات، شکار جانوران دیگر بوده است. همواره وجود یک هرم غذایی در طبیعت به کنترل محیط زیست کمک نموده است؛ این کنترل با عوامل متعددی انجام یافته است. مثلاً مرگ و میر طبیعی، تولید مثل و مهاجرت از جمله این عوامل می‌باشند. بنابراین صید می‌تواند جزء یکی از عناصر طبیعی برای جلوگیری از رشد بی‌رویه باشد. از سوی دیگر همین عوامل گاه سبب نابودی شود. پس لازم است تا بوسیله قوانینی این امر تحت مراقبت باشد تا شاید از بروز نا هنجاری در طبیعت جلوگیری نمود.

اخلاقی بودن روایات گاه موجب عدم تقنین می‌شود. ولی باید حقوق حیوانات را از اخلاق تبدیل به قانون کرد. به عنوان مثال نسل آهو و دیگر حیوانات در کشور تهدید می‌شود و این به دلیل فقدان قوانین مربوط و عدم ضمانت اجرای مناسب برای این امر است. در مورد پاکی و نجاست و طهارت حقوق وجود دارد ولی در مورد حقوق محیط زیست در رساله‌ها چیزی وجود ندارد که باید وارد شوند.^۱

۱. برگرفته از سخنرانی دکتر سید مصطفی محقق داماد در سمینار روان و رفتار حیوانات در فرهنگستان علوم، سال ۱۳۸۶، پایگاه اینترنتی حکیم مهر www.hakimemehr.ir

۱-۵-۲. اقسام صید

الف) صید تفریحی

صید و شکار از دیر باز یکی از راه‌های کسب درآمد بوده و در ملل و فرهنگ‌های مختلف امری پذیرفته شده است. از زمانی که بشر پا به این جهان نهاد برای یافتن غذا به شکار اقدام نمود. ولی بعد از گذشت قرون متمادی برخی در پی سوء استفاده از این عمل برآمده و جانوران را وسیله‌ای برای تفریح قرار دادند. همین امر موجب کاهش نسل بعضی از جانداران و ازدیاد همراه با ضرر برخی دیگر شد.

فقه‌های شیعه این گونه صید را که صرفاً برای تفریح و بدون ثمر عقلایی است، حرام دانسته‌اند. برخی نیز آن را جزء حقوق حیوانات به شمار آورده‌اند. علامه جعفری در این رابطه گفته است:

«شکار حیوان برای تفریح و بدون احتیاج حرام است؛ به همین جهت

کسی که برای تفریح به شکار می‌رود، سفرش معصیت است و باید

نماز را تمام بخواند.»^۱

از دلایلی که مورد استناد وی می‌باشد می‌توان به آیات و روایات

ذیل اشاره کرد:

دلیل اول:

آیه شریفه: ﴿أَنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱

به تحقیق حرام گردانید خدا بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند، پس هر که به خوردن آنها محتاج شود و از اندازه رمق تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود [که به قدر احتیاج صرف کنند].^۲

در گروهی از احادیث واژه «باغ» به کسی که به عنوان تفریح به شکار می‌رود، تفسیر شده است. حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسید و ایشان فرمودند:

«الباغی باغی الصيد و العادی السارق لیس لهما أن يأکلا المیتة اذا اضطر الیها هی حرام علیهما لیس هی علیهما کما هی علی المسلمین و لیس لهما أن یقصرأ فی الصلاة»^۳

باغی، صیاد است [که از روی تفریح شکار می‌کند] و عادی، سارق می‌باشد؛ این دو حتی اگر مضطر شوند، نمی‌توانند از میت به بخورند (برایشان حرام است) میت بهمانطور که برای دیگر مسلمین حلال می‌شود بر آن دو حلال نیست. آن دو نمی‌توانند نماز را در سفر

۱. بقره (۲): ۱۷۳.

۲. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

۳. الکافی ۳: ۴۳۸، حدیث ۷.

[سفری که در آن برای صید تفریحی رفته اند] شکسته بخوانند.

دلیل دوم: روایات

- ۱- عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام قال: سألته عمن يخرج من أهله بالصقور و البزاة و الكلاب يتنزه الليلة و الليتين و الثلاثة هل يقصر من صلاته أم لا يقصر؟ قال: «انما خرج في هو لا يقصر... الحديث»^۱
- زراره از امام باقر عليه السلام پرسید کسی که خانواده خویش را به مدت چند شب ترک می کند و همراه باز و شاهین و سگان شکاری به هدف تفریح به شکار می رود، آیا نمازش را تمام می خواند یا نه؟ حضرت فرمود: این شخص برای لهو خارج شده و نمازش شکسته نیست....
- ۲- کتب ابن زاذان فروخ الی ابي جعفر الثاني يسأله عن الرجل يركض في الصيد لا يريد بذلك طلب الصيد و انما يريد بذلك التصحیح؟ قال: «لا بأس بذلك إلا للهو»^۲

ابن زاذان فروخ در نامه ای خدمت امام جواد عليه السلام نوشت: فردی بدنبال صید می رود ولی قصد وی شکار نیست و تنها برای سلامتی این کار را انجام می دهد؛ آیا عمل وی درست است؟ امام فرمود: «اشکالی ندارد مگر اینکه برای لهو این کار را انجام دهد».

در روایاتی دیگر از این عمل تعبیر به «لهو»^۱، «در مسیر حق

۱. تهذیب الاحکام ۳: ۲۱۸، حدیث ۴۹.

۲. المحاسن ۲: ۶۲۷، حدیث ۹۴.

۱. وسائل الشیعة ج ۸، ص ۴۷۸، أبواب نماز مسافر، باب ۹.

نبودن»^۱، «زیاده خواهی»^۲ و «مسیر باطل»^۳ شده است و در برخی آن را موجب رشد نفاق در دل دانسته‌اند.^۴ آنچه مسلم است این که روایات بر تحریم این گونه از صید دلالت دارند.

۳- اجماع: از دیگر ادله تحریم، اجماع علما بر این مطلب است.^۵

با مشاهده روایات بدین نتیجه می‌توان رسید که صفت لغویت و یا لهو بودن عمل باعث تحریم شده است؛ چراکه صید به خودی خود حرام نیست. حتی اگر شخصی به عنوان تجارت، تأمین معاش خود و خانواده اقدام به چنین کاری کند، حرام نخواهد بود. در روایتی از امام جواد (علیه السلام) درباره تفسیر آیه مذکور (بقره: ۱۷۳) چنین آمده است:

«العادی: السارق و الباغی الذی یبغی الصيد بطراً أو لهواً لا یعود به علی عیاله لیس لهما أن یأکلا المیتة اذا اضطررا هی حرام علیهما فی حال الاضطرار کما هی حرام علیهما فی حال الاختیار و لیس لهما أن یقصرافا فی صوم و لا صلاة فی سفر... الحدیث»^۱

۱. وسائل الشیعة ج ۸، ص ۴۷۹، أبواب نماز مسافر، باب ۹.

۲. وسائل الشیعة ج ۸، ص ۴۸۰، أبواب نماز مسافر، باب ۹.

۳. همان.

۴. وسائل الشیعة ج ۸، ص ۴۸۱، أبواب نماز مسافر، باب ۹.

۵. از بزرگانی که ادعای اجماع نموده اند، علامه حلی در تذکرة الفقهاء ج ۴، ص ۳۹۹، شهید

ثانی در روض الجنان ج ۲، ص ۱۰۳۵، مقداد سیوری در التنقیح الرائع ج ۱، ص ۲۸۸،

طباطبائی در ریاض المسائل ج ۴، ص ۳۵۴.

۱. الفقیه ۳: ۳۴۴، حدیث ۴۲۱۳.

عادی سارق است و باغی کسی است که با هدف تفریح یا باطل (بی‌هوده) به صید می‌پردازد نه اینکه به دنبال کسب روزی برای خانواده اش باشد. این دو نمی‌توانند در اختیار یا اضطرار از میته بخورند. میته برایشان حرام است. همچنین نمی‌توانند نماز را شکسته خوانده و یا روزه نگیرند.

پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که آنچه سبب تحریم شده است، لهویت، لغویت، عبث بودن و در کل بی‌فایده بودن این عمل است که البته عقل نیز آن را مطرود می‌داند. با این تفصیل می‌توان حرمت صید تفریحی و لغوی را از جمله حقوق حمایت از حیوانات دانست.

ب) صید شرعی

از آنچه در صید تفریحی گفته شد، مشخص می‌شود که صید اگر برای رفع نیاز اعم از خوراک و پوشاک و یا در کل گذران زندگی باشد، می‌تواند صحیح باشد و از نظر شرع اشکالی را دارا نیست. این کلام با آنچه در حفظ نسل گفته می‌شود، در منافات نیست؛ زیرا چه بسا در برخی فصول، وجود شکارچی در محیط زیست لازم بوده و به نوعی کنترل کننده جمعیت صید است.

۱-۵-۳. احکام و اخلاق در صید

برخی از موارد در کتب حدیثی دیده می‌شود که دال بر ممنوعیت

برخی از شکارهاست. در این روایات اموری وجود دارند که مربوط به حقوق حیوان می‌شود:

الف) ممنوعیت شکار حیوان با چیزی بزرگتر از خود صید

عن محمد بن یحیی رفعه قال قال ابو عبدالله علیه السلام: «لا یرمی الصيد بشيء هو أكبر منه».^۱

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: صید با چیزی بزرگتر از خودش، شکار نمی‌شود.

ب) ممنوعیت شکار جوجه پرنده قبل از پرواز

عن الافلح قال: سألت علی بن الحسین علیه السلام عن العصفور یفرخ فی الدار هل تؤخذ فراخه؟ فقال: «لا أن الفرخ فی وکرها فی ذمة الله ما لم یطر...».^۲

افلح از امام سجاد علیه السلام در مورد گنجشکی که در خانه جوجه بدنیا می‌آورد پرسید که آیا می‌توان جوجه اش را برداشت؟ حضرت در پاسخ فرمود: خیر، جوجه در لانه تحت ذمه (ضمانت) خداوند متعال است تا زمانی که به پرواز در آید [در این صورت می‌توان آن را شکار نمود].

نکته مهم در ادامه فرمایش امام است که فرمود:

«و لو أن رجلاً رمی صیداً فی وکره فأصاب الطیر و الفراخ جميعاً

۱. الکافی ۶: ۲۱۱، حدیث ۱۲.

۲. تهذیب الاحکام ۹: ۲۰، حدیث ۸۲.

فانه يأكل الطير و لا يأكل الفراخ و ذلك ان الفراخ ليس بصيد ما لم يطر.^۱

و اگر فردی به پرنده‌ای در لانه اش تیری پرتاب کند و تیر به پرنده و جوجه اش اصابت کند، تنها پرنده قابل خوردن است ولی جوجه آن را نمی‌توان خورد زیرا جوجه تا زمانی که پرواز نکرده، صید محسوب نمی‌شود.

لکن با وجود این امر باز نمی‌توان گفت جوجه پرنده نیز قابلیت تذکیه و استفاده شدن را دارد. امام علیه السلام در ادامه همان حدیث فرموده است:

«و انما تؤخذ بالید و انما یكون صیداً اذا طار».^۲

جوجه پرنده با دست برداشته می‌شود [می‌توان آن را برداشته و استفاده نمود] تنها زمانی صید محسوب می‌شود که پرواز کند.

ج) ممنوعیت شکار حیوانات اهلی

عن الحلبي عن ابي عبد الله عليه السلام في رجل ضرب بسيفه جزوراً أو شاة في غير مذبحتها و قد سمى حين ضرب؟ فقال: «لا يصلح أكل ذبيحة لا تذبح من مذبحتها اذا تعمد ذلك و لم تكن حاله حال اضطرار فأما اذا اضطر اليه و استصعب عليه ما يريد أن يذبح فلا بأس بذلك».^۱

۱. همان.

۲. همان.

۱. الکافی ۶: ۲۳۱-۲۳۲، حدیث ۱.

حلبی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم فردی با شمشیر خود جزور (شتر) و یا گوسفندی را بدون آنکه از مذبحش [جایی که از آنجا حیوان ذبح می‌شود] ببرد، زده است و هنگام زدن نام خدا را بر زبان جاری کرده است؟ حضرت فرمود: خوردن ذبیحه‌ای که از غیر مذبحش، عمداً و بدون اضطرار، ذبح گردیده است، سزاوار نیست. ولی اگر اضطرار باشد و حیوان رمیده باشد و دیگر نتواند آن را از راه شرعی ذبح نماید، اشکالی ندارد.

۱-۶. ذبح

۱-۶-۱. تعریف ذبح

ذبح در لغت به معنای بریدن و یا پاره نمودن حلق حیوان است^۱ و در اصطلاح بریدن چهار رگ اصلی گلوی جاندار را گویند.^۲

دین اسلام برای کمتر درد کشیدن حیوان در هنگام ذبح احکام مختلفی را بیان نموده است. در این بخش سعی بر این است تا گوشه‌ای از تعالیم اسلام را در مورد ذبح حیوانات بیان کنیم. احکامی مانند سفارش به تیز بودن کارد، بریدن رگهای چهارگانه، ممنوعیت تنخیع و غیره که بیانگر رعایت حق حیوانی است که بسیار دقیق و با ملاحظه تمام لوازم می‌باشند.

۱. المفردات (راغب اصفهانی): ۳۲۶.

۲. معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهية ۲: ۱۰۱.

بیان این نکته لازم می‌نماید که کاهش درد تنها یکی از علل حکم به تیز بودن کارد هنگام ذبح است. دلائل دیگری نیز هستند که می‌توان گفت بر ما پوشیده است. البته در این نوشتار در پی بیان احکام ذبح نیستیم، اما تا آنجا که مربوط به حق حیوان مذبوح باشد، ذکر خواهد شد.

۱-۲۶. انواع ذبح

الف) ذبح اضطراری

گاهی ذبح برای نجات حیوان از تعذیب و یا جلوگیری از استفاده دشمن از حیوان اتفاق می‌افتد. عقل حکم می‌کند که وقتی حیوان دچار آسیبی شدید شده است، یا شخص مالک از دادن نفقه خودداری کرده و یا ناتوان است، ذبح صورت گیرد. البته این زمانی است که با ذبح به نفعی دست یافت و یا از درد کشیدن حیوان کاست. چنانکه در مباحث مربوط به نفقه گذشت، در صورت حرام گوشت بودن، حیوان ذبح می‌شود و در صورتی که نجس العین باشد باید راه‌هایی غیر از ذبح را برگزید.^۱

مورد دیگر در مبحث جهاد می‌باشد و آن اینکه در صورت ناتوانی حیوان در زمین دشمن، امر به ذبح حیوان شده است:

عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إذا حُرنت علی أحدکم دابة یعنی اقامت فی أرض العدو أو فی

سبیل الله فلیذبحها و لا یعربها»^۱.

سکونی از امام صادق (ع) نقل کرد که پیامبر (ص) فرمود: هر گاه حیوان شما در سر زمین دشمن زمین گیر شد یعنی در آنجا اقامت نموده و حرکت نکرد، آن را ذبح نمایید و پی نکنید.

پی کردن یکی از عادات زشت جاهلی بوده که اسلام به شدت با آن مبارزه نموده است. پی کردن به معنای «قطع کردن رگ پشت پای حیوان» است.^۲

ب) تنخیع

تنخیع به معنای قطع نخاع حیوان هنگام ذبح است و آن یکی از مواردی است که در ذبح مکروه محسوب می‌شود. شاید دلیل نهی از این عمل فلج شدن ماهیچه‌ها و دیگر اعضای بدن باشد که موجب جلوگیری از خون‌گیری شود. عدم خروج خون باعث رشد باکتری‌ها و در نتیجه فساد گوشت می‌شود. البته این در صورتی است که نهی از تنخیع به همین دلیل تشریع شده باشد. در غیر این صورت نمی‌توان حتی با آزمایشات علمی چنین اعمالی را مجاز دانست.

روایاتی در همین زمینه وارد شده‌اند:

۱. عن محمد بن مسلم قال سألت أبا جعفر (ع) عن الرجل یذبح

۱. الکافی ۵: ۴۹، حدیث ۸.

۲. العین ۲: ۲۹۶.

و لا یسمی؟ قال: «ان كان ناسياً فلا بأس اذا كان مسلماً و كان یحسن أن یدبح و لا ینزع و لا یقطع الرقبة بعد ما یدبح»^۱.
 محمد بن مسلم گوید از امام باقر علیه السلام در مورد مردی پرسیدم که ذبح می‌کند و نام خدا را بر آن نمی‌برد؟ حضرت فرمود: اگر فردی مسلمان بوده و فراموش کرده اشکالی ندارد و باید خوب ذبح نموده و تنخیع نکرده و گردن را بعد از ذبح قطع نکند.

۲. عن الحلبي عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سئل عن الذبيحة تذبح لغير القبلة؟ قال: «لا بأس اذا لم يتعمد - الى أن قال - و لا ینزع و لا یکسر الرقبة حتى تبرد الذبيحة»^۲.

حلبی گوید از امام صادق علیه السلام درباره حیوانی سوال شد که به سوی غیر قبله ذبح شود؛ فرمود: اگر عمدی در کار نباشد، اشکالی وجود ندارد و نباید نخاع را قطع نموده و گردن را بشکند تا زمانی که لاشه سرد شود.

اهمیت این عمل چنان است که در میان متقدمین برخی از فقها قائل به حرمت خوردن این حیوان شده‌اند.^۳

ولی متأخرین قائل به تحریم فعل شده و خوردن قربانی را حرام

۱. الکافی ۶: ۲۳۳، حدیث ۲.

۲. الکافی ۶: ۲۳۳، حدیث ۳.

۳. مانند شیخ طوسی در النهاية: ۵۸۴ و ابن حمزه در الوسيلة: ۳۶۰.

نمی‌دانند.^۱ در میان معاصرین بزرگانی بر این عقیده اند که خوردن گوشت این حیوان مکروه است.^۲

اینکه این بحث را حقوق حیوانات مطرح می‌کنیم به دلیل تغذیه است که متوجه حیوان است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

«إذا أردت أن تذبح ذبيحة فلا تعذب البهيمة أحد الشفرة و استقبل القبلة و لا تنزعها حتى تموت».^۳

هرگاه خواستی تا حیوانی را ذبح نمایی آن را عذاب نده و کارد را تیز کرده، به سمت قبله کن و نخاعش را تا زمانی که نمرده قطع نکن.

۱-۶-۳. احکام و آداب ذبح

الف) نهی از ذبح در منظر حیوانی دیگر

این نکته که آیا حیوانات نیز دارای احساس و درک همانند انسانها می‌باشند، خود مطلب جداگانه‌ای است که نیاز به تحقیقات فراوان دارد. ولی از میان متون روایی درک این مطلب آسان‌تر است. زیرا با تشریع برخی از فرامین و نواهی می‌توان به این عقیده دست یافت که آنها دارای شعور و اراده بوده و احساسات و عواطفی را دارا می‌باشند. ذبح

۱. مانند علامه حلی در مختلف الشیعة ۸: ۳۲۲، مسئله ۳۰.

۲. آیت الله العظمی بهجت، رساله توضیح المسائل، مسئله ۱۳۰۸.

۳. دعائم الاسلام ۲: ۱۷۴.

حیوانی در مقابل حیوانی دیگر یکی از این موارد می باشد که موجب تعذیب جانور می شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

عن غیاث بن ابراهیم عن ابی عبدالله علیه السلام أن أمير المؤمنين علیه السلام قال: «لا تذبح الشاة عند الشاة ولا الجزور عند الجزور و هو ينظر اليه».^۱

غیاث از امام صادق و ایشان از امام علی علیه السلام نقل نموده است که فرمود: گوسفند را نزد گوسفند و شتر را نزد شتر در حالی که به هم نگاه می کنند، ذبح نکنید.

شیخ طوسی همین روایت را به صورتی دیگر روایت نموده است:

«كان لا يذبح الشاة عند الشاة...».^۲

امام علی علیه السلام گوسفند را نزد گوسفند ذبح نمی کرد... .

شیخ این روایت را دلیل بر تحریم این عمل دانسته و فرموده است:

«لا يجوز ذبح شيء من الحيوان صبراً و هو أن يذبح شيئاً و ينظر اليه حيوان آخر».^۳

جایز نیست که حیوانی به صورت صبر سربریده شود و معنای صبر این است که حیوانی ذبح شود در حالی که حیوان دیگری به آن می نگرد.

۱. الکافی ۶: ۲۳۰، حدیث ۷.

۲. تهذیب الاحکام ۹: ۵۶، حدیث ۲۳۲.

۳. النهایة: ۵۸۴.

لغت صبر به معنای نگاه داشتن و بستن برای کشتن است.^۱ بنابراین کشتن حیوانی در منظر حیوان دیگر باعث زجر کشیدن و آزار حیوان است. متأخرین دلالت روایت را بر حرمت مخدوش دانسته و آن را حمل بر کراهت نموده‌اند.^۲ در عین حال برخی از بزرگان نیز با تمسک به دلایل دیگر، حکم تحریم را موجه دانسته‌اند. از آن جمله مرحوم فاضل اصفهانی است که بعد از نقل روایت نوشته است:

«ظاهر النهاية التحريم و الكراهة أولى، لضعف الخبر مع الأصل
الا أن يدخل ذلك في تعذيب الحيوان الناظر فيتحجه التحريم و
ليس ببعيد.»^۳

ظاهر عبارت نهاییه شیخ طوسی تحریم است ولی کراهت اولی است. و حکم کراهت به دلیل ضعیف بودن روایت و همچنین اصل [اباحه] می‌باشد. مگر اینکه موضوع مذکور داخل در تعذیب حیوان شود که در این صورت حکم به حرمت موجه خواهد بود و بعید هم نیست.

تعمیم حکم نسبت به همه حیوانات

سؤال مهمی که در اینجا با آن مواجه می‌شویم این است که آیا حکم مذکور مربوط به حیوانات همجنس است همانگونه که در ظاهر روایت هم

۱. العین ۷: ۱۱۵.

۲. مانند علامه حلی در مختلف الشیعة ۸: ۳۲۴، مسئله ۳۳ و شهید اول در الدروس الشرعیة ۲: ۴۱۶ و محقق اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان ۱۱: ۱۳۳.

۳. کشف اللثام ۹: ۲۳۵.

مشعر به همین است و یا اینکه می‌توان آن را به حیوانات غیر همجنس هم سرایت داد؟ ظاهر کلام شیخ طوسی در نهایی همین معنا را به ذهن متبادر می‌ساخت زیرا وی هیچ گونه تفصیلی قائل نشده بودند.

ظاهر عبارت روایت غیاث بن ابراهیم، کراهت ذبح همجنس در برابر چشمان هم جنس است. همین مطلب در فتاوی فقها نیز وجود دارد.^۱ البته برخی نیز حکم را تعمیم داده و نسبت به هر حیوانی آن را سرایت داده‌اند، بدین ترتیب که سربردن هر حیوانی را در مقابل حیوان دیگر مکروه دانسته‌اند.^۲ البته اثبات اینکه علت کراهت و یا در کل، نهی وارده در روایت، تعذیب می‌باشد، محتاج اثبات شعور و درک برای حیوانات است؛ گرچه چنین دلیلی به تنهایی نمی‌تواند مثبت حرمت باشد.^۳

(ب) تسمیه

تسمیه به معنای بردن نام خدا هنگام ذبح یک حیوان بوده و از شرایط ذبح به شمار می‌رود.

عن الورد بن زید أنه قال لأبي جعفر عليه السلام مسلم ذبح ولم يسم فقال: «لا تأكل ان الله يقول: (فكلوا مما ذكر اسم الله عليه) ولا

۱. الفتاوی المیسرة ۲۷۶.

۲. منهاج الصالحین ۳: ۲۱۸، مسئله ۱۰۷.

۳. دلیل تحریر الوسيلة ۴: ۲۰۷.

تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه.^۱

ورد بن زید به امام باقر علیه السلام عرض کرد مسلمانی ذبح کرد ولی بسم الله نگفت [حکم آن چیست؟] حضرت فرمود: از آن نخور زیرا خدا می‌فرماید: (فکلوا مما ذکر اسم الله علیه) و نخورید از آنچه بر آن اسم خدا برده نشده است.

ج) رو به قبله بودن

هنگام ذبح کردن باید حیوان را رو به قبله نهاد. این حکم نیز یکی دیگر از شرایط ذبح شرعی است.

عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: سألته عن الذبیحة فقال: «استقبل بذبیحتک القبلة».^۲

محمد بن مسلم گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم که ذبیحه را چگونه ذبح می‌کنند؟ فرمود: ذبیحه [قربانی] را رو به قبله ذبح کن....

د) نهی از کندن پوست و اعضاء قبل از سرد شدن لاشه حیوان

یکی از اموری که باعث تعذیب حیوان می‌باشد، کندن پوست و یا قطع اعضای آن قبل از خروج روح است. بیان گردید که یکی از اهداف دین مبین جلوگیری از تعذیب حیوان است. مورد یاد شده از اموری است که موجب تعذیب حیوان است و در این زمینه روایاتی وجود دارند:

۱. تهذیب الاحکام ۹: ۶۹ حدیث ۲۸.

۲. الکافی ۶: ۲۲۹، حدیث ۵.

۱. عن رسول الله ﷺ أنه نهى أن تسليخ البهيمة أو يقطع رأسها حتى تموت...»^۱

از پیامبر ﷺ روایت است که حضرت از اینکه حیوان قبل از موت پوست کنده و یا سرش جدا شود... .

۲. محمد بن یحیی رفعه قال قال ابوالحسن الرضا عليه السلام: «إذا ذبحت الشاة و سليخت أو سليخ شيء منها قبل أن تموت لم يحل أكلها»^۲

محمد بن یحیی با رفع از امام رضا علیه السلام نقل کرد که حضرت فرمود: هرگاه گوسفندی سربریده شود و تمام پوست آن و یا چیزی از آن قبل از اینکه بمیرد، کنده شود خوردنش حلال نمی‌باشد.

این عمل نیز از نظر علمای شیعه محکوم به کراهت می‌باشد. گرچه در میان قدما برخی آن را تحریم نموده اند و حتی خوردن گوشت و یا عضو جدا شده را حرام می‌دانند. از آن جمله شیخ طوسی در مبسوط می‌نویسد: «لا يجوز تقطيع لحمها قبل أن تبرد فان خولف و قطع قبل أن تخرج الروح لا يحل عندنا»^۳

جایز نیست که قبل از سرد شدن لاشه گوشتی از آن کنده شود و اگر مخالفت شده و قبل از خروج روح قطع شود، نزد ما حلال نمی‌باشد.

این کلام شیخ اشاره به وجود اجماع در میان قدما است مؤید این

۱. دعائم الاسلام ۲: ۱۷۵، حدیث ۶۳۰.

۲. الکافی ۶: ۲۳۰، حدیث ۸.

۳. المبسوط ۱: ۳۸۹.

قول، کلام ابن زهره است که بر آن ادعای اجماع نموده است.^۱
متأخرین بر خلاف آنچه از قدما نقل شد، قائل به کراهت شده‌اند.^۲
همین حکم در میان برخی اهل سنت نیز دیده می‌شود.^۳

هـ) تیز کردن چاقو قبل از ذبح

بیان گردید که هدف اسلام از وضع قوانین بیشتر برای رعایت حال آنها و نفی تعذیب است. تیز نمودن کارد هنگام ذبح از دیگر اموری است که مشعر به همین معنا بوده و حتی به صراحت در احادیث ذکر شده است.

روایاتی در کتب حدیثی هستند که ترغیب به این عمل نموده‌اند:

(الف) عن النبی ﷺ: «من ذبح فلیحد شفرته و لیرح ذبیحته»^۴

پیامبر ﷺ هر که اقادم به ذبح می‌کند، کارد خود را تیز نموده و ذبیحه [حیوان] را راحت نماید.

(ب) عن الباقر ﷺ قال: «إذا أردت أن تذبح ذبیحة فلا تعذب البهیمة

و أحد الشفرة و استقبل الذبیحة و لا تنخعها حتی تموت.»^۱

حضرت باقر ﷺ فرمود: هرگاه خواستی حیوانی را ذبح کنی آن را

۱. غنیة النزوع: ۳۹۷.

۲. مانند ابن ادریس در السرائر ۳: ۱۱۰ و علامه حلی در مختلف الشیعة ۸: ۳۶۸، مسئله ۶۳.

۳. مانند حسن بصری، مسند ابن الجعد: ۴۶۸.

۴. دعائم الاسلام ۲: ۱۷۴، حدیث ۶۲۴.

۱. دعائم الاسلام ۲: ۱۷۴، حدیث ۶۲۵.

عذاب نده و چاقو را تیز کن و به سوی قبله کن و قبل از خروج روح نخاعش را قطع نما.

(ج) عن النبی ﷺ: - الى أن قال - فليحذر أحدكم من المثلة وليحد شفرته ولا يعذب البهيمة^۱

از پیامبر ﷺ روایت است که فرمود: بر حذر باشید از مثله و چاقوی خویش را تیز نمایید و حیوان را عذاب ندهید.

تیز کردن چاقو برای رفع اذیت و آزار و یا حداقل کم کردن زجری است که حیوان هنگام ذبح احساس می‌کند. نکته‌ای که در روایات به چشم می‌خورد اولاً در این مورد است که همه افراد در این حکم برابر بوده و فرقی میان مکلفین نیست. ثانیاً راحت کردن حیوان به سرعت هدف اصلی حکم است.

۱-۶-۴. استفاده از روش‌های جدید برای ذبح

با پیشرفت تکنولوژی می‌توان راه‌های دیگری را برای انجام ذبح انتخاب نمود تا حیوان دچار عذاب کمتری شود. این نکته از روایات شیعه و اهل سنت به خوبی استنباط می‌شود که دین مقدس در صدد رفع تعذیب از حیوان می‌باشد. بنابراین سوالی در اینجا مطرح می‌شود و آن اینکه آیا شرع اجازه راه‌های جدید مانند بیهوش نمودن حیوان را قبل از ذبح برای از بین بردن درد، تجویز نموده است؟

۱. دعائم الاسلام ۲: ۱۷۵، حدیث ۶۲۹.

هر فردی این مطلب را تأیید می‌نماید که ذبح دارای درد برای حیوان است و گریزی از آن نیست. بلکه می‌توان با راه‌های مختلف از درد حیوان در هنگام ذبح کاست. یکی از راه کارها می‌تواند استفاده از بیهوشی باشد.

اهل سنت در این زمینه قائل به حلیت، به شرط زنده ماندن حیوان پس از بیهوشی هستند. به عبارت دیگر روش بیهوش نمودن مادامی که قلب از کار نیفتد اشکالی نخواهد داشت. اما تجربه نشان داده است که بی‌هوشی مرغها، ۹۰ درصد این حیوانات طاقت نیاورده و پس از بی‌هوشی جان می‌دهند. در مورد شوک الکتریکی نیز اگر قلب از کار نیفتد اشکالی وجود نخواهد داشت. اما ضربه زدن با کارد یا شلیک گلوله و یا خفه کردن و بیهوشی با گاز دی‌اکسید کربن، هیچ کدام مورد قبول نیستند.^۱ البته برخی از متأخرین شیعه قائل به عدم شرطیت استقرار حیات می‌باشند به گونه‌ای که حیوان یک یا چند روز زنده بماند؛^۱ برخی نیز تنها حیات قبل از ذبح را کافی دانسته و فرموده‌اند: اگر علم به وجود روح در آن باشد، ذبحش صحیح خواهد بود.^۲

۱. دکتر حنفی (عضو شورای علمای عرب) سمینار تخصصی ذبح حلال، آلمان، بررسی روش‌های نوین ذبح از نگاه شرع، سایت خبر آن‌لاین، ۳ مهر ماه ۱۳۹۰.

۱. تحریر الوسیلة ۲: ۱۵۰، منهاج الصالحین ۲: ۳۳۶.

۲. هدایة العباد ۲: ۲۲۰.

فصل دوم

آزار جسمانی

اذیت و آزار در انسان و حیوان به اهداف متعددی می‌تواند انجام گیرد. گاهی این عمل برای ارضای نفس و تفریح صورت گرفته و گاه برای رفع خصومت و عصبانیت انجام می‌شود. برخی مواقع هم به هدف انتفاع از حیوان است. جسم و روح هر دو مدرک درد. رنج بوده و می‌توانند آن را حس کنند. بنابراین زمانی که آزاری متوجه حیوان می‌شود می‌تواند جسم و یا روح آن را متأثر کند.

آزار حیوانات یکی دیگر از موضوعاتی است که مورد توجه شرع مقدس بوده و در مورد آن روایاتی با تفصیل یا اجمال وارد شده است. جسم حیوان زنده دارای سلول‌های گیرنده و مدرک درد است و زمانی که مورد اصابت چیزی و یا صدمه‌ای می‌شوند دچار درد شده و باعث تعذیب می‌شود. دین اسلام برای کاهش چنین اموری برخی احکام و قوانین را تشریع نموده است. این توجه مخصوص همه حیوانات اعم از

حیوانات اهلی و وحشی می‌باشد، گرچه در برخی مواضع حکم جانوران اهلی بیان شده ولی با جستجو در بین احادیث اهل بیت علیهم‌السلام از تعذیب جانوران وحشی هم نهی شده است:

(الف) عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قال: «اتقوا الله فیما خولکم و فی العجم من أموالکم»؛ فقیل له: و ما العجم؟ قال: «الشاة و البقر و الحمام و أشباه ذلك»^۱

از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت است که فرمود: در آنچه به شما اعطا شده و ملک شماست و در مورد عجم از امواتان از خدا بترسید؛ به ایشان عرض شد: عجم چیست؟ فرمود: گوسفند و گاو و کبوتر و مثل آنها. تقوای الهی در مورد آدمی و جانوران می‌تواند به هر چیزی که موجب عدم رضای پروردگار باشد، صدق کند. یکی از این مصادیق حیوانات هستند که عدم آزار رساندن به آنها در انواع اهلی وحشی سفارش شده است.

(ب) عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قال: «الراحون یرحمهم الرحمان ارحموا من فی الأرض یرحمکم من فی السماء»^۲

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: رحمت آورندگان مورد رحمت رحمانند؛ به ساکنان زمین رحم نمایید تا آنکه در آسمان است بر شما رحمت آورد.

برخی از معاصرین روایت فوق را دلالتی بر رحم و شفقت بر آدمیان

۱. الفقیه ۳: ۳۴۹، حدیث ۴۲۲۷.

۲. عوالی اللئالی ۱: ۳۶۱، حدیث ۴۲.

و حیواناتی که به قتل آنها فرمان داده نشده است، می‌دانند.^۱ رحم و شفقت می‌تواند با عدم آزار همراه باشد.

قبلاً در بحث ذبح به برخی از موارد نهی از تعذیب اشاره شد ولی نکاتی نیز هستند که به طور مستقل مطرح شده‌اند.

۱-۲. مُثْلَه

یکی از اعمالی که توسط آدمی در جنگها و غیر آن انجام شده است، مثله می‌باشد و در دین اسلام از آن شدیداً نهی شده است.

ابن اثیر در تعریف «مُثْلَه» گوید:

«أنه نهی عن المثلّة یقال: مثلت بالحيوان أمثلاً به مثلاً، اذا قطعت أطرافه و شَوّهت به و مثلت بالقتیل، اذا جدعت أنفه أو أذنه أو مذاکیره أو شیئاً من أطرافه و الاسم: المثلّة فأما مثل بالتشديد فهو المبالغة»^۲

پیامبر ﷺ از مثله نهی فرمود؛ مثله آن است که اعضای حیوان را قطع کنی و آن را زشت نمایی. و کشته را مثله کنی: هرگاه بینی یا گوش یا آلت و یا چیزی از اعضایش را قطع نمایی، اسم آن مثله است. مَثْل - با تشدید - برای مبالغه می‌باشد.

۱. الاسیر فی الاسلام: ۳۶.

۲. النهایة فی غریب الحدیث ۴: ۲۹۴.

روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است:

(الف) عن رسول الله ﷺ: «أنه نهى عن المثلثة بالحيوان و عن صبر البهائم»^۱.

پیامبر ﷺ از مثله و کشتن همراه شکنجه حیوانات نهی فرمود.

(ب) عن النبی ﷺ قال: «لعن الله من مثل بالحيوان»^۲.

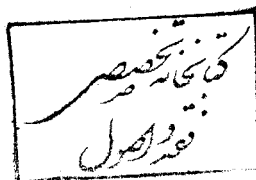
پیامبر ﷺ مثله کننده حیوان را لعن فرمود.

(ج) ابن دأب عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال لابنه الحسن عليه السلام: «يا بني أقتل قاتلي و اياك و المثلثة فان رسول الله ﷺ كرهها و لو بالكلب العقور»^۳.

ابن دأب از امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل کرد که به فرزند بزرگوارش حسن علیه السلام چنین فرمود: ای فرزندم بپرهیز از مثله کردن؛ زیرا پیامبر ﷺ از آن کراهت داشت حتی اگر با سگ گزنده باشد.

جمع بندی

مثله یکی از اعمالی است که در روایات فوق به قباحت آن اشاره شده است. این عمل در حیوان زنده و مرده تفاوتی ندارد. حتی می توان گفت ممنوعیت آن در حیوان زنده به مراتب بیشتر از حیوان مرده باشد.



۱. دعائم الاسلام ۲: ۱۷۵، حدیث ۶۲۸.

۲. عوالی اللئالی ۱: ۱۴۸، حدیث ۹۲.

۳. الاختصاص: ۱۵۰.

انجام چنین عملی گرچه برای تسکین نفس بوده و ممکن است شخص انجام دهنده را از عصبانیت برهاند، ولی عملی وحشیانه به شمار می‌رود.

۲-۲. آتش زدن حیوانات

سوزاندن حیوان و یا هر موجود زنده یکی دیگر از آزارهایی است که بسیار زجر آور است. به همین دلیل عذاب حیوان با این روش مورد نهی قرار گرفته است.

در وصیتی که پیامبر ﷺ به امیر المومنین علیه السلام نموده‌اند، می‌خوانیم:

«نهی رسول الله ﷺ أن يحرق شيء من الحيوان بالنار»^۱

پیامبر ﷺ از سوزاندن حیوانی با آتش نهی فرمود.

البته اغراض متفاوتی می‌تواند در این کار نقش داشته باشد. برخی برای رهایی از آزار حیوان و برخی دیگر برای تعذیب آن اقدام به سوزاندن می‌نمایند. البته اغراض دیگری نیز در این عمل نقش دارند؛ مانند علامت گذاردن بر حیوانات که بیان خواهد شد.

۳-۲. وسم (علامت گذاری)

علامت گذاری بر حیوانات اهلی بیشتر برای شناسایی آنها از هم و جلوگیری از بروز اختلاف میان مالکان انجام می‌گرفته است. روات برای

۱. الفقیه ۴: ۵، حدیث ۴۹۶۸.

اینکه از حکم این موضوع آگاهی داشته باشند، از ائمه علیهم السلام پرسش نموده و آن بزرگواران آنان را راهنمایی فرموده‌اند.

در وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام ایشان از این عمل نهی فرموده است.^۱

در برخی از روایات «وسم» یا علامت گذاری بر روی جانوران با آهن گداخته مجاز شمرده شده است؛ ولی همین جواز با محدودیت‌هایی همراه می‌باشد:

عن یونس بن یعقوب قال قلت لابی عبدالله علیه السلام أَسْمُ الْغَنَمِ فِي وَجُوْهَهَا؟ فَقَالَ: «سَمُهَا فِي آذَانِهَا»^۲

یونس بن یعقوب می‌گوید به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: آیا در صورت گوسفند علامت بگذارم؟ امام فرمود: بر روی گوشش علامت گذار.

شاید بتوان گفت علامت گذاشتن بر گوش حیوان به دلیل درد کمی است که از آن ناشی شده و نسبت به دیگر اعضای بدن بهتر است همچنانکه در انسان هم سوراخ کردن گوش برای وصل گوشواره جاری است.

عن عبدالله بن سنان قال سألت أبا عبدالله علیه السلام عن سَمَةِ الْمَوَاشِي فَقَالَ: «لَا بِأَسْ بِهَا إِلَّا فِي الْوَجْهِ».^۳

۱. الفقيه ۴: ۹، حدیث ۴۹۶۸.

۲. الکافی ۶: ۵۴۵، حدیث ۱.

۳. الکافی ۶: ۵۴۵، حدیث ۲.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام در مورد علامت گذاری بر گوسفندان سؤال کرد؛ حضرت فرمود: اشکالی ندارد مگر اینکه بر صورت باشد.

عن جابر قال: قد رأى رسول الله صلی الله علیه و آله حماراً قد وسم فی وجهه؛ فقال: «أما بلغکم انی لعنت من وسم البهیمة فی وجهها...»^۱
 جابر گوید روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر الاغی می گذشت که بر روی صورتش علامت گذارده بودند؛ پس فرمود: آیا به شما نرسیده است من کسی را که بر روی صورت بهائم علامت گذارد لعنت نموده‌ام؟....

علامت گذاری بر روی حیوانات امروزه با اهداف مختلفی انجام می گیرد که مهم ترین آنها شناسایی حیوان است. امروزه در برخی حیوانات مانند اسب، بجای داغ گذاشتن، از میکروچیپ استفاده می کنند، که بدین وسیله می توان از آزار و اذیت حیوان جلوگیری کرد و شناسایی آن نیز به سهولت امکان پذیر است.
 علامه حلی در بیان این نکته فرموده است:

«یبنی أن توسم فی أصلب موضع و اکشفه لئلا یضر- بالحيوان
 ففی الابل و البقر علی أفضاها و فی الغنم فی أصول أذانها.»^۲
 سزاوار است که علامت بر محلی سخت و عریان باشد تا به حیوان ضرری نرسد و در شتر بر ران آن و در گوسفند بر سر گوش هایش.

۱. سنن ابی داود ۱: ۵۷۸، حدیث ۲۵۶۴.

۲. منتهی المطلب ۸: ۳۱۳.

۲-۴. تجاوز به حیوان

آمیزش انسان با حیوانات، در شرع مقدّس اسلام حرام است و تبعاتی را از جهت احکام حقوقی و کیفری به دنبال دارد.

به جز حقوق و تکالیفی که در این امر، متوجّه انسان می‌شود، از منظر حیوان، آمیزش می‌تواند به عنوان یکی از حقوق سلب شده آن حیوان شود. بدین جهت که اولاً: موجب آزار و اذیت حیوان، جلوگیری از تکثیر نسل او و ایجاد اختلالات روحی و روانی در حیوان شود، که همه اینها توسط دانشمندان اثبات شده است. ثانیاً: با الزام شرع اسلام به کشتن حیوان آمیزش شده، از آن سلب حیات شده و این نیز خود، سلب حق حیات از حیوان، بدون هیچ دلیلی است.

۲-۴-۱. احکام تجاوز به حیوان

۲-۴-۱-۱. تعذیر فاعل

تعذیر به معنای تنبیه کمتر از «حدود» مشخص شده در شرع است. زمانی که فردی مرتکب این چنین اعمالی می‌شود، باعث از بین رفتن قبح آن شده و حرمت این عمل روشن است.

در برخی روایات چنین آمده است:

عن سدير عن ابي جعفر عليه السلام في الرجل يأتي البهيمة - الى أن قال - «و ان كانت مما يركب ظهره أغرم قيمتها و جلد دون الحد و أخرجها من المدينة التي فعل بها فيها الى بلاد أخرى حيث لا

تعرف فیبیعها فیها کیلا یعیّر بها.^۱

سدیر از حضرت باقر علیه السلام در مورد فردی پرسید که با حیوانی جمع گردد.... امام علیه السلام فرمود: اگر از حیواناتی است که بر پشت آن سوار می‌شوند [باربر و غیر مأكول اللحم است] قیمت آن را پرداخته و به پایین‌تر از حد، شلاق می‌خورد. آن را از شهری که در آن این فعل انجام شده خارج نموده و به شهر دیگری می‌برند تا شناخته نشود و در آنجا به فروش می‌رسانند تا مورد عیب جویی واقع نشود.

۲-۱-۴-۲. ذبح و سوزاندن حیوان

در اسلام، حیوانی که مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد، باید سربریده شود و جسم آن بعد از مردن، سوزانده شود. البته بدیهی است که از بین بردن لاشه حیوان بعد از مرگ نشان از مفسده عظیمی دارد که در آن کار وجود دارد. نکته قابل توجه این می‌باشد که این حکم مربوط به حیوان مأكول اللحم بوده و می‌توان آن را در جانور غیر مأكول اللحم جاری نساخت. به این صورت که حیوان مذکور به شهر یا منطقه‌ای دیگر غیر از مکان اقامت حیوان انتقال داده شود تا ناشناس باقی بماند.

در همین زمینه روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده است:

عن سدیر عن ابی جعفر علیه السلام فی الرجل یأتی البهیمه - الی أن قال - «و ان کانت مما یرکب ظهره أغرم قیمتها و جلد دون الحد»

أخرجها من المدينة التي فعل بها فيها الي بلاد أخرى حيث لا تعرف فيبيعها فيها كيلا يعير بها.^۱

سدیر از حضرت باقر علیه السلام در مورد فردی پرسید که با حیوانی جمع گردد.... امام علیه السلام فرمود: اگر از حیواناتی است که بر پشت آن سوار می‌شوند [باربر و غیر مأكول اللحم است] قیمت آن را پرداخته و به پایین‌تر از حد، شلاق می‌خورد. آن را از شهری که در آن این فعل انجام شده خارج نموده و به شهر دیگری می‌برند تا شناخته نشود و در آنجا به فروش می‌رسانند تا مورد عیب جویی واقع نشود.

نکته قابل توجه اینکه امام علیه السلام از عدم معرفی حیوان سخن به میان آورده است تا حیوان مورد آزار و سرزنش دیگران، و یا حتی آزار جنسی از سوی دیگران قرار نگیرد.

حیوان حلال گوشت به دلیل فائده‌ای که برای انسان از جهت خوراک و پوشاک دارد و همیشه از گوشت و پوست و شیر و حتی نسل آنها استفاده می‌شود، لازم است از بین برود تا مفسد موجود در آن به انسان و یا دیگر حیوانات سرایت ننماید.

آیا ذبح لازم است؟

لازم است که حیوان موطوئه (یعنی حیوانی که با آن آمیزش جنسی شده) ذبح شده و از بین برود. در روایات چنین می‌خوانیم:

الف) عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله عليه السلام و الحسين بن خالد عن ابي الحسن الرضا عليه السلام و عن اسحاق بن عمار عن ابي ابراهيم في الرجل يأتي البهيمة فقالوا جميعاً: «ان كانت البهيمة للفاعل ذبحت فاذا ماتت أحرقت بالنار و لم ينتفع بها....»^۱

ابن سنان از امام صادق عليه السلام و ابن خالد از امام رضا عليه السلام و اسحاق از امام موسی کاظم عليه السلام در مورد فردی پرسیدند که با حیوانی جمع شده است؛ همه ائمه سؤال شده فرمودند: اگر حیوان متعلق به فاعل است ذبح می‌شود و وقتی مرد با آتش سوزانده شده و از آن استفاده نمی‌شود....

ب) عن سدير عن أبي جعفر عليه السلام في الرجل بأني البهيمة قال: «يجد دون الحد و يغرم قيمة البهيمة لصاحبها لأنه أفسدها عليه و تذبح و تحرق و تدفن ان كانت مما يؤكل لحمه....»^۲

سدير گوید از امام باقر عليه السلام در مورد مردی پرسیدم که با حیوانی جمع شده است؛ حضرت فرمود: آن شخص به کمتر از حد تعذیر شده و قیمت حیوان را به صاحبش می‌پردازد. زیرا آن را فاسد کرده است. آن حیوان اگر مأكول اللحم باشد ذبح شده، سوزانده و دفن می‌شود....

برخی مانند شهید حکمت‌هایی را برای ذبح و سوزاندن بیان نموده.

وی نوشته است:

«ليس الاحراق عقوبة لها بل الحكمة خفية و الذبح للأمن من

۱. الکافی ۷: ۲۰۴، حدیث ۳.

۲. الکافی ۷: ۲۰۴، حدیث ۱.

شیاع نسلها و الاحراق حذراً من اشتباه لحمها لولاه.^۱

سوزانده شدن عقوبت برای حیوان نیست بلکه به دلیل حکمت پنهانی است که در این حکم است. و ذبح به دلیل امنیت از گسترش نسل آن و سوزاندن برای دوری از اشتباه گوشت آن با دیگر گوشت‌هاست.

البته حکمت‌های دیگری نیز می‌توانند در اینجا وجود داشته باشد؛ مثلاً جلوگیری از بیماری‌های مقاربتی که از انسان به حیوان منتقل می‌شود و بالعکس.

بنابر آنچه در احادیث بیان شد، آیا می‌توان راه‌های دیگری را انتخاب نمود تا حیوان به سبب ذبح دچار عذاب کمتری شود؟ البته استفاده از گوشت و شیر و نسل این حیوانات کاملاً ممنوع و حرام می‌باشد، پس استفاده حلال از آن نمی‌توان برد و هدف این روایات از بین رفتن این لاشه می‌باشد. بنابراین می‌توان از راه‌های دیگری برای کشتن بهره جست.

مثلاً راه‌هایی که تعذیب حیوان را بسیار کم کرده و حتی بدون درد باشد. آن حیوان باید به طریقه ذبح شرعی کشته شود که برای استفاده محله به کار می‌رود نه حیوانی که غرض تنها از بین رفتن آن می‌باشد. شاید اشکال شود که در دو روایت گذشته از فعل «تذبح» استفاده

شده است و با وجود اینکه این گونه از جملات اخباری در مقام انشاء هستند و ظهور در وجوب دارند.

در پاسخ باید گفت اولاً؛ معلوم نیست که جمله خبریه در مقام انشاء باشد و شاید به همان اخباری بودن خود باقی باشد.

ثانیاً؛ در صورتی می‌توان از آن امری را فهمید که در آن حکم به ذبح - به صورت ذبح شرعی - اراده شده که قرینه‌ای در میان نباشد. زیرا با ادله عقلی و نقلی می‌توان فهمید که هدف از بین رفتن حیوان است. بنابراین استفاده از راه‌های دیگر باید بلا مانع باشد. و الله أعلم.

۲-۴-۱. پرداخت غرامت توسط فاعل

در روایات - چنانکه برخی از آنها گذشت - بیان شد که در صورت ملک غیر بودن، قیمت حیوان به مالک آن پرداخت شود و دلیل آن این بود که شخص فاعل، آن را فاسد کرده و دیگر برای مالک امکان استفاده از آن وجود نخواهد داشت.

۲-۵. استفاده غیر متعارف

۲-۵-۱. زدن حیوان

زدن حیوان به چند هدف انجام می‌شود. اگر این ضرب با هدف تفریح و یا از روی عصبانیتی باشد که بدون دلیل باشد، کاملاً قبیح است. گرچه برخی مواقع این عمل با هدفی خاص همچون تأدیب رخ

می‌دهد. در بخش‌های پیشین از تأدیب سخن گفته شد. بیان شد این گونه امور باید با رعایت تمامی جوانب انجام شود.

زدن در صورت

صورت یکی از اعضای مهم بدن و بارزترین آنهاست. در مورد صورت و ارزش آن از نظر شرع مقدس می‌توان به برخی روایات اشاره کرد. در بحث‌های گذشته نهی از علامت گذاری بر صورت بیان شد که بیانگر مهم بودن این عضو است که قابلیت درد و عذاب بیشتری را نسبت به دیگر اعضای بدن دارد.

احادیث مختلفی بر این موضوع دلالت دارند:

(الف) عن ابی عبدالله علیه السلام عن النبی صلی الله علیه و آله قال: «لا تضربوا الدواب

علی وجوهها فانها تسبح بحمد الله»^۱

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرد که ایشان فرمود: بر صورت

حیوانات ننزید زیرا حمد خدا را به جای می‌آورند.

۲-۵-۲. جلوس بر پشت حیوان برای حرف زدن

در روایت بر این امر تأکید شده است که آزار حیوان امری ناپسند است یکی از این امور قرار گرفتن بر پشت حیوان و استفاده از آن به عنوان محلی برای نطق می‌باشد.

۱. الکافی ۶: ۵۳۸، حدیث ۴.

عن السكونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «للدابة علی صاحبها ستة حقوق - الی أن قال - لا یتخذ ظهرها مجالس یتحدث علیها...»^۱
 سکونی از امام صادق علیه السلام چنین روایت نمود که ایشان فرمود: حیوان بر صاحبش حقوقی دارد پشت آن را مجلس قرار ندهد و بر روی آن سخن نگوید.....

عن عمرو بن جمیع عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: - الی أن قال - لا تتخذوا ظهورها مجالس...^۲
 عمرو از حضرت صادق علیه السلام و وی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نمود که فرمود: ... پشت حیوان را مجلس [برای سخنرانی] قرار ندهید.

۲-۵-۳. تفریح غیر اخلاقی

تفریح و بازی با حیوانات به خودی خود نمی تواند مورد اشکال باشد؛ زیرا در شرع اسلام به طور مطلق ممنوع نشده است. بلکه با جستجو در میان احادیث اهل بیت علیهم السلام می توان به برخی از این تعاملات صحه گذارد. نمونه این گونه برخوردها را می توان در سفارش به تربیت اسب^۳ و یا نگهداری کبوتر^۴ و دیگر حیوانات اهلی دید.^۱

۱. الکافی ۶: ۵۳۷، حدیث ۱.

۲. الکافی ۶: ۵۳۹، حدیث ۸.

۳. الکافی ۵: ۵۰، حدیث ۱۳.

۴. الکافی ۶: ۵۴۶، باب الحمام.

۱. وسائل الشیعة ۱۱: ۵۰۸، باب ۲۹ و ۱۱: ۵۳۷، باب ۴۸.

البته بحث ما در اینجا مربوط به تفریح غیر اخلاقی است که موجب آزار حیوان می‌شود. تفریحی که برای برخی استفاده‌ای نداشته و تنها تعذیب حیوان را در بر دارد. نمونه احادیث این موضوع، احادیثی است که از هدف قرار دادن حیوانات (یا به اصطلاح سیل کردن آنها) نهی فرموده‌اند:

عن الراوندی مَرَّ رسول الله ﷺ على قوم نصبوا دجاجة حية و هم يرمونها بالنبل فقال: «من هولاء لعنهم الله؟»^۱

راوندی از پیامبر ﷺ روایت کرد که وی روزی از کنار گروهی می‌گذشت و آنان مرغ زنده‌ای را بر جایی گذارده و با تیر به آن می‌زدند؛ حضرت فرمود: اینها که هستند خدا لعنتشان کند.

عن مجاهد قال: «نهی رسول الله ﷺ أن تصبر البهيمة و نهی عن أكلها»^۲

مجاهد از پیامبر ﷺ روایت کرد که حضرت از صبر حیوانات و خوردن [حیوانی که به این روش کشته شود] نهی فرمود.

«صبر» به معنای هدف قرار دادن حیوان است در حالی که زنده می‌باشد.^۳ حال آن حیوان را به وسیله چاقو و یا تیر بزنند و یا نیزه و غیره. تفریحی که برای از بین بردن و یا آزار حیوانی باشد نمی‌تواند مورد قبول شریعتی باشد که این چنین در مقابل افراد موضع می‌گیرد.

۱. النوادر (راوندی): ۱۷۱.

۲. المصنف (عبدالرزاق) ۴: ۴۵۴، حدیث ۸۴۲۹.

۳. همان.

۲-۵-۴. نهی از بار زدن بیش از نیروی حیوان

حیوانات اهلی برای خدمت به آدمی آفریده شده و استفاده از آن نیز با رعایت اصولی قابل پذیرش می‌باشد. بار زدن بیش از نیروی حیوان یکی از مصادیق سوء استفاده بوده و مورد نهی واقع شده است. هر جسمی به اندازه‌ای می‌تواند تحمل فشار را داشته باشد و در صورت عدم رعایت حال آن از بین رفته و یا حداقل دچار آسیب خواهد شد. در اینجا برخی از احادیث هستند که بر این نکته تأکید نموده و آن را مصداق حقی دانسته‌اند که باید در مورد حیوان به اجرا در آیند.

عن علی علیه السلام أن رسول الله صلی الله علیه و آله نهی أن تحمل الدواب فوق طاقتها...^۱
 علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اینکه بیش از نیروی حیوان بر آن بار نهند نهی فرمود....

عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «للدابة علی صاحبها ستة حقوق لا یحملها فوق طاقتها و لا یتخذ ظهرها مجالس یتحدث علیها...»^۲

سکونی از امام صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود: حیوان بر صاحبش ۶ حق دارد اول اینکه بیش از توانش بر آن بار نهد و پشت حیوان را مجلسی برای سخن گفتن ننماید....

۱. دعائم الاسلام ۱: ۳۴۷.

۲. الکافی ۶: ۵۳۷، حدیث ۱.

۲-۵-۵. نهی از دوشیدن شیر زیاد

قبلاً اشاره شد که استفاده از حیوانات جایز است و برای رفع نیازهای بشر آفریده شده اند تا به اندازه احتیاج و نه بیشتر از آنها سود ببرد. اما جانوران مانند ماشین‌هایی نیستند که بدون توجه به استهلاک مصرف شوند، بلکه موجوداتی با درک و شعورند. در روایتی چنین می‌خوانیم:

عن امیر المومنین علیه السلام أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: «يجب للدابة علی صاحبها ست خصال - الی أن قال - ولا یقف علیها فواقاً»^۱

حیوان بر صاحب خویش ۶ حق دارد ... اینکه آن را پشت سرهم ندوشد.

عکس این مطلب نیز صادق است بدین صورت که اگر ندوشیدن باعث آزار حیوان شود از آن نهی شده است.

علامه جعفری در این رابطه چنین می‌نویسد:

«در صورتی که دوشیدن شیر حیوان ضرری به خود او یا بچه نداشته باشد، دوشیدن واجب است. زیرا در صورت ندوشیدن مال مفید اسراف می‌شود و به هدر می‌رود.»^۲

۲-۵-۶. نهی از به جنگ واداشتن حیوانات

در روایات از به جنگ واداشتن تعبیر به «تحریش» شده است. نه در

۱. دعائم الاسلام ۱: ۳۴۷.

۲. رسائل فقهی ص ۱۱۸.

عرف و نه از نظر شرع نمی‌توان اثری به غیر از آسیب رساندن به حیوانات از این عمل انتظار داشت؛ زیرا غرضی که مفید بودن آن را نشان دهد در دست نیست.

در این باره تفاوتی میان جانور وحشی و اهلی نیست. این عمل می‌تواند بین دو حیوان هم نوع و یا غیر هم نوع صورت گیرد. علت آن هم روشن است؛ زیرا یکی از عوامل ایذاء حیوان به شمار می‌رود. علاوه بر این هیچ فایده‌ای در آن دیده نمی‌شود؛ مگر سگ که استثناء شده است.

عن ابی العباس عن ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن التحریش بین البهائم فقال: «کله مکروه الا الکلاب»^۱.

ابوالعباس از امام صادق علیه السلام درباره تحریش سؤال کرد و حضرت فرمود: همه گونه تحریش مکروه است، مگر در مورد سگان.

عن مسمع کردین قال سألت أبا عبدالله علیه السلام من التحریش بین البهائم فقال: «أکره ذلک کله الا الکلاب»^۲.

مسلم گوید از امام صادق علیه السلام در باره به جنگ واداشتن حیوانات به جنگ باهم پرسیدم و ایشان فرمود: همه آنها را مکروه می‌دارم مگر سگان.

البته در مورد سگ برخی از بزرگان توجیهاتی را بیان کرده اند؛ از

۱. الکافی ۶: ۵۵۳-۵۵۴، حدیث ۱.

۲. الکافی ۶: ۵۵۴، حدیث ۲.

آن جمله می‌توان به کلام علامه مجلسی اشاره کرد. وی می‌نویسد:

«مراد از تحریش سگ، تهییج آن علیه صید است نه تحریش و تحریک سگ بر سگ دیگر.»^۱

ولی می‌توان توجیهات دیگری هم برای این تجویز آورد؛ از آن جمله اینکه تحریک و به جنگ واداشتن آن با سگان دیگر خوی جنگ طلبی آن را در برابر حیوانات درنده مانند گرگ تقویت می‌کند. این امر لازمه سگان گله و نگهبان است. با این حال اگر نظر علامه مجلسی صحیح باشد، تعمیم آن نسبت به وحوش دیگر که مورد استفاده آدمی هستند نیز باید درست باشد. مانند یوز و باز که در شکار استعمال می‌شوند. اما عام بودن روایت مانع از به جنگ واداشتن همه حیوانات غیر از سگ می‌باشد.

علامه جعفری در بحث از حقوق حیوانات می‌گوید:

«وادار کردن حیوانات به جنگ با یکدیگر مکروه است و در صورت اضرار می‌توان گفت حرام است.»^۲

دلیلی که وی در این باره اقامه کرده است، عمومات نهی از تعذیب و آزار جانوران است. همین دلایل می‌تواند در مورد سگ هم موجب ممنوعیت شود. ولی چنانکه دیده می‌شود، سگ به عللی استثناء شده است؛ گرچه همین مورد نیز در صورت فقدان غرض مناسب عقلایی می‌تواند ممنوع شمرده شود. مثلاً در صورتی که به انگیزه تفریح صورت گیرد.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۲۷.

۲. رسائل فقهی ص ۱۱۸.

فصل سوم

برخورد با جانوران موذی

حیوانات همانند اشیایی بی‌روح و بدون شعور نیستند، پس باید به دنبال راهی برای تعامل بهتر با آنها بود، به طوری که نه آدمی با وجود آنان دچار آسیب شود و نه حقوق جانوران بدست وی نادیده گرفته شود. مقصود از این فصل نحوه شناخت و برخورد با جانوران موذی است؛ جانورانی که معمولاً به خاطر دفاع از خود و گاه به اهداف دیگر اقدام به آزار انسان می‌کنند.

قبل از اینکه شرع مقدس در این زمینه امری صادر نماید، عقل انسان خطر جانوران مهلک نظیر مار و عقرب را درک می‌کند. هزاران سال زندگی در میان جانوران اهلی و وحشی و دست و پنجه نرم کردن با حیواناتی که زندگی و محیط زیست انسانی را تهدید می‌کردند، آدمی را بر آن داشته تا راه‌های مختلفی را برای از بین بردن آنها بیابد. چراکه این عقل و تدبیر وی بود که دستور جلوگیری از آسیب‌های این دسته از جانوران را صادر می‌کرد.

ضررهای گوناگون مانند خطر کشته شدن بدست حیوان درنده و یا گزیده شدن توسط خزندگان، بیماریهای مهلک و غیره، راههایی را برای دفع این گونه خطرات می‌طلبید. یکی از آن طرق، کشتن و نابود کردن موجود موزی بود. دین مقدس اسلام نیز بنابر حکم عقل چنین مواردی را جایز می‌داند و سفارشات فراوانی در این زمینه فرموده است. چون این از بدیهیات است که بشر برای دفاع از خود دفع ضرر کند.

۳-۱. شناخت جانوران موزی

شاید نتوان محدوده خاصی برای شناخت حیوانات موزی تعیین کرد، ولی یک قاعده کلی برای این امر وجود دارد و آن معروفیت موجود در بین نوع مردم به عنوان موزی است. اما ناگفته پیداست که گاه جانوری این خصوصیت را ندارد، اما به یک حیوان موزی مبدل می‌گردد؛ مانند گربه‌ای که موزی نیست ولی بعد از سرایت ویروس‌های به بدن آن، تهدید کننده سلامت نه تنها انسان، بلکه جانوران دیگر نیز می‌شود. بدین ترتیب قاعده مذکور استثناء پذیر خواهد بود.

در این مبحث به برخی از حیوانات موزی اشاره خواهد شد و همچنین روایاتی که امر به قتل آنها را در بر دارند، بررسی می‌شوند.

دستورهایی که دین اسلام در زمینه جانوران موزی داده است، تأمل و تحقیق فراوانی را می‌طلبد. چراکه امروزه پژوهش‌های انجام شده در محیط زیست و حتی قبل از آن وجود برخی روایات، حاکی از تقیید

این اوامر می‌باشد. امروزه دانشمندان به این نکته مهم پی برده اند که از بین بردن یک جانور خاص، و خارج شدن آن از چرخه محیط زیست، صدمات جبران ناپذیری را در بر خواهد داشت. چه بسا حیوانی که خروج آن از این چرخه سبب رشد جاندار دیگری شده و تخریب اکولوژی منطقه را موجب شود.

اکنون برای معرفی برخی از جانورانی که می‌توانند مودی باشند و در روایات از آنها نام برده شده، اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. مورچه

مورچه از جمله حشراتی است که در محیط زیست به وفور یافت شده و چه در مکان زندگی انسانها و یا غیر آن بسیار یافت می‌شود. در برخی روایات از مورچه و آزارش نسبت به انسان نام برده شده است.

(الف) عن عبید بن زرارۃ قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام ما تقول فی قتل الذر؟ قال فقال: «أقتلن آذینک أو لم یؤذیک».^۱

وی می‌گوید به حضرت صادق علیه السلام گفتم: در مورد کشتن مورچه ذر^۲ چه می‌گویید؟ فرمود: «آنها را بکش چه تو را آزار رسانند یا اذیتی نداشته باشند.

۱. السرائر ۳: ۵۶۳.

۲. ذر همان مورچه‌های قرمز کوچک می‌باشد. کتاب العین ۸: ۱۷۵ و مجمع البحرین ۳:

(ب) عن عبدالله بن سنان قال قال ابو عبدالله عليه السلام: «لا بأس بقتل النمل آذینک أو لم یوذینک»^۱

عبدالله بن سنان از امام صادق عليه السلام نقل کرد که فرمود: کشتن مورچه - چه آزاری برساند و یا نرساند - اشکال ندارد.

چنانکه مشاهده می‌شود در این روایت از بین بردن مجاز شمرده شده است. لکن در احادیث دیگری این جواز مقید به قیدی شده است و آن آزار رساندن مورچه است.^۲

مانند روایتی که از علی بن جعفر نقل شده است:

عن اخیه موسی بن جعفر عليه السلام قال: سألته عن قتل النملة ایصلح؟ قال: «لا تقتلها الا أن تؤذیک»^۳

از برادر خویش امام کاظم عليه السلام سؤال کرد آیا کشتن مورچه جایز است؟ امام عليه السلام در پاسخ فرمود: آنها را نکش مگر اینکه تو را آزاری برسانند.

احادیث عبید بن زراره و عبدالله بن سنان هر دو مطلق بوده و حالات ایذاء و غیر ایذاء را در بر می‌گیرند ولی روایت علی بن جعفر این قتل تنها زمانی مجاز می‌داند که ضرری از جانب حشره متوجه فرد باشد. بنابراین حمل دو روایت اول به صورت ایذاء بهتر است؛ بدین ترتیب که وقتی موجب آزار باشد از بین بردنش جایز خواهد بود.

۱. همان.

۲. قرب الاسناد ج ۱، ص ۴۰.

۳. قرب الاسناد ۲: ۱۲۱.

می‌توان از راه دیگری نیز اختلاف موجود در احادیث را حل نمود؛ بدین صورت که آن دسته از روایات که از کشتن مورچه نهی می‌کنند، مورچه‌های بزرگ که معمولاً در بیابان زندگی می‌کنند را در نظر داشته‌اند. پس لفظ «الذر» که در روایت عبید بن زراره وارد شده شاهد این مدعا است. بر خلاف مورچه‌های درشت صحرایی که غالباً به انسان آزاری نمی‌رسانند. مؤید این مطلب که نمل مورچه‌های درشت می‌باشند، کلام علامه مجلسی در بحار الأنوار است.^۱

۳-۱-۲. مار

مارها از آن دسته جانورانی هستند که در میان مردم به خطر آفرین بودن مشهورند. کمتر کسی یافت می‌شود که از مهلک بودن سم آنها اطلاع نداشته باشد. این خزنده مسلماً در مواجهه با آدمی برای دفاع از خود اقدام به گزیدن می‌کند، بنابراین از موجودات موذی و مضر به شمار می‌آید. در روایات بسیاری به خطر این جانور اشاره شده و همانگونه که گفته شد از جهت وجوب دفع جانوران موذی امر به قتل آنها شده است. نمونه این احادیث به ترتیب ذیل است:

الف) سأل الحلبي ابا عبد الله عليه السلام عن قتل الحيات فقال: «أقتل كل شيء تجده في البرية الا الجان ونهى عن قتل عوامر البيوت و قال:

لا تدعوهن مخافة تبعاتهن فان اليهود على عهد رسول الله ﷺ قالت: من قتل عامر بيت أصابه كذا و كذا فقال رسول الله ﷺ من تركهن مخافة تبعاتهن فليس مني و انما تتركها لانهما لا تريدك و قال: ربما قتلتهن في بيوتهن.^۱

حلبی از حضرت صادق علیه السلام از قتل مارها سؤال کرد و امام علیه السلام فرمود: «هر چه که در خشکی یافتی بکش مگر جان (نوعی مار سفید رنگ) همچنین وی از قتل مارهایی که به خانه آدمی رفت و آمد دارند نهی کرد؛ [در ادامه امام علیه السلام] فرمود: [مارهایی که به خانه رفت و آمد دارند] از ترس عواقبشان آزاد مگذار [اگر آسیبی رسانند و یا ترس ضرر از آنها باشد، این مارها را هم بکش] زیرا یهودیان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می گفتند: هر کس مارهای خانگی را بکشد، فلان و فلان بر سرش می آید. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس آنها را از ترس تبعات آنها نکشد، از من نیست؛ تو در صورتی این مارها را آزاد بگذار که قصد تو را نکرده باشند [به تو ضرری نرسانند].

(ب) عن الرضا علیه السلام عن علی علیه السلام قال قال النبی صلی الله علیه و آله: «من قتل حية فقد قتل كافراً»^۲

حضرت رضا علیه السلام و وی از پدرانش از امیر المؤمنین علیه السلام و وی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کردند که «هر کس ماری را بکشد کافری را کشته است.

۱. الفقیه ۳: ۳۵۱، حدیث ۴۲۳۴.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام ۱: ۷۰، حدیث ۲۸۴.

ج) عن ابی رافع قال: دخلت علی رسول الله ﷺ و هو نائم أو یوحی الیه و اذا حیه فی جانب البیت - الی أن قال - فاستیقظ فأخبرته خبر الحیه فقال: «أقتلها فقتلتها الحدیث»^۱

ابی رافع گوید روزی نزد رسول اکرم ﷺ رفتم و ایشان خواب بودند و یا وحی بر ایشان نازل می شد، ناگهان ماری را دیدم که در گوشه اتاق بود... پس پیامبر ﷺ بیدار شد و من وی را از وجود مار آگاه ساختم. ایشان امر به کشتن مار کرده و من مار را کشتم.

این ها و اخبار دیگری که از طرق مختلف در کتب حدیثی وارد شده است^۲، امر به کشتن مارها کرده اند. ولی جای یک سؤال باقی می ماند و آن اینکه امروزه ثابت شده است که مارها و حتی می توان گفت همه جانوران به نوعی به تنظیم چرخه محیط زیست کمک می کنند و از بین بردن آنها تبعات گوناگونی را در پی خواهد داشت و در نتیجه ضرر آن دامن گیر خود انسان خواهد بود.

مارها از این قاعده مستثنی نبوده و در کنترل جمعیت برخی موجودات مثل جوندگان نقش مهمی را ایفا می کنند. در این زمینه نیز روایاتی مشاهده می شوند که دفع مارها را مقید به قیودی کرده اند:

عن ابان قال: سئل ابو الحسن علیه السلام عن رجل یقتل الحیه و قال له السائل انه بلغنا أن رسول الله ﷺ قال: من ترکها تخوفاً من تبعتها

۱. رجال النجاشی: ۵.

۲. وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۵۳۶-۵۳۷، باب ۴۷، حدیث ۸-۹.

فلیس منی؛ قال: «ان رسول الله ﷺ قال من ترکها تخوفاً من تبعها

فلیس منی فاما حیه لا تطلبک و لا بأس بترکها.»^۱

ابان می‌گوید از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مار سؤال شد. سؤال

کننده به امام علیه السلام گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما نقل کرده اند که فرمود:

هر کس مارها را از ترس تبعاتشان نکشد از من نیست. امام علیه السلام

فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله این را درباره ماری بیان فرموده که کشتن آنها

عواقب و دنباله دارد در حالی که این ماری است که به تو کاری

ندارد؛ پس اشکالی در نکشتن آنها نیست.

البته می‌توان گفت ظاهراً مقصود از این احادیث مربوط به مارهایی

است که داخل در محیط زندگی آدمی می‌شوند. زیرا مارهایی که در

بیابان و صحرا زندگی می‌کنند، آسیبی به انسان وارد نمی‌کنند.

۲-۳. احتمال ترس و ضرر و تجویز قتل

بیان شد که در برخی از روایات از کشتن مارهای خانگی که به خانه

رفت و آمد دارند، منع شده بود؛ ولی توجه به این نکته لازم است که

همه این موارد در صورت عدم ضرر و ترس از گزیده شدن باشد.

گروهی از اخبار مشعر به این مطلب هستند که صرف ترس و

احتمال خطر از جانب یک حیوان موذی مجوز قتل آن خواهد بود.

مانند روایاتی که در بحث حج وارد شده است:

عن حریز عن ابن عمر عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «کل ما خاف المحرم علی نفسه من السباع و الحیات و غیرها فلیقتله فان لم یُردک فلا تُرده.»^۱

از حریز از کسی که برای وی روایت نموده بود از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: «هر چه محرم بر جان خویش از آن هراس دارد مجاز به کشتن آن است حال چه از درندگان باشد و یا مار و یا غیر آن؛ اما اگر قصد تو را نداشتند، تو نیز قصد کشتن آنها را نکن.

نکته مهم در این روایت این است که اگر در محدوده حرم و یا در حالت احرام شخص اقدام به از بین بردن جانوری مودی نماید که از آن می ترسد و در عین حال عمل وی موجب کفاره و یا گناه نباشد، مسلماً در غیر حرم و حالت احرام چنین خواهد بود.

عن معاویة بن عمار عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «إذا أحرمت فاتق الله قتل الدواب کلها الا الافعی و العقرب و الفأرة فانها توهی السقاء و تُحرق علی أهل البيت - الی أن قال - و الحیة اذا ارادتک فاقتلها فان لم تردک فلا تردها، الحديث.»^۲

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: زمانی که محرم شدی در قتل جانداران از خدا بترس؛ مگر افعی و عقرب و

۱. الکافی ۴: ۳۶۳، حدیث ۱.

۲. الکافی ۴: ۳۶۳، حدیث ۲.

موش چرا که موش مشک را سست و خانه را با اهلش به آتش می‌کشد^۱.... و مار اگر قصد گزش تو را داشت آن را بکش و اگر اراده تو را نداشت رهایش کن.... .

در برخی از احادیث برای نشان دادن اهمیت دفع ضرر موجود مودی، بعضی از آنها را فاسق نام نهاده‌اند. از رسول اکرم ﷺ روایت شده که فرمود: مار و موش و عقرب و کلاغ فاسقند.^۲

مقصود از فسق در حیواناتی مانند موش و مار کاملاً روشن است. البته باید توجه داشت که موشی که این صفت بر آن اطلاق شده است موش‌های خانگی می‌باشند که باعث صدمات و ضررهایی برای آدمی هستند. امروزه در شهرهای بزرگ رشد و گسترش این جونده در فاضلاب‌ها تبدیل به معضلی شده و خطر انتشار بیماری‌های مهلک مانند طاعون، تلاش برای ریشه کنی این جانوران خطرناک را می‌طلبد.

استفاده از لفظ فاسق در مورد کلاغ - چنانکه ابن‌اثیر^۳ و علامه مجلسی^۴ نیز بر همین عقیده‌اند - کنایه از حرام گوشت بودن این پرنده است.

۱. محمد تقی مجلسی چنین نوشته است: موش فثیله چراغ را از سوی دیگر چراغ کشیده و آتش به خانه می‌افتد. لوامع صاحبقرانی ۷: ۶۳۱.

۲. سنن ابن‌ماجة ج ۲، ص ۱۰۸۲، حدیث ۳۲۴۹.

۳. النهایة ج ۳، ص ۴۴۶.

۴. بحار الأنوار ۶۵: ۱۸۳، ذیل حدیث ۳۱.

۳-۱-۳. سگ

در تعبیر اخبار سگ هراش^۱ و یا عقور^۲ از دیگر مواردی است که از بین بردن آنها سفارش شده است. این هم از مصادیق حفظ سلامت اجتماع است که در متون دینی بر آن تأکید شده است.

عن السکونی عن ابی عبد الله علیه السلام قال قال امیر المؤمنین علیه السلام:
«بعثنی رسول الله صلی الله علیه و آله الى المدينة فقال: لا تدع صورة الاحوتها و
لا قبراً الا سويته و لا کلباً الا قتلته»^۳

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله مرا
به مدینه فرستاده و سفارش کردند که هیچ بتی را و امگذار مگر اینکه
آن را از بین ببری و نه قبری مگر اینکه آن را صاف کنی و نه سگی
مگر اینکه آن را بکشی.

مقصود از سگ در اینجا سگ‌های عقور می‌باشند و معمولاً با گزیدن
افراد باعث انتشار بیماری هاری می‌شوند.

عن جعفر عن ابیه عن امیر المومنین علیه السلام قال: «یقتل المحرم ما عدا
علیه من سبع أو غیره - الى أن قال - و ما خاف المحرم أن یعدوا
علیه من السباع و الکلب العقور.»^۴

۱. سگ هراش: یا سگ جنگجو که با سگان دیگر به جنگ مشغول می‌شود.

۲. سگ عقور سگی است که به گزنده بودن مشهور است.

۳. الکافی ۶: ۵۲۸، حدیث ۱۴.

۴. قرب الاسناد ۱: ۶۶.

امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: «محرم [می تواند] هر آنچه که به وی حمله کند، از درندگان یا غیر درنده بکشد... و هر آنچه که محرم بر جان خویش - از درندگان یا سگ گزنده - از آن بیمناک است.

سگی که به آدمی و یا حیوانات دیگر حمله می کند و از حالت طبیعی خارج شده و نیز نشانه های بیماری را داشته باشد، حتماً باید درمان شود. آنچه در حدیث بیان شده است، از بین بردن حیوان است. چراکه در آن روزگار مداوای این بیماری امکان پذیر نبوده است. بنابراین اگر راهی برای درمان و یا مهار جانور وجود داشته باشد، می توان به همان عمل نمود. البته می شود روایت را مخصوص جایی دانست که چاره ای جز این کار نباشد. مثلاً فرد دچار حمله گردد که در این صورت برای دفاع از خود باید اقدام به قتل حیوان نماید.

۳-۱-۴. عقرب

این حشره جزء گزندگانی است که گاه نیش آن موجب مرگ انسان می شود و در روایات جزء جانوران مودّی معرفی شده است. ابی هریره می گوید:

«أن النبی صلی الله علیه و آله أمر بقتل الأسودین فی الصلاة: العقرب و الحية»^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله به کشتن دو جانور سیاه در نماز امر نمودند؛ عقرب و مار.

عن الحسن بن ابی العلاء عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «یقتل المحرم

۱. سنن ابن ماجه ۱: ۳۹۴، حدیث ۱۲۴۵.

الأسود الغدر والأفعى والعقرب، ...»^۱

ابن ابی العلاء در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: شخص محرم [مجازاست] مار سیاه بزرگ و افعی و عقرب را بکشد... عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن الرجل يكون في الصلاة فيرى الحية أو العقرب يقتلها أن أذياه؟ قال: «نعم»^۲ محمد بن مسلم می گوید از امام صادق علیه السلام درباره فردی که در نماز با مار یا عقربی روبه رو شود، پرسیدم که اگر وی را آزار رسانند مجاز به کشتن آنها می باشد؟ حضرت فرمود: بله.

گرچه در روایت ابی هریره به از بین بردن عقرب سیاه امر شده است، ولی این امر اولاً ظاهر در جواز است؛ ثانیاً اینکه رنگ سیاه خصوصیتی می باشد که دلیل بر انحصار نیست. بلکه می شود آن را به دیگر عقرب ها نیز سرایت داد.

گذشته از این کشتن عقرب یا مار چنانکه در حدیث ذکر شده، در صورت آزار رساندن و یا ترس از آسیب است؛ نه اینکه امر دلالت بر نابودی نسل حیوان داشته باشد. در روایت محمد بن مسلم به این موضوع اشاره شده است به طوریکه در صورت آزار جایز دانسته شده است.

۱. تهذیب الاحکام ۵: ۳۶۶، حدیث ۱۸۷.

۲. الکافی ۳: ۳۶۷، حدیث ۱.

۳-۱-۵. موش

این جونده در روستاها، شهرها، بیابانها و جنگل‌ها زندگی می‌کند. جانوری است که از انواع گیاهان تغذیه می‌کند. محصولات کشاورزی همیشه در خطر هجوم موش‌ها بوده و راه‌های بسیاری برای مبارزه با آنها صورت گرفته است. این جونده عامل انتقال بیماری‌های خطرناکی است، که از جمله می‌توان به طاعون اشاره نمود، که میلیون‌ها انسان را به کام مرگ کشانده است.^۱

در احادیث به موش لقب فاسق کوچک^۲ داده شده و این نشان از آزاری است که به مردم می‌رساند است.

عن الحلبي عن ابي عبدالله عليه السلام قال: «يُقْتَلُ فِي الْحَرَمِ وَالْأَحْرَامِ الْأَفْعَى وَالْأَسْوَدُ الْغَدْرُ وَكُلُّ حَيَّةٍ سَوْءٍ وَالْعَقْرَبُ وَالْفَأْرَةُ وَهِيَ الْفُوسِقَةُ...»^۳

حلبی از امام صادق عليه السلام نقل کرده است که فرموده است: افعی، مار سیاه و هر مار بد [سمی و خطرناک] عقرب و موش که فاسق (کوچک) است، کشته می‌شوند....

البته آنچه در روایات به عنوان ضرر موش بیان شده است، آتش

۱. زیست شناسی عمومی: ۲۴۵-۲۴۶.

۲. استفاده از این صفت برای تحقیر بوده است. و احتمالاً صفتی بوده است که مورد استفاده عرب هاست.

۳. الکافی ۴: ۳۶۳، حدیث ۳.

گرفتن خانه است. این حادثه‌ای بوده است که قرن‌ها پیش و به دلیل استفاده از چراغ‌های فتیله‌ای رخ می‌داده است.

عن دارم بن قبیصة عن الرضا علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اطفئوا المصابيح باللیل لا تجرها الفویسقة فتحرق البیت و ما فیهِ»^۱
امام رضا علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده است که فرمود:
چراغها را شب هنگام خاموش کنید تا موش فتیله آن را نکشد و موجب آتش سوزی در خانه نشود.

اکنون دیگر چنین مشکلاتی وجود ندارند، اما دیگر آسیب‌ها به جای خود باقی است. در هر حال با توجه به اهمیت حیوانات برای محیط زیست نمی‌توان منکر نقش آنها در تنظیم چرخه محیط زیست شد؛ پس تجویز از بین بردن خاص زمانی است که ضرری از ناحیه آن متوجه انسان و یا متعلقاتش باشد؛ زیرا دیده می‌شود که همین جونده کوچک چه کمکی به آزمایشات پزشکی و علمی می‌کند.

۳-۳. مقابله با جانوران موذی

در گذشته نیز اشاره شد که اکثر و بلکه همه فقها قائل به جواز قتل جانوران موذی می‌باشند ولی این مطلب چنانکه خواهد آمد، مطلق نبوده و فقط منحصر به زمان آزار و یا وجود ترس و بیم از ضرر آنها

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام ۱: ۷۹-۸۰، حدیث ۳۴۸.

می‌باشد. اطلاق برخی احادیث و همچنین وجوب دفع ضرر و حفظ سلامتی انسان موجب اجماع فقها بر جواز قتل حیوانات موذی شده است. شهید ثانی در مسالک^۱ و نجفی در جواهر الکلام^۲ در این زمینه ادعای اجماع کرده‌اند. در ادامه مباحث گذشته برای اثبات عدم مطلق بودن این روایات و همچنین معقد اجماع، برخی دلایل ذکر می‌شوند:

الف) روایت جمیل بن دراج

عن جمیل بن دراج قال: سالت ابا عبد الله علیه السلام عن قتل الخطاف أو ایذائهن فی الحرم فقال: «لا یقتلن فانی کنت مع علی بن الحسین علیه السلام فرآنی و أنا أوذیهن فقال لی: یا بنی لا تقتلهن و لا تؤذهن فانهن لا یؤذین شیئاً»^۳

جمیل گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم حکم کشتن و آزار پرستو در حرم چیست؟ حضرت فرمود: کشته نمی‌شود [آنها را نکش] زیرا من با علی بن حسین علیه السلام بودم و او مرا دید که پرستوها را آزار می‌دهم؛ پس به من فرمود: ای پسر! آنها را نکش و آزار مرسان چراکه آنها چیزی را اذیت نمی‌نمایند.

در این روایت از قتل و آزار پرستو منع شده است. امام علیه السلام دلیل آن

۱. مسالک الأفهام ۱۵: ۳۷۶.

۲. جواهر الکلام ۴۲: ۱۳۲.

۳. الکافی ۶: ۲۲۴، حدیث ۳.

را فقدان آزار این پرنده برای سلامتی انسان و غیر انسان بیان کرده‌اند. مقدس اردبیلی بعد از نقل حدیث مذکور چنین گفته است:

«روایت دلالت بر منع کشتن حیوان غیر موزی و کشتن حیوان موزی دارد.»^۱

البته می‌توان کلام وی را اینگونه تفسیر کرد که کشتن حیوان موزی در صورت ایذاء جایز است نه اینکه مطلقاً چنین باشد.

ب) روایت علی بن جعفر

عن علی بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام قال: سألته عن قتل النملة قال: «لا تقتلها إلا أن تؤذي»^۲

وی از برادر خویش امام کاظم عليه السلام پرسید که آیا کشتن مورچه کار صحیحی است؟ فرمود: آنها را نکش مگر اینکه تو آزاری رسانند.

ج) روایاتی که در آنها از کشتن بیهوده جانوران نهی شده است.

الف) عن الباقر عليه السلام قال: «من قتل عصفوراً عبثاً أتى الله به يوم القيامة وله صراخ ويقول يا رب! سل هذا فيم قتلني بغير ذنب...»^۳

از حضرت باقر عليه السلام نقل است که فرمود: هر کس گنجشکی را به طور بیهوده بکشد، آن گنجشک روز قیامت با فریاد دادخواهی آمده و

۱. مجمع الفائدة و البرهان ۱۱: ۱۸۲.

۲. قرب الاسناد ۲: ۱۲۱.

۳. دعائم الاسلام ۲: ۱۷۵، حدیث ۶۲۹.

می‌گوید: بار پروردگارا از این شخص پیرس که چرا مرا بدون استفاده کشت... .

واژه عبث و بیهوده گویای این مهم است که از بین بردن جانوری اگر بدون انگیزه عقلایی باشد، جایز نیست. مؤید این مطلب روایات نهی از صید تفریحی است که در آن هیچ انگیزه مناسب عقلایی وجود ندارد.^۱ طریقه استدلال به این احادیث (احادیث ممنوع کننده صید لغوی) اینگونه می‌باشد که دفع ضرر فایده‌ای به شمار می‌آید، در این صورت اگر جانوری که ضرری برای انسان و دیگر موجودات ایجاد نمی‌کند، کشته شود، منفعت و فایده‌ای در این کار وجود نخواهد داشت. در نتیجه احادیث مذکور شامل این کشتن خواهند بود. گرچه این احادیث از شکار تفریحی منع کرده اند ولی این کار با توجه به اینکه ثمره عقلایی ندارد، ممنوع شده است و هر عملی که لغو و عبث باشد مشمول آن احادیث خواهد بود.

عن الصادق علیه السلام قال: «أقذر الذنوب ثلاثة: قتل البهيمة و حبس مهر المرأة و منع الأجير أجره».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: بدترین گناهان سه تا است: کشتن حیوان و مانع شدن از مهریه زن و ندادن دستمزد اجیر.

کشتن حیوانات اگر با مقاصد عقلایی و شرعی انجام پذیرد منعی

۱. وسائل الشیعة ۸: ۴۸۷، أبواب نماز مسافر، باب ۹.

۲. مکارم الاخلاق: ۲۳۷.

ندارد؛ بنابراین مقصود کشتن بدون دلیل است که از مصادیق آن کشتن حیوان بدون آزاری از جانب آن می‌باشد.

د) روایت ابن عباس

عن ابن عباس قال: «نهى النبي ﷺ عن قتل كل ذي روح الا أن يؤذى»^۱

ابن عباس از پیامبر ﷺ روایت کرد که حضرت از کشتن هر جاننداری نهی نمود مگر اینکه موجب آزار باشد.

جمع‌بندی

ملاک شناخت جانور مودّی، عرف است؛ به عبارت دیگر صفت مودّی در صورتی به یک جانور اطلاق می‌شود که آن حیوان در عرف به همان صفت مشهور شده باشد. البته برخی موارد هست که از این قاعده استثناء شده‌اند. مانند ملخ که در عرف به صورت عادی یک جانور مودّی به شمار نمی‌آید؛ ولی بعد از یورش دسته جمعی به مزارع، تبدیل به یک مودّی می‌شود.

با این اشکال دیگر نمی‌توان صدق مودّی بودن را به عنوان یک شرط برای از بین بردن قبول نمود. شاید شرط اساسی در جواز از بین بردن یک حیوان، ایذاء و یا ترس از ضرر باشد، یعنی ملاک در آسیب و بیم از

۱. المعجم الكبير ۱۲: ۹۱، حدیث ۱۲۶۳۹، کنز العمال ۱۵: ۴۰، حدیث ۳۹۹۸۱.

آسیب، شخصی و نسبت به اشخاص، متفاوت باشد. همچنانکه در مناطقی از دنیا مشاهده می‌شود زندگی با بعضی از جانوران خطرناک برای نگهدارندگان آنها، آزار و ضرری محسوب نمی‌شود.

نکته حایز اهمیت دیگر اینکه حیوانات ذکر شده در مباحث گذشته همه به عنوان مثال بوده و دال بر حصر مودیات نیستند. به همین ترتیب کشتن مودی‌ها نیز باید با سنجش موقعیت زیست محیطی صورت گیرد، چراکه گاه این موجودات در خارج محل زندگی انسان هستند و آسیبی به او نمی‌رسانند. همچنین بدون ضرر و یا ترس ضرر نمی‌توان اقدام به کشتن کرد. فقهای شیعه نیز بر همین عقیده اند که از بین بردن جانور مودی تنها در حالت ایذاء جایز است. مرحوم سبزواری فرموده است:

«از گروهی اخبار این نکته فهمیده می‌شود که آزار و کشتن حیوان مطلقاً جایز نیست، مگر اینکه از طرف شارع مجوزی در دست باشد، بلکه حتی در صورت امنیت از آزار و آسیب حیوان نیز کشتن و آزار آن صحیح نیست.»^۱

بعضی همانند شهید ثانی ادعای اجماع بر جواز کشتن حیوان مودی نموده و آورده است:

«ظاهر عبارت فقها بر کشتن گربه مودی و مهاجم، مانند دیگر موجودات مودی است»^۲

۱. مذهب الأحکام: ۴: ۳۵۵-۳۵۶.

۲. مسالک الأفهام: ۱۵: ۳۷۶.

در هر حال کلام وی حمل بر جایی می‌شود که در آن وجود جانور
مؤدی موجب ضرر باشد. در مطالب آتی بیان خواهد شد که از بین
بردن برخی حیوانات وارد آمدن آسیب‌هایی را به محیط زیست به دنبال
خواهد داشت.

بخش چهارم
نقل شبها

هدف از بیان این بخش، وجود برخی از شبهات در مورد حقوق حیوانات است که می‌تواند در ذهن هر کسی باشد. بدین ترتیب که در دنیای کنونی برخی آداب و تعاملات با حیوانات وجود دارد که با آنچه در متون دینی است، متفاوت است. افراط و تفریط در برخورد با جانوران به گونه‌ای است که برخی با افراط اقدام به آزار و قتل آنها کرده و به نوعی مرتکب جنایاتی علیه آنها می‌شوند. گروهی دیگر نیز با نام آزادی و احترام نسبت به حق حیوان مانع استفاده از آنها می‌شوند. از سوی دیگر باید دید آیا حکم شرع نسبت به محدوده حرم و حالت احرام، برای رعایت حقوق حیوانات بوده است یا نه؟

فصل اول

افراط و تفریط در استفاده از حیوانات

۱-۱. افراط

زمانی که از زیاده روی و تفریط سخن به میان می‌آید، نوعی کم‌خردی و عدم تعقل نیز با آن همراه می‌باشد. چون انسان طبعی سرکش داشته و گاه این طبع او را به اعمالی وادار می‌نماید که از حد طبیعی خارج شود. این رفتار چه در برخورد او با هم‌نوعش و چه در تعامل با دنیای اطراف خویش کاملاً مذموم به شمار می‌آید. چنانکه گفته شد این رفتار از جهل و عدم تعقل نشأت می‌گیرد.

افراط در زمینه رفتار با جانوران در گذشته بررسی شد. بدین ترتیب که اسلام از برخوردهای خشونت‌آمیز با آنها نهی کرده و برخی مواقع سوء استفاده از آنها را ممنوع شمرده بود. همچنین بیان شد که استفاده از آنها مطابق قوانین انسانی و با رعایت تمام جوانب جایز می‌باشد.

مسائلی از قبیل منع از به‌جنگ واداشتن، بار زدن بیش از حد، صید

بی رویه، مکروهات ذبح و نهی از آزار جسمانی همه در بر دارنده حکم به تعامل هر چه بهتر با حیوانات هستند. اگر این قوانین رعایت شده و حتی قوانین گسترده‌تر و جامع‌تری وضع شود راه برای جلوگیری از آزار و حتی کشتار بیرحمانه گرفته خواهد شد.

۲-۱. تفریط

تفریط نیز از دیگر اموری است که در مورد حیوانات رخ داده و سابقه چند هزار ساله دارد. گروهی به زعم احترام و برخی دیگر برای تقدس و پرستش از حیوانات استفاده نکرده و حتی تحریم نموده‌اند. اینکه برای حیوانات حقوقی در نظر گرفته شود و یا حفاظتی از آنها به عمل آید، ادای حقی است که بر گرده آدمی است. اما نباید از حدودی بالاتر رفته و مقامی هم شأن انسان برای آنها قائل شد. خداوند متعال در پاسخ به کسانی که استفاده از حیوانات را حرام می‌شمردند چنین فرموده است:

«مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا لِكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۱

خدا برای بحیره و سائبه و وصیله و حام حکمی مقرر نفرموده و لیکن کافران بر خدا دروغ بستند چه آنکه بیشتر آنها عقل را کار نمی‌بندند.

بحیره به شتری گفته می‌شد که پنج بچه به دنیا آورد و آخرین بچه آن نر باشد، گوش آن شتر را می‌شکافتند و سوار شدن بر آن را ممنوع می‌کردند. سائبه نیز مانند بحیره بوده است. وصیله گوسفندی است که بره نری به دنیا می‌آورد و آن را برای بت‌های خود قربانی می‌کردند. حام شتری بوده است که ده بچه به دنیا می‌آورد و مشرکان سوار شدن بر پشت آن را حرام دانسته، حتی بار زدن بر پشت آن شتر در میان اعراب جاهلی ممنوع محسوب می‌شد.^۱

این امور نشان دهنده تفریط در استفاده از نعمات الهی است که در میان مشرکین عرب جاری بوده است. کاملاً واضح است که افراط در احترام به حیوان در حد دروغ بستن به خداوند متعال می‌باشد. امروزه در برخی ادیان و جوامع متمدن تا آن حد پیش رفته اند که به بهانه رعایت حقوق حیوانات از خوردن گوشت آنها خودداری می‌کنند. آیه شریفه مذکور با سلب تعقل از این افراد، آنها را جاهل می‌داند.

آفرینش حیوانات برای استفاده بشر می‌باشد تا بوسیله آنها استعدادهای خدادادی خود را شکوفا کند. با این حال اگر استفاده از آنها موجب رسیدن آسیبی به محیط زیست شود، از آن کار نهی شده است. همچنین افراط و سوء استفاده بنابر دلایل و روایاتی که در مباحث آینده بیان می‌شود، ممنوع است.

۳-۱. گیاه خواران و گیاه خواری

گروهی موسوم به وگن^۱ در پی ادای حق جانوران بوده و تنها راه آن را آزاد گذاردن حیوانات می‌دانند. شعار اصلی آنها عدالت برای تمام جانداران اعم از انسان و غیر انسان است و در این زمینه تلاش بسیاری نموده و دلائل مختلفی ارائه کرده‌اند. از آن جمله:

(الف) در طبیعت آن دسته از پستانداران که آب را هنگام نوشیدن لیس می‌زنند، مثل گربه و ببر و گرگ و ... گوشتخوار می‌باشند. در حالی که انسان آب را هنگام خوردن می‌مکد و این مخصوص گیاه خواران می‌باشد.

(ب) انسان و بقیه گیاهخواران قادرند آرواره پایین خود را بدون تکان دادن سر علاوه بر بالا و پایین به طرفین نیز تکان دهند. در حالی که گوشخواران از حرکت فک به طرفین عاجزند.

(ج) طول روده گوشتخواران به علت قابلیت فساد پذیری سریع گوشت کوتاه است در حالی که گیاهخواران دارای روده بلند می‌باشند.

(د) دستهای انسان همانند گیاه خواران برای دریدن ساخته نشده است.

(ه) انسان می‌تواند به راحتی گوشت را از رژیم غذایی خود حذف کند ولی نمی‌تواند غذای طبیعی خود را که گیاهان می‌باشند حذف نماید.^۲

اینها به همراه ادله دیگری که در این راستا قرار دارند، دلایل این

۱. vegan.

۲. برگرفته از سایت انجمن گیاه خواران ایران.

گروه را تشکیل می‌دهند. البته برخی از بزرگان معاصر علاوه بر آنچه گفته شد، پرهیز از خوردن گوشت و یا در کل محصولات حیوانی را سبب تقسیم عادلانه مواد غذایی در میان انسانها و در نتیجه ریشه کنی فقر و گرسنگی دانسته‌اند.^۱

نمی‌توان با چنین دلائلی گیاه خوار بودن آدمی را اثبات نمود. چه بسا حیواناتی که در اصل گوشت‌خوار بوده ولی اقدام به گیاه خواری نمایند. از سوی دیگر عکس این مطلب در مورد گیاه خواران نیز صدق می‌نماید.

در پاسخ به این دلائل باید متذکر شد که بدن انسان با پیچیدگی‌های بسیار محتاج تأمین کالری و حفظ سلامتی خویش برای ادامه زندگی است و در واقع برای رسیدن به آن باید تمامی الکترولیت‌ها، آب، ویتامین‌ها و چربی‌ها و پروتئین‌ها و املاح را به دست آورد. پس باید از همه گروه‌های غذایی استفاده کند. البته رعایت اعتدال در این زمینه نقش مهمی داراست. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز با تأکید بر اینکه خوردن گوشت مفید است، خوردن آن را سفارش کرده اند:

عن هشام بن سالم عن ابی عبدالله علیه‌السلام قال: «اللحم ینبت اللحم و من ترکه أربعین يوماً ساء خُلُقُهُ و من ساء خُلُقُهُ فأذْنبوا فی أذنه.»^۲
هشام از امام صادق علیه‌السلام نقل کرد که فرمود: گوشت باعث رشد

۱. پیتر سینگر، آزادی حیوانات.

۲. الکافی ۶: ۳۰۹، حدیث ۱.

گوشت در بدن می‌شود و هر کس آن را چهل روز ترک کند
اخلاقش زشت می‌شود و هر کس اخلاقش زشت شد، در گوشش
اذان بخوانید.

منابع گیاهی جایگزین مناسبی نیستند. زیرا بالاترین میزان جذب
آهن از یک ماده غذایی با پایه گیاهی ۷ تا ۱۰ درصد است. در حالی که
۲۰ تا ۱۵ درصد آهن موجود در منابع حیوانی پس از ورود به بدن
جذب می‌شوند. به همین دلیل توصیه دشه است که افراد حتی میزان
کمی گوشت در وعده‌های غذایی روزانه شان بگنجانند.

البته این سخن که باید عدالت رعایت شود کلام صحیحی است و
یکی از راه‌های رسیدن به آن کمتر مصرف نمودن غذاهای حیوانی برای
مبارزه با فقر و گرسنگی می‌باشد.

فصل دوم

حرم و احرام

از دیگر مواردی که با حقوق جانوران در ارتباط است، صید در حج است. در موسم حج و عمره آدمی به ریاضت مشروع الهی دست می‌زند و به نظر می‌رسد که تحریم صید در حال احرام به همین دلیل باشد.

از سوی دیگر اگر شکار کردن برای زوَّار خانه خدا کار مشروعی بود، این همه رفت و آمدی که هر سال به این سرزمین‌های مقدس می‌شود، نسل بسیاری از جانوران در آن منطقه که به حکم خشکی و کم آبی حیواناتش نیز کم است، برچیده می‌شد؛ و این دستور نوعی حفاظت و ضمانت برای بقای نسل حیوانات آن منطقه است. مخصوصاً با توجه به اینکه در غیر حال احرام هم شکار حرام و همچنین کندن درختان و گیاهان آن جا ممنوع است.

روشن می‌شود که این دستور ارتباط نزدیکی با مسئله حفظ محیط زیست و نگهداری گیاهان و جانوران آن منطقه از نابودی و فنا دارد. این

حکم به قدری دقیق تشریح شده که حتی کمک کردن و نشان دادن و ارائه صید به صیاد نیز تحریم شده است.^۱

احکام حج و برخورد اسلام با موضوع شکار و حرمت آن در حال احرام یا در محدوده حرم، گویای آن است که این حکم خاص بوده و محدود می‌باشد. به عبارت دیگر قیاس آن با خارج از منطقه حرم و یا حالتی غیر از احرام اشتباه می‌نماید. در هر حال این احکام در سه جهت وضع شده‌اند:

۲-۱. به خاطر خود حیوان

خداوند متعال در قرآن فرموده است:

«فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»^۲

در آن خانه آیات ربوبیت هویدا است، مقام ابراهیم [خلیل] است هر که در آنجا داخل شود ایمن باشد.

در روایات هم شواهدی بر این مدعا که حیوانات از امنیت برخوردارند، وجود دارد.

یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السلام درباره فردی پرسید که درب خانه را بر روی یکی از کبوتران و یا جوجه یا تخم پرنده حرم ببندد؛ حضرت

۱. تفسیر نمونه ج ۵، ص ۸۸.

۲. آل عمران (۳): ۹۷.

فرمود: «اگر قبل از احرام بر روی آن پرنده درب را بسته، در قبال هر پرنده باید درهمی بپردازد....»^۱

علی بن جعفر از برادر خود امام موسی کاظم علیه السلام پرسید، اگر کبوتر حرم در خارج حرم شکار شود، چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: کبوتر حرم هر کجا باشد، اگر شناخته شود که کبوتر حرم است، نباید شکار شود.^۲
روایات فراوانی در این وجود دارند که برای اطلاع بیشتر می‌توان به کتب حدیثی مراجعه نمود.^۳

۲-۲. به خاطر حالت احرام

خداوند متعال در قرآن فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ»^۴.

ای مؤمنان در حال احرام صید را نکشید.

«حُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا»^۵.

صید بیابان تا زمانی که محرم هستید حرام است.

همچنین در روایات متعددی از خوردن گوشت حیوان صید شده در

۱. تهذیب الأحکام ج ۵، ص ۳۸۹، حدیث ۱۲۱۶.

۲. تهذیب الأحکام ج ۵، ص ۳۸۷، حدیث ۱۲۰۹.

۳. وسائل الشیعة ج ۱۳، أبواب کفارات صید، بابهای ۱۴، ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۲.

۴. مائده (۵): ۹۵.

۵. مائده (۵): ۹۶.

حرم توسط محرم نهی شده است:

عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لا تستحلن شيئاً من الصيد و أنت حرام ولا وانت حلال في الحرم، الحديث»^۱
 حلبی از حضرت صادق عليه السلام روایت کرد که فرمود: هرگز چیزی از صید را بر خود حلال شمار در حالی که محرم هستی و یا محل هستی و در حرم قرار داری... .

۳-۲. به خاطر حرم

در این مورد نیز می‌توان به آیه ۹۷ سوره آل عمران استناد نمود. همچنین آیه ۶۷ سوره عنکبوت که فرموده است:

«أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ».

آیا کافران [اهل مکه] ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم، در صورتی که اطرافشان مردم ضعیف را به قتل و غارت می‌ربایند؟ آیا [با این نعمت بزرگ امنیت] باز به باطل می‌گروند و به نعمت حق کافر می‌شوند.

نتیجه:

با مباحثی که در فصول قبل بیان شد توجه به این نکته خود را به خوبی نشان می‌دهد که لازم است تا به حقوق حیوانات به عنوان اعضای از کره خاکی رسیدگی شده و آنها را نه به عنوان موجوداتی که مانند اشیاء هستند بلکه به عنوان موجوداتی با شعور قبول کنیم و سعی و کوشش خود را برای حفظ و نجات گونه‌های مختلف به کار ببریم.

دین اسلام همانگونه که از آزار جانوران منع کرده و از کشتار بدون دلیل عقلانی نهی کرده است به همان اندازه نیز تفریط و عدم استفاده را محکوم می‌نماید. بشر نیز به عنوان یک حیوان ناطق که دارای حیات و ممات مادی است جزئی از این چرخه محسوب شده و نیازمند برآوردن احتیاجات مادی خود می‌باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه، امام امير المومنين عليه السلام، گردآوری: سيد رضی، محمد بن حسين، م ۴۰۶ق، موسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق.

منابع عربی

۲. الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، طوسی، محمد بن حسن، م ۴۶۰ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۳. الاسير في الاسلام، ميانجی، احمد، م ۱۴۲۱ق، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.

۴. الاختصاص، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، م ۴۱۳ق، نشر جامعه مدرسين، قم.

۵. الامالی، طوسی، محمد بن حسن، م ۴۶۰ق، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.

۶. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، م ۱۱۱۱ق، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۹۰ق.

۷. تحرير الوسيلة، خمینی، سيد روح الله موسوی، م ۱۴۰۶ق، موسسه دار العلم، قم.

۸. تذکرة الفقهاء، حلی، حسن بن یوسف، م ۷۲۶ق، موسسة الامام الصادق عليه السلام، ۱۴۲۱ق.
۹. التنقيح الرائع لمختصر النافع، سیوری، مقداد بن عبدالله، م ۸۲۶ق، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۰. تهذيب الاحكام في شرح المقنعة، طوسی، محمد بن حسن، م ۴۶۰ق، دار الكتب الاسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۱۱. توضیح المسائل (المحشى)، خمینی، سید روح الله موسوی، م ۱۴۰۹ق، موسسة النشر السلامی، قم، ۱۴۲۴ق.
۱۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، م ۳۸۱ق، موسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۳. الجامع للشرائع، حلی، یحیی بن سعید، م ۶۸۹ق، موسسه سید الشهداء عليه السلام العلمیه، قم، ۱۴۰۶ق.
۱۴. جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، خوانساری، سید احمد، م ۱۴۰۵ق، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۵ق.
۱۵. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، نجفی، محمد حسن، م ۱۲۶۶ق، دار الكتب الاسلامية، ۱۳۷۳ش.
۱۶. حاشیه مختصر النافع، عاملی، زین الدین بن علی، م ۹۶۶ق، دفتر تبلیغات اسلامی، قم. بیتا.
۱۷. الخصال، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، م ۳۸۱ق، موسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۶ق.
۱۸. الدروس الشرعية فی فقه الامامیه، عاملی، محمد بن مکی، م

- ٧٨٦ق، موسسه نشر اسلامى، قم، ١٤١٧ق.
- ١٩ دليل تحرير الوسيلة، سيفى، على اكبر، دار الصفوة، بيروت، ١٤١٥ق.
- ٢٠ دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام، تميمى، نعمان بن محمد، دار الاضواء بيروت، ١٤١٦ق.
- ٢١ رجال النجاشى، نجاشى، احمد بن على، م ٤٥٠ق، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ١٤٠٧ق.
- ٢٢ رياض المسائل طباطبائى، سيد على، م ١٢٣١ق، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ١٤١٤ق.
- ٢٣ روض الجنان فى شرح ارشاد الازهان، عاملى، زين الدين بن على، م ٩٦٦ق، بوستان كتاب قم.بيتا.
- ٢٤ السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، حلى، محمد بن منصور، م ٥٩٨ق، مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٤ق.
- ٢٥ سنن ابن ماجة، قزوينى، محمد بن يزد، م ٢٧٥ق، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢١ق.
- ٢٦ السنن الكبرى، بيهقى، احمد بن حسين، م ٤٥٨ق، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٤ق.
- ٢٧ سنن النسائى، نسائى، احمد بن شعيب، م ٣٠٣ق، دار الفكر، بيروت، ١٣٤٨ق.
- ٢٨ سنن ابى داود، سجستانى، سليمان بن اشعث، م ٢٧٥ق، دار الفكر، بيروت، ١٤١٠ق.

۲۲۶ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

۲۹. الصحاح، جوهری، احمد بن عبدالغفور، م ۳۹۳ق، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۳۰. صحیح بخاری، بخاری، محمد بن اسماعیل، م ۲۵۶ق، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۳۱. صحیح مسلم، نیشابوری، مسلم بن حجاج، م ۲۶۱ق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳۲. فروع الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، م ۳۲۸ق، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۴ش.
۳۳. من لا یحضره الفقیه، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، م ۳۸۱ق، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۳۴. الفتاوی المیسرة، سیستانی، سید علی، مکتبة آیت الله سیستانی، قم، ۱۴۱۶ق.
۳۵. قرب الاسناد، حمیری، عبدالله بن جعفر، قرن سوم، مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۳۶. قواعد الاحکام، حلی، حسن بن یوسف، م ۷۲۶ق، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
۳۷. عوالی اللثالی العزیزية، احسائی، ابن ابی جمهور، قرن دهم، دار سید الشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵ق.
۳۸. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، م ۳۸۱ق، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۳۹. غنية النزوع الی علمی الاصول و الفروع، حلبی، حمزة بن علی

- بن زهره، م ٥٨٥ق، موسسه امام صادق عليه السلام، قم، ١٤١٧ق.
٤٠. الكافي في الفقه، حلبى، نجم الدين بن عبيدالله، م ٣٧٤ق، مكتبة الامام امير المومنين عليه السلام، اسقهان، ١٤٠٣ق.
٤١. كتاب البيع، خمينى، سيد روح الله موسى، م ١٤٠٩ق، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام بيتا.
٤٢. كتاب العين، فراهيدى، خليل بن احمد، م ١٧٥ق، منشورات الهجرة، قم، ١٤١٠ق.
٤٣. الكشاف، زمخشرى، محمود بن عمر، م ٥٣٨ق، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٧ق.
٤٤. كشف اللثام عن قواعد الاحكام، اصفهانى، محمد بن حسن، م ١٣٧ق، مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤٢٢ق.
٤٥. كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، هندى، على المتقى بن حسام الدين، م ٩٧٥ق، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٢٤ق.
٤٦. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مكرم، م ٧١١ق، دار صادر، بيروت، ١٤١٤ق.
٤٧. لوايع صاحبقرانى، مجلسى، محمد تقى، م ١٠٧٠ق، موسسه اسماعيليان، قم، ١٤١٤ق.
٤٨. المبسوط فى فقه الامامية، طوسى، محمد بن حسن، م ٤٦٠ق، المكتبة المرتضوية. بيتا.
٤٩. مختلف الشيعة فى احكام الشريعة، حلى، حسن بن يوسف، م ٧٢٦ق، بوستان كتاب قم، ١٤٢٣ق.

٥٠. المحاسن، برقی، احمد بن محمد، م ٢٧٤ق، المجمع العالمی لاهل البيت عليه السلام، ١٤١٦ق.
٥١. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین، م ١٣٢٠ق، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ١٤٢٥ق.
٥٢. مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، عاملی، زين الدين بن علی، م ٩٦٦ق، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ١٤٢٥ق.
٥٣. مسند احمد، شيبانی، احمد بن حنبل، م ٢٤١ق، دار صادر، بيروت. بيتا.
٥٤. مسند ابن الجعد، جوهری، علی بن جعد، م ٢٣٠ق، دار الكتب العلمیة، بيروت. بيتا.
٥٥. مستند الشيعة فی احكام الشريعة، نراقی، احمد بن محمد مهدي، م ١٢٤٥ق، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ١٤١٥ق.
٥٦. مجمع البحرين، طريحي، فخرالدين، م ١٠٨٧ق، كتابفروشی مرتضوی، تهران، ١٤١٦ق.
٥٧. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، اردبیلی، احمد بن محمد، م ٩٩٣ق، مؤسسة نشر اسلامي، قم، ١٤٠٣ق.
٥٨. معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهيّة، محمود عبدالرحمان، بيتا.
٥٩. مفاتيح الشرائع، فيض كاشاني، محمد محسن، م ١٠٩١ق. بيتا.
٦٠. مكارم الاخلاق، طبرسي، حسن بن فضل، م قرن ششم ق، انتشارات شريف رضى، ١٣٧٨ش.
٦١. المصنف، ابن ابی شيبه كوفي، م ٢٣٥ق، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٩ق.

٦٢. المصنف، ابي بكر عبدالرزاق، م ٢١١ق، نشر المجلس العلمى. بيتا.
٦٣. معانى الاخبار، صدوق، محمد بن على بن بابويه، م ٣٨١ق، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ١٣٦١ش.
٦٤. المعجم الكبير، طبرانى، سليمان بن احمد، م ٣٦٠ق، دار احياء التراث العربى، بيروت، نشر مكتبة ابن تيميه، قاهره. بيتا.
٦٥. المفردات، راغب اصفهانى، حسين بن محمد، م ٥٠٢ق، دار العلم، الدار الشاميه، بيروت، سوريه، ١٤١٢ق.
٦٦. منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامى، شاهرودى، محمد ابراهيم جناتى. بيتا.
٦٧. منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، حلى، حسن بن يوسف، م ٧٢٦ق، مجمع البحوث الاسلاميه، مشهد، ١٤١٤ق.
٦٨. منهاج الصالحين، خوئى، سيد ابوالقاسم موسوى، م ١٤١٣ق، نشر مدينة العلم، قم، ١٤١٠ق.
٦٩. منهاج الصالحين، سيد محمد سعيد حكيم. بيتا.
٧٠. المذهب، طرابلسى، عبدالعزيز بن تحرير، م ٤٨١ق، موسسه نشر اسلامى، قم، ١٤٠٦ق.
٧١. مهذب الاحكام فى بيان الحلال و الحرام، سبزوارى، سيد عبدالاعلى، م ١٤١٤ق، نشر دفتر آيت الله سبزوارى، قم، ١٤١٣ق.
٧٢. النهاية فى غريب الحديث و الاثر، ابن اثير، مبارك بن محمد، م ٦٠٦ق، المكتبة الاسلاميه. بيتا.
٧٣. النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى، طوسى، محمد بن حسن،

۲۳۰ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

- م ۴۶۰ق، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۷۴. النوادر، راوندی، فضل الدین بن علی، م قرن ششم ق، موسسه الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۸ق.
۷۵. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، عاملی، محمد بن حسن، م ۱۱۰۴ق، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۴ق.
۷۶. الوسيلة الی نیل الفضیلة، طوسی، محمد بن علی بن حمزه، م قرن ششم ق، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۸ق.
۷۷. هداية العباد، گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، م ۱۴۱۴ق، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۱۳ق.

منابع فارسی

۷۸. جغرافیای زیستی، خالدي، شهریار، نشر قومس، ۱۳۷۳ش.
۷۹. رسائل فقهی، جعفری، محمد تقی، نشر تهذیب، زمستان ۱۳۸۰ش.
۸۰. زیست شناسی عمومی، هیئت مؤلفان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ الهادی، قم، ۱۳۶۲ش.
۹۰. تاریخ جامع ادیان، ناس، جان بایر، ترجمه علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ هفدهم ۱۳۷۶.

فهرست مطالب

مقدمه ۷

پیشینه بحث ۱۱

بخش اول: کلیات (گستره و نوع حقوق حیوانات) / ۱۵

فصل اول: جانوران اهلی ۱۹

۱-۱. واژه اهلی در متون لغت ۱۹

۲-۱. تعریف برگزیده ۲۲

۳-۱. حیوان اهلی در متون دینی و عرف ۲۲

۴-۱. حیوان اهلی در اصطلاح جانور شناسان ۲۳

فصل دوم: جانوران وحشی ۲۷

۱-۲. واژه وحشی از نظر لغت ۲۷

۲-۲. وحشی در اصطلاح جانورشناسان ۲۹

۳-۲. حیوان وحشی در عرف و متون دینی ۳۰

۴-۲. واقعیت حضور حیوانات وحشی و تعامل انسان با آنها ۳۲

۵-۲. اهمیت حیوان وحشی برای محیط زیست ۳۲

۲۳۲ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

- فصل سوم: بررسی حقوق حیوانات از نظر اخلاقی..... ۳۵
- ۱-۳. دلائل لزوم حراست از حقوق حیوان..... ۳۶
- ۱-۳-۱. پرهیز از ظلم به موجود پایین تر..... ۳۶
- ۱-۳-۲. مالکیت انسان نسبت به جانوران..... ۳۷
- ۱-۳-۳. عاطفه انسانی..... ۳۸
- ۲-۳. حقوق حیوانات در روایات و تعبیر فقهاء..... ۳۸
- فصل چهارم: حقوق جانوران از نظر فقهی..... ۴۱
- ۱-۴. قانون لازمه حفظ حقوق..... ۴۲
- ۲-۴. قوانین الزام آور در شرع اسلام..... ۴۵
- ۲-۵. نهی از ظلم در دین اسلام..... ۴۶

بخش دوم: حقوق ایجابی / ۴۹

- فصل اول: تغذیه..... ۵۳
- ۱-۱. تغذیه حیوانات اهلی..... ۵۴
- الف) آیات و روایات..... ۵۴
- ب) فتاوا..... ۵۹
- تغذیه بچه حیوان..... ۶۱
- تغذیه حیوانات اهلی بدون مالک..... ۶۲
- ۲-۱. تغذیه حیوانات وحشی..... ۶۴
- روایات..... ۶۴

منابع و مأخذ □ ۲۳۳

- ۳-۱. گرسنه نگاه داشتن برای تعلیم و آموزش ۶۸
- فصل دوم: تأمین مکان و محل زندگی و تربیت ۷۱
- ۱-۲. تأمین مکان و محل زندگی ۷۱
- ۲-۲. مکان زندگی در حیوانات اهلی ۷۲
- ۳-۲. تأمین مکان برای حیوانات وحشی ۷۴
- ۴-۲. نگهداری از حیوانات ۷۶
- ۵-۲. باغ وحش‌ها و سیرک‌ها ۷۷
- ۶-۲. تربیت و آموزش ۷۹
- ۱-۶-۲. سگ ۸۰
- ۲-۶-۲. حیوانات دیگر ۸۲
- ۳-۶-۲. اسب ۸۴
- ۷-۲. حد تأدیپ ۸۶
- ۱-۷-۲. روایات ۸۶
- ۲-۷-۲. فتاوا ۸۷
- فصل سوم: تولید مثل و حفظ نسل ۹۱
- ۱-۳. تولید مثل ۹۱
- ۲-۳. اخشاء ۹۳
- الف) روایات مجوّزه ۹۴
- ب) روایات مانعه ۹۵
- ۳-۳. آزادی در تولید مثل ۹۷

۲۳۴ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

۹۹.....	۴-۳. حفظ نسل
۱۰۵.....	فصل چهارم: رشد
۱۰۹.....	فصل پنجم: سلامت و بهداشت
۱۱۰.....	۱-۵. بهداشت حیوان در دین اسلام
۱۱۰.....	۱-۱-۵. روایات
۱۱۲.....	۲-۱-۵. فتاوا
۱۱۳.....	۲-۵. بهداشت حیوان در قوانین مدون
۱۱۵.....	فصل ششم: توجه به احساس حیوان
۱۱۵.....	۱-۶. حس مادری و فرزندی
۱۱۶.....	۲-۶. انس و اهمیت آن از نظر دین اسلام
۱۲۰.....	۳-۶. حس وابستگی و پناه آوردن به آدمی
۱۲۳.....	فصل هفتم: ارفاق و مدارا با حیوان
۱۲۳.....	۱-۷. رفق در ذبح
۱۲۷.....	۲-۷. رفق در بهره کشیدن

بخش سوم: حقوق سلبی / ۱۳۱

۱۳۳.....	فصل اول: قتل و کشتار
۱۳۳.....	۱-۱. کشتار به قصد استفاده عقلانی
۱۳۷.....	۲-۱. کشتار بی دلیل
۱۳۸.....	۳-۱. کشتن بیهوده مصداق اسراف
۱۳۹.....	۴-۱. امر به کشتار و نهی از آن در برخی گونه‌ها

- ۱-۴-۱. حیوانات مورد حمایت ۱۴۰
- الف) پرستو ۱۴۰
- ب) هدهد ۱۴۱
- ج) صرد، مورچه، صوام، زنبور عسل ۱۴۱
- د) قورباغه ۱۴۲
- هـ) قنبره ۱۴۲
- و) شقراق ۱۴۳
- ۱-۴-۲. حیوانات مطرود ۱۴۳
- الف) موش و کلاغ و افعی و عقرب ۱۴۳
- ب) سگ عقور ۱۴۵
- ۵-۱. صید ۱۴۶
- ۱-۵-۱. ماهیت صید ۱۴۶
- ۲-۵-۱. اقسام صید ۱۴۷
- الف) صید تفریحی ۱۴۷
- دلیل اول: ۱۴۸
- دلیل دوم: روایات ۱۴۹
- ب) صید شرعی ۱۵۱
- ۳-۵-۱. احکام و اخلاق در صید ۱۵۲
- الف) ممنوعیت شکار حیوان با چیزی بزرگتر از خود صید ۱۵۲

۲۳۶ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

- ب) ممنوعیت شکار جوجه پرنده قبل از پرواز..... ۱۵۲
- ج) ممنوعیت شکار حیوانات اهلی..... ۱۵۳
- ۱-۶ ذبح..... ۱۵۴
- ۱-۶-۱. تعریف ذبح..... ۱۵۴
- ۱-۶-۲. انواع ذبح..... ۱۵۵
- الف) ذبح اضطراری..... ۱۵۵
- ب) تنخیع..... ۱۵۶
- ۱-۶-۳. احکام و آداب ذبح..... ۱۵۸
- الف) نهی از ذبح در منظر حیوانی دیگر..... ۱۵۸
- تعمیم حکم نسبت به همه حیوانات..... ۱۶۰
- ب) تسمیه..... ۱۶۱
- ج) رو به قبله بودن..... ۱۶۲
- د) نهی از کندن پوست و اعضاء قبل از سرد شدن لاشه حیوان..... ۱۶۲
- ه) تیز کردن چاقو قبل از ذبح..... ۱۶۴
- ۱-۶-۴. استفاده از روش‌های جدید برای ذبح..... ۱۶۵
- فصل دوم: آزار جسمانی..... ۱۶۹
- ۱-۲. ۱. مُثْلَه..... ۱۷۱
- جمع بندی..... ۱۷۲
- ۱-۲. ۲. آتش زدن حیوانات..... ۱۷۳

- ۱۷۳..... ۳-۲. وسم (علامت گذاری)
- ۱۷۶..... ۴-۲. تجاوز به حیوان
- ۱۷۶..... ۱-۴-۲. احکام تجاوز به حیوان
- ۱۷۶..... ۱-۴-۲. ۱-۱-۴-۲. تعذیر فاعل
- ۱۷۷..... ۲-۴-۲. ۲-۱-۴-۲. ذبح و سوزاندن حیوان
- ۱۸۱..... ۳-۴-۲. پرداخت غرامت توسط فاعل
- ۱۸۱..... ۵-۲. استفاده غیر متعارف
- ۱۸۱..... ۱-۵-۲. زدن حیوان
- ۱۸۲..... زدن در صورت
- ۱۸۲..... ۲-۵-۲. جلوس بر پشت حیوان برای حرف زدن
- ۱۸۳..... ۳-۵-۲. تفریح غیر اخلاقی
- ۱۸۵..... ۴-۵-۲. نهی از بار زدن بیش از نیروی حیوان
- ۱۸۶..... ۵-۵-۲. نهی از دوشیدن شیر زیاد
- ۱۸۷..... ۶-۵-۲. نهی از به جنگ واداشتن حیوانات
- ۱۹۱..... فصل سوم: برخورد با جانوران مودی
- ۱۹۲..... ۱-۳. شناخت جانوران مودی
- ۱۹۳..... ۱-۱-۳. مورچه
- ۱۹۵..... ۲-۱-۳. مار
- ۱۹۸..... ۲-۳. احتمال ترس و ضرر و تجویز قتل

۲۳۸ □ حقوق حیوانات در آیات و روایات

- ۲۰۱..... ۳-۱-۳. سگ
- ۲۰۲..... ۴-۱-۳. عقرب
- ۲۰۴..... ۵-۱-۳. موش
- ۲۰۵..... ۳-۳. مقابله با جانوران مودی
- ۲۰۶..... الف) روایت جمیل بن دراج
- ۲۰۷..... ب) روایت علی بن جعفر
- ۲۰۷..... ج) روایاتی که در آنها از کشتن بیهوده جانوران نهی شده است
- ۲۰۹..... د) روایت ابن عباس
- ۲۰۹..... جمع‌بندی

بخش چهارم: نقل شبهات / ۲۱۳

- ۲۱۷..... فصل اول: افراط و تفریط در استفاده از حیوانات
- ۲۱۷..... ۱-۱. افراط
- ۲۱۸..... ۲-۱. تفریط
- ۲۲۰..... ۳-۱. گیاه خواران و گیاه خواری
- ۲۲۳..... فصل دوم: حرم و احرام
- ۲۲۴..... ۱-۲. به خاطر خود حیوان
- ۲۲۵..... ۲-۲. به خاطر حالت احرام
- ۲۲۶..... ۳-۲. به خاطر حرم
- ۲۲۷..... نتیجه:

منابع و مأخذ □ ۲۳۹

۲۲۹ منابع و مأخذ

۲۲۹ منابع عربی

۲۳۶ منابع فارسی

۲۳۷ فهرست مطالب

